



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سیر حوزه های علمی شیعه

مؤلف:

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

مرکز تنظیم و نشر

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر حوزه‌های علمی شیعه

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
سیر حوزه های علمی شیعه	۸
مشخصات کتاب	۸
سخن ناشر	۸
اشاره	۸
چند کلمه برای این چاپ	۹
[مقدمه مؤلف	۱۲
۱: حوزه های علمی صدر اسلام	۱۳
اشاره	۱۳
پرسش اول	۱۳
۲: حوزه های علمی شیعه	۱۵
اشاره	۱۵
پرسش دوم	۱۵
اشاره	۱۵
آپیدایش تشیع	۱۵
[تاریخ حوزه های شیعه	۱۶
[حوزه درسی امام حسن و امام حسین	۱۷
[حوزه کوفه	۱۸
[حوزه بغداد]	۱۸
[حوزه نجف	۱۹
[حوزه حله	۱۹
[حوزه حلب	۱۹
[حوزه جبل عامل	۲۰

۲۰	[حوزه سیار]
۲۰	[حوزه ری]
۲۰	[الازهر و جامعه القرویین]
۲۰	حوزه علمیه قم
۲۱	۳: عالمان بزرگ حوزه‌ها و آثار آنها
۲۱	اشاره
۲۲	پرسش سوم
۲۴	۴: کیفیت کار حوزه‌ها
۲۴	اشاره
۲۴	پرسش چهارم
۲۵	[شیوه تدریسی خارج]
۲۸	۵: امور مالی حوزه‌ها
۲۸	اشاره
۲۸	پرسش پنجم
۲۹	[وضعیت مالی طلاب]
۲۹	[استقلال حوزه‌ها]
۳۰	۶: وضعیت کمی حوزه‌ها
۳۰	اشاره
۳۰	پرسش ششم
۳۲	۷: مقایسه دو حوزه
۳۲	اشاره
۳۳	پرسش هفتم
۳۵	۸: مکتب‌خانه‌های قدیم
۳۵	اشاره

۳۵	پرسش هشتم
۳۵	۹: رسالت حوزه‌های شیعه
۳۵	اشاره
۳۶	رسالت حوزه‌های شیعه
۳۶	[رهبری نهضت‌ها]
۳۹	روحانیت از سیاست جدا نیست
۵۸	درباره مرکز

سیر حوزه های علمی شیعه

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، - ۱۲۸۱
 عنوان و نام پدید آور : سیر حوزه های علمی شیعه / مولف لطف الله صافی گلپایگانی
 مشخصات نشر : قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
 مشخصات ظاهری : ص ۷۲
 فروست : (دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۷۸۲)
 شابک : ۱۵۰۰ ریال ؛ ۱۵۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی
 یادداشت : چاپ دوم: تابستان ۱۳۷۹؛ ۲۳۰۰ ریال ۰-۲۸۴-۴۷۰-۹۶۴ ISBN
 یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس
 موضوع : حوزه های علمی
 شناسه افزوده : جامعه مدرسین حوزه علمی قم. دفتر انتشارات اسلامی
 رده بندی کنگره : BP۷/۴ ص ۲س ۹
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۷۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۵-۷۱۹۳

سخن ناشر

اشاره

سوابق، روند کار و سرفصل برنامه های درسی هر مرکز علمی، نشان دهنده میزان غنا و ارج علمی آن است.
 «سیر حوزه های علمی شیعه»، به شکلی موجز به معرفی حوزه های علمی، تاریخچه، سرفصل دروس و عالمان بزرگ دینی حوزه ها و آثار مهم آنان می پردازد و اهداف و رسالت واقعی حوزه های علمی را بیان می کند.
 ویژگی برجسته این کتاب آن است که توسط فقیهی فطن و پژوهشگری سترگ که امروز از ارکان اصلی حوزه های علمی به شمار می رود نوشته شده است.

«سیر حوزه های علمی شیعه» پاسخ به پرسش هایی است که از سوی یک پژوهشگر ایرانی مقیم فرانسه در سال ۱۳۵۷ هـ. ش به صورت مکتوب با حضرت آیت الله العظمی صافی در میان گذاشته شده بود و معظم له این سؤالات را پاسخ دادند.
 این کتاب پیش از این توسط ناشر دیگری منتشر و تجدید چاپ گردیده و مورد استقبال اهل فضل واقع گردید.

ویراست جدید «سیر حوزه های علمی شیعه» در حالی تقدیم علاقه مندان

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴

می گردد که برخی پاورقی ها و نیز تیرهای جدید، توسط پژوهشگر فرزانه، جناب استاد آقای باقری بیدهندی به آن افزوده گردید که در پایان کتاب تحت عنوان یادداشت ها و توضیحات آمده است.

هم چنین عناوین جدید که در متن اولیه کتاب نبوده و توسط ایشان اضافه شده در قالب [] مشخص گردیده است.

مطالعه این کتاب مفید و ارزشمند را- به عنوان یک راهنمای مناسب در

زمینه الگوها و منبع شناسی نظام تعلیم سنتی حوزه- به همه علاقه مندان علوم دینی و به ویژه به طلاب و دانشجویان فرهیخته، توصیه می کنیم.

مرکز تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷

چند کلمه برای این چاپ

حمد و ثنای بی پایان خدای یکتا و بی همتا را که به زیور تمام کمالات آراسته و از همه نقصانها و زشتیها، منزّه و پیراسته می باشد. همان خدایی که برای معرفت خویش انسان را آفرید و از میان انسانها، علمای راستین را بیش از دیگران اکرام نمود به طوری که آنان را باز گوینده احکام و شریعت خویش گردانید و مرتبه آنان را رفیع داشت و هر کسی را که با آن می نویسد، بر خون شهیدان برتری داد.

درود فراوان و همیشگی بر سید کائنات و مفخر موجودات، پیامبر ختمی مرتبت، نثار و ارزانی باد. و همچنین درود سرشار بر دوازده تن از اوصیا و جانشینان او، که اولینشان امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند همواره و پیوسته مزید باد.

[۱]

و بعد خوانندگان عزیز قبل از خواندن این کتاب، به نکات زیر توجه فرمایید: مطالعات تاریخی به روشنی به ما نشان می دهند که «حوزه های علمیه» از عمده ترین نهادهای آموزش و اصيل ترین مراکز تعلیم و تربیت در تاریخ اسلام است که دارای پیشینه کهن و اسلبي ویژه می باشد و در راستای رسالت انبیا و برای تحقق اهداف آنان تشکیل شده است. بستری که عالمان دین در آن تربیت می شوند، از پیامبران نشأت می گیرد و روحانیون- که در دانش و سلوک، پای در جای پای آنان نهاده اند-

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸

وارثان راه و روش پیامبران و ذاکران جهادها و شهادت های امامان اند.

عالمان دینی، ادامه دهندگان خط معصومان علیهم السلام و پاسدار میراث گرانبهای آنان اند و در طول تاریخ تکاملی و پرافتخار خود، همواره با مدد الهی و عنایات خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منادی دین داری، سلوک معنوی، بصیرت اجتماعی، تبلیغ و تبیین شریعت اسلام بوده اند و دین را به خدمت پادشاهان، استعمارگران و دشمنان خلق درنیاورده و موانع استوار و محکم در برابر تجاوزات کفار بوده اند. روحانیت و حوزه های علمیه در گذشته و حال بزرگترین نقش را در حفظ و ترویج اسلام و دفاع از استقلال کشورهای اسلامی ایفا نموده اند و همواره ثابت کرده اند که تنها به مصالح عالی انسانی در ابعاد فردی و اجتماعی آن می اندیشند.

آنان در محیطی که سرشار از صفا، صمیمیت، و اخلاص، معنویت، زهد و قناعت است، به تعلیم و تعلم مشغول اند و به تربیت

فرزانگانی شریعت‌شناس و پاکدامن مبادرت می‌ورزند.

دانش آموختگان حوزه‌ها به حکم وظیفه شرعی و برای تحقق بخشیدن به فرمان الهی بعد از مراجعت به زادگاه خود هر یک در حد توان و ظرفیت منطقه به انجام وظائف صنفی می‌پردازند و مؤدای «و لیندروا قومهم اذا رجعوا الیه» [۱] را محقق می‌سازند.

فعالیت حوزه‌ها علاوه بر تعلیم و تعلم و تبلیغ و تصنیف و تألیف، نگهداری دین از هر گونه تحریف، تأویل و شبهات تحریف‌گران و دین‌ستیزان، حضور فعال در متن جامعه و خدمت بی‌منت به مردم و دفاع از حریم پیامبران و امامان است

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹

حوزه‌های علمیه، خاستگاه اندیشه و تفکر اجتهادی و اصیل دینی و جایگاه عالمان وارسته و دانایان خداترس و بندگان معادباور خدا است که مانند آنها را در مراکز فرهنگی دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.

در هر عصر، یکی از مراکز عمده حوزوی نظیر کوفه، نجف، بغداد، ری، قم و ... حوزه مرکزی شیعه و کانون توجه دل‌های مشتاق معارف دین شده است.

این بنیاد توانمند علمی و فرهنگی به عنوان کانون گرم حرکت‌های انقلابی، جایگاهی بس والا و مهم داشته و گذشته روشن و درخشانی را پشت سر نهاده است. از دیرباز تا کنون، هر جا به نهضت و حرکت ضدّ ظلم و ستم و در خدمت امت مسلمان برخورد می‌کنیم، نام و نشانی از عالمان دین می‌یابیم که پیشرو و مشعل‌دار بوده‌اند تا جایی که بسیاری از آنها مورد انواع مشقت‌های طاقت فرسا قرار گرفته‌اند. بی‌تردید اگر جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌ها و هجرت‌های روحانیت راستین [۲] و علمای مجاهد اسلام- که از صدر اسلام تا کنون در عرصه اجتماع و سیاست حضور داشتند- «و رساله‌های علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند» نبود، میراث گران قدر علوم الهی به دست ما نمی‌رسید، یا از کید و زیان دشمنان در امان نمی‌ماند. «حوزه‌ها» همگام با زمان پیش رفته و با جذبه معنوی خود که ناشی از روح بلند عالمان پرهیزکار، و مشعل داران هدایت است، هر ساله پذیرای انبوه دانشجویان علوم دینی در رشته‌های مختلف می‌باشد که با مجاهدت و بصیرت، همه جذابیت‌های دنیوی را نادیده گرفته و برای آموختن «دانش دین» پا به نهاد عظیم علمی حوزه می‌گذارند و به فراگیری علوم حوزه مشغول می‌شوند تا با گذراندن دوره‌های بلندمدت یا کوتاه مدت تحصیلی در آینده به کار گسترش دین و دانش و فرهنگ اسلام دست زنند و به حفظ مبانی و ارزش‌های

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۰

دینی بپردازند و قوام‌بخش ایمان جامعه گردند.

زعامت حوزه‌های علمیه تشیع همواره با عالمان برجسته بود که عمری را در کمال خلوص و به دور از هواهای نفسانی سپری کرده و با همت بلند خود بار سنگین اداره حوزه را عهده‌دار شده و با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در جهت رسیدن به وضع مطلوب در عرصه‌های گوناگون تلاش کرده‌اند.

ویژگی منحصر حوزه‌های شیعه استقلال از حکومت‌ها می‌باشد. از این رو تربیت‌یافتگان حوزه شخصیت‌هایی هستند آزاده و مستقل و در نقد حکومت‌ها شجاع و صریح‌اللهجه.

دانش آموختگان حوزه‌ها از لحاظ شأن و مقام و سطح آگاهی، به گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و نقش آنان با توجه به میزان تقوا، توانایی و نفوذ بر مردم و شرایط خاص زمانی متفاوت است.

گل‌های سرسبد حوزه‌ها، عالمان ربانی و مراجع بزرگوار تقلید می‌باشند که به عنوان نایبان عامّ امام معصوم غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف رسالت تبیین احکام دینی و راهنمایی امت را به عهده دارند. آنان، مشعل رهبری و هدایت جامعه را در دست گرفته و با همه فشارها و مشکلات، حوزه‌های علمیه را بر پا نگاهداشته و به تربیت دین‌پروران همت گماشتند و مردمان را از کوثر زلال معرفت خویش سیراب نموده‌اند. آنان در شکل‌گیری تمدن اسلامی و زندگی اجتماعی مردم و در رخدادها و تحولات اجتماعی،

نقش تعیین کننده و سرنوشت‌سازی داشته و دارند. و اوج این تأثیرگذاری را در نهضت اسلامی ایران که در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، می‌توان به روشنی دریافت.

بحمدالله حوزه‌ها در طول دوران حیات خود- به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی- موفقیت‌های بسیار و دستاوردهای چشمگیر و خدمات بسیار داشته‌اند.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۱

ارائه خدمات با امکانات اندک و دشمنان فراوان، خاصه در عصر اختناق سلاطین که برای محو حوزه‌ها و روحانیت با تمام نیرو بسیج شده بودند کار آسانی نبوده است و بی‌گمان اجر فراوانی دارد.

به رغم اهمیت فزاینده حوزه‌های شیعه و جایگاه روحانیت اصیل و در رأس آن، نهاد مرجعیت پس از انقلاب اسلامی ایران، سوگمندانه باید گفت که پژوهش‌های قابل توجه در مورد تاریخ حوزه‌ها و مرجعیت، کمتر صورت گرفته است و حتی حوزویان جوان غالباً از ریشه و پیشینه خود بی‌اطلاع هستند.

[۲]

از روزهایی که مشغول نگارش «تاریخچه حوزه‌ها و مرجعیت شیعه» برای تدریس

در جامعه المصطفی العالمیه «مدرسه عالی امام خمینی (ره)» بوده‌ام، به کتابی با عنوان «سیر حوزه‌های علمی شیعه» برخورد کردم که به طور مختصر، به معرفی حوزه‌های دینی و چگونگی پیدایی و گستره فعالیت عالمان دین می‌پردازد که در عین اختصار، سودمند می‌نماید.

این کتاب به قلم شخصیت برجسته‌ای تألیف یافته که عمری در حوزه‌ها به تعلیم و تعلم و تصنیف گذرانده [۳] و همواره نسبت به حوزه و مسائل آن احساس مسئولیت نموده است و امروز که در استوارترین سنگر دفاع از شریعت (مرجعیت) قرار دارد این حس مسئولیت فزونی یافته است.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۲

اهمیت این اثر وقتی بیشتر روشن می‌شود که دریابیم به دلیل ضعف بینش تاریخی یا علت‌های دیگر، توجهی به ثبت دقیق رخدادها و تاریخ حوزه‌ها نبوده است؛ از این رو، امروزه منابع فراوانی در این خصوص در اختیار نداریم! سبب تألیف این اثر را، نویسنده بزرگوار در مقدمه کتاب آورده است.

این نوشته سال‌ها قبل، از سوی «انتشارات اسلامی»- وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم- انتشار یافته بود و به دلیل اختصار، احتیاج به افزوده‌هایی داشت. از این رو، با عنایت به نیازی که در این زمینه برای پژوهندگان و دانشجویان وجود داشت، پس از ویرایش مختصر و مشخص کردن حواشی مؤلف با ستاره و باقی گذاشتن آن در پانوش، حواشی خود را در بخش دوم کتاب آورده‌ایم.

[۳]

هیچ تردیدی نیست که تحشیه آثار ارزشمند نویسندگان و متفکران مشهور، از شیوه‌های دانش‌گستری و کوششی است فرخنده و سنتی است شایسته پیروی و دارای سابقه در تمدن اسلامی. با مراجعه به فهرسی چون الذریعه؛ کشف الظنون؛

مرآت‌الکتب؛ ایضاح المکنون؛ ایضاح الطریقه؛ راهنمای کتاب و کتب تراجم و رجال، با انبوهی از این گونه آثار مواجه می‌شویم. امروزه این نوع فعالیت‌ها درباره آثار اندیشمندان اسلامی و شیعی معاصر، کمتر به چشم می‌خورد و حال آنکه اگر فرهیختگان با

فروتنی به آثار دانشمندان و نوابغ بزرگ تحشیه زند، ضمن ادای دین نسبت به پدیدآوردندگان و احیای میراث شیعی، سنت حسنه علمای سلف نیز پاس داشته می شود. و کار ناچیز بنده نگارنده در همین راستاست.

[۴]

اینک که در پرتو تفضّل و عنایات خداوند کارساز بنده نواز، تجدید چاپ این کتاب سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۳

جریان می یابد، بجاست تا مراتب شکر خالصانه خود را به پیشگاه با عظمت باری تعالی نثار آورده که خود توفیق آغاز داد و خود به پایان برد. چه می توان گفت جز اینکه به اتقان تمام بگویم:

به سعی خود نتوان برد، ره به گوهر مقصودخیال بود که این کار بی حواله برآید

و ضمن دعای خیر و آرزوی توفیق و روزبهی، طول عمر با برکت استاد عظیم الشان که خوشه چین خرمن فضل و کمالش بوده ام - از درگاه الهی خواستارم.

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند جان گرامی به جانش اندر پیوند

از اینکه یزدان پاک در دوران رنجوری و خانه نشینی توفیقم داد این تلاش متواضعانه را به عنوان دین ناچیز به حوزه ها تقدیم دارم، از صمیم قلب سپاسگزارم.

امید است پروردگار قادر مّان توفیق خدمت هرچه بیشتر در شناساندن معارف عالیه اسلامی و میراث شیعی عطا فرماید و ما را در زمره متعهدین به اسلام و مسلمین قرار دهد.

الها مراکز حوزوی که مشوق هدایت و وسیله تبلیغ دیانت و تقویت باورهای دینی هستند از گزند حوادث بدخواهان حفظ و صیانت بفرما. آمین یا رب العالمین

ختام عمر خدایا به فضل و رحمت خویش به خیر کن که همین است غایه الآمال [۴]

قم: آشیانه آل محمد (ص)

بنده خدا: ناصر باقری بیدهندی

اول ذی الحجه ۱۴۲۹ / ۱۰ آذر ۱۳۸۷

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۵

[مقدمه مؤلف]

به عرض می رساند که مرقوم شریف عز وصول بخشید، از اینکه در پاریس اشتغالات علمی و بررسی و تحقیق را برگزیده اید، مسرور شدم. امید است در این راه موفق شوید.

در خصوص اطلاعاتی که حسن ظنّ جناب عالی موجب درخواست آن از حقیر شده است با وجود اشتغالات بسیار و قلت فرصت، طبق آنچه در حافظه دارم معروض می دارم و خواهشمند است آن را تکمیل نمایید. و اگر توضیحات بیشتر در این موضوع یا اطلاعات دیگر در مسائل اسلام و تشیع لازم شد یا در بحث هایی که در مجامع علمی آنجا مطرح می گردد، دانشجویان و اساتید و کسانی که پیرامون اسلام و تشیع، تحقیق و کاوش دارند اطلاعاتی خواسته باشند، مرقوم فرمایید به قدر وسع و به شرط توفیق، در

اختیارشان گذارده خواهد شد؛ ان شاء الله تعالی.

چند جلد تألیفاتم را که برای کتابخانه ملی پاریس خواسته‌اید فرستادم - ان شاء الله تعالی - بقیه را بعداً می‌فرستم.
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لطف الله صافی

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۷

۱: حوزه‌های علمی صدر اسلام

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۹

پرسش اول

اطلاعاتی را در مورد حوزه‌های ۵] علمی در صدر اسلام بیان فرمایید.

پاسخ: اسلام از تعلیم و ارشاد، کار خود را آغاز کرد و تاریخ تعلیم و تربیت و ظهور حوزه‌های علمی در اسلام همان، تاریخ ظهور اسلام است.

چنان که می‌دانیم خورشید تابناک مکتب اسلام در مکه معظمه طلوع نمود و به نور افشانی و پخش علم پرداخت و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از قدم اول به هدایت افکار و بالا بردن سطح معلومات جامعه و کسانی که به آن حضرت می‌گرویدند همت گماشت و بعثت و رسالتش، بعثت و رسالت علم و تربیت بود. ایشان در مسجد الحرام و در مواقع و اماکن دیگر با نشر علم و آگاه کردن مردم، انجام وظیفه می‌فرمود.

در آیه شریفه:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَانْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. [۶]
اوست خدایی که میان عرب امی (که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیامبری بزرگوار از میان همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۰

سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد که پیش از این، همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند.

قرآن مجید صریحاً هدف بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در سه مورد خلاصه کرده است:

۱. تلاوت آیات خدا.

۲. تزکیه و تربیت نفوس.

۳. تعلیم کتاب و حکمت. بنابراین، تاریخ تأسیس حوزه تعلیم، تلاوت قرآن و تربیت مردم، متأخر از تاریخ بعثت حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و ظهور اسلام نیست.

ظهور اسلام؛ یعنی ظهور یک معلم و استاد الهی و آسمانی که به این امور قیام کند و انقلاب بزرگ تربیتی و علمی اسلام را آغاز نماید و این مدرسه و حوزه را که در طول قرون و مرور اعصار، صیت اسم و آوازه علم و دانش شاگردانش جهان را پر کرد، تشکیل دهد و این کاری بود که آن یگانه معلم آسمانی انجام داد و در جمع تمام معلمان بزرگ عالم بشری، موفقیتش بی‌نظیر شد. در مکه معظمه، حوزه علمی اسلام، تحت رهبری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کار خود را آغاز کرد. در این حوزه-چنان که از سوره‌های مکیه و آیاتی که در مکه نازل شده معلوم می‌شود- بیشتر تعلیمات و مسائلی که مطرح و به مردم تعلیم داده شد مسائل الهیات، توحید، نفی شرک، ایمان به عالم غیب و جهان دیگر، نبوت، تاریخ انبیا فلسفه‌های تاریخ و استدلال بود و به اصطلاح، بیشتر مسائلی بود که جنبه زیربنایی داشت.

این مدرسه، سیزده سال با مشکلات، دشواری‌ها و کارشکنی‌های بت پرستان، جاهلان و دشمنان ترقی، رشد فکری و بیداری مردم مواجه شد و با وجود آزارها و شکنجه‌هایی که

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۱

به شاگردان این حوزه دادند و حتی روابط اقتصادی و اجتماعی خود را با آنها قطع کردند و جمعی از آنها را ناچار به ترک وطن و مهاجرت به حبشه نمودند، باز هم با موفقیت به کار خود ادامه داد و با آموختن علم، حکمت، تربیت، تزکیه و تلاوت آیات حق، بذر بزرگ‌ترین جنبش و حرکت فکری و علمی جهانی اسلام را در زمین دل‌ها کاشت و اسلام را از مدرسه و حوزه شروع نمود و آن را از تعلیم و تربیت، پی‌ریزی کرد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدت سیزده سالی که در مکه معظمه به رسالت اشتغال داشت، وظیفه یک استاد دلسوز و مهربان را که با وجود تمام موانع می‌خواهد رفع جهل از شاگردانش بنماید، انجام داد، با این تفاوت که او یک استاد ساده نبود و مدرسه‌اش حد و مرزی نداشت، او می‌خواست تمام بشریت را از جهالت نجات دهد و در مکه مدرسه و حوزه‌ای بنا کند که جهانی و جاودانی باشد.

عمده دروس این مدرسه، همان تلاوت قرآن مجید بود که نخست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حاضران مجلسش تلاوت می‌فرمود و سپس آنها آن آیات را ضبط و حفظ کرده، می‌نوشتند و به دیگران نیز می‌رساندند.

محصول مدرسه و حوزه مکه مکرمه و مدرسه وحی محمدی، شاگردانی- و در درجه اول- شخصیتی، مانند علی علیه‌السلام و بعد هم افرادی مانند خدیجه، ابوذر، مقداد، عمار و ابن مسعود بودند که برخی از آنان بعدها عهده‌دار مناصب علمی، قضایی و غیره شدند.

بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه منوره [۷]، حوزه علمی، فکری و سیاسی اسلام به مدینه طیه منتقل شد و مسجد مدینه که به «مسجد النبی» [۸] معروف است بزرگ‌ترین مرکز تعلیم و تدریس شد و مسائل و معارف اسلامی اعم از عقاید و امور سیاست، اجتماع، اقتصاد، عبادت، معاملات، برنامه دفاع و جهاد، احوال شخصی، قضا و داوری، عمران، بهداشت، اخلاقیات و مسائل علمی دیگر در این مسجد مطرح

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۲

می‌گشت و آیات قرآن مجید بر مردم تلاوت می‌گردید.

بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز مسجد مدینه منوره مرکزیت خود را حفظ کرد و در آن حلقه‌های متعدد یا حوزه‌ها تشکیل می‌شد که طالبان علم با شرکت در هر یک از آن حلقه‌ها از صاحب آن حلقه استفاده می‌کردند و در واقع شاگردی و تلمذ می‌نمودند که بعد از صحابه [۹]، مشاهیر سلسله تابعین [۱۰] و بعد از تابعین [۱۱] مشاهیر تابعین تابعین، از دیدن این حوزه و

حلقه‌ها مشهور شدند.

علاوه بر مسجد مدینه طیه، در هر کجا و هر منطقه‌ای که در حیطه اختیار مسلمانان قرار می‌گرفت یک مسجد که عملاً یک حوزه و مدرسه هم بود، بنا می‌شد و چون صحابه هم در این مناطق بودند، مسجد، محل درس و تعلیم می‌شد و روی هم رفته مسجد مدینه طیه، مسجد الحرام و مساجد دیگر، حوزه‌ها و مدرسه‌های همگانی‌ای بودند که در آن هر کسی می‌خواست می‌توانست تلمذ نماید و بدون هیچ گونه تشریفاتی به مقامات بلند علمی نایل گردد.

از آنجا که در پاسخ به پرسش دوم نیز سخن از مسجد مدینه و حوزه‌های مسجدی به میان خواهد آمد به پاسخ پرسش دوم می‌پردازیم. فقط این نکته را اضافه می‌نماییم که علاوه بر آنچه که بیان شد، گواه بر اصالت اسلامی حوزه‌های علمی و اینکه تأسیس آن یک برنامه قرآنی است که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله معمول به و اجرا شد در قرآن کریم است که:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۳

إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ. [۱۲]

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که مسئله تربیت در علوم اسلامی و تحصیل و تعلم و تفقه در دین به صورت فردی و اجتماعی، و همچنین مسئله تبلیغ و انداز، یک مسئله و موضوع مهم اسلامی و در کنار واجبات دیگر، بلکه فی الجمله مقدم بر آنهاست. [۱۳]

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۵

۲: حوزه‌های علمی شیعه

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۷

پرسش دوم

اشاره

تاریخ و سابقه حوزه‌های علمی شیعه و نام و محل حوزه‌ها را بیان فرمایید.

پاسخ: به طور مقدمه عرض می‌شود که باید به این موضوع توجه داشت که تنها فرقه از فرق مسلمین که یک فرقه مستحدث نیست، «فرق شیعه» [۱۴] می‌باشد که فرقه اصل و اصیل و پیروان کتاب و سنت و گروندگان متعهد اسلام می‌باشند.

[پیدایش تشیع]

این اسم از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله بر پیروان علی علیه السلام که زندگی، رفتار، گفتار و همه احوالاتش تجسم روح اسلام و معرّف واقعیت اسلام، و وجودش امتداد هدایت پیغمبر و بعد از پیغمبر اولین اسلام شناس بود، اطلاق شد [۱۵] تا مسلمانان راه اسلام را بشناسند و در بیراهه نیفتند.

این عنوان «شیعه» بر پیروان متعهد و ملتزم علی علیه السلام، مانند ابوذر، مقداد، سلمان و عمار از همان عصر اول اطلاق شد و فرقه‌های

دیگر بعدها به وجود آمدند و بعد از آن فرقه‌ها، فرقه شیعه نیز طبعاً یک فرقه مشخص شد. و تمام تشخیص و امتیاز آن از سایر فرق این است که: اگر تمام اصحاب و مسلمانان در یک مسئله، نظر و رأی بدهند و علی‌علیه‌السلام رأی دیگری بدهد، شیعه همان رأی علی‌علیه‌السلام را می‌پذیرد و تنها آن را حق می‌داند و درباره سایر امامان نیز همین عقیده را دارد. و این عقیده‌ای است که اصالت و صحت آن با توجه به احادیث متواتر، ثابت و مسلم است که در اینجا فرصت

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۸

بسط سخن در این موضوع و چگونگی پیدایش فرق دیگر نیست. [۱۶]

و- چنان که از جواب سؤال اول معلوم شد- سابقه حوزه‌های علمی شیعه، به عصر امیرالمؤمنین علیه‌السلام و بلکه با توضیحی که داده شد به عصر رسالت و مسجد مدینه می‌رسد و این حوزه‌ها در تمام ادوار حیات ائمه طاهرین علیهم‌السلام، تحت نظر و افاضات علمی و هدایت آن بزرگواران، شاگردان و اصحاب عالیقدرشان برقرار بود و در اشاعه علوم و خدمات بزرگ علمی، تبلیغ و تألیف کتاب از جمله، «اصول اربعمائه» [۱۷] فعال بوده و موفقیت‌های چشمگیری داشتند.

و هر کس بخواهد برخی از فارغ التحصیلان این حوزه‌های شیعی را در نشر علوم به طور عام و علوم اسلامی به طور خاص بشناسد، می‌تواند به کتاب: تأسیس الشیعه [۱۸]، تألیف علامه عالیقدر، مرحوم سید حسن صدر، و اعیان الشیعه، تألیف علامه عالی مقام مرحوم سید محسن امین (که در پنجاه جلد است) [۱۹]، و دوره الذریعه الی تصانیف الشیعه [۲۰]، تألیف: عالم بزرگ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی مراجعه نماید. [۲۱]

همچنین برای اطلاع از احوال علمای بزرگ و مدرسین شیعه در رشته‌های مختلف علمی نیز می‌توان به کتب نامبرده و کتاب‌های رجال مراجعه نمود.

این بزرگان، معدود نیستند و مشاهیر آنان نیز معدود نمی‌باشند که بتوان آنها را نام برد. اجمالاً در رشته‌های تفسیر، فقه، کلام، اخلاق، حدیث، رجال، تراجم، طبقات، تمییز مشترکات، درایه، تجوید، قرائت، نحو، صرف، ادبیات، تاریخ و غیره از علوم اسلامی و علوم که در بین مسلمین رواج یافت مانند: ریاضی، جغرافیا، هیئت، شیمی، فلسفه، طب، معماری، مهندسی و رشته‌های دیگر، علمای نامدار شیعه بسیار بوده‌اند و برخی از آنان از نوابغ عالم به شمار می‌روند و عالم اسلام به وجودشان افتخار می‌کند.

جمعی از این مردان عالیمقام در راه خدمت به علم و حقیقت، مبارزه با اهل باطل و بدع

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۲۹

و نادانی‌ها و سیاست‌های جبار و ضد اسلامی که به نام اسلام معرفی می‌شد، شهید شدند که کتاب «شهداء الفضیله» [۲۲] را می‌توانید به عنوان نمونه ملاحظه فرمایید.

اگر نگوییم همه، می‌توانیم بگوییم اکثر آنها علمای شیعه، صاحب فضائل ممتاز معنوی و اخلاقی و در زهد و تقوا کم‌نظیر بوده‌اند. بعد از این مقدمه، به تاریخ حوزه‌های شیعه و سوابق و محل آنها می‌پردازیم:

تاریخ حوزه‌های شیعه

چنان که بیان گردید اولین حوزه‌ای که در اسلام تأسیس شد، حوزه مکه معظمه و دومین حوزه، مدینه طیبه بود که بر اساس مدارکی که در دست داریم این دو حوزه را باید سابقه و بنیاد حوزه‌های شیعی بشماریم، هرچند که به یک حساب، تمام حوزه‌های عالم اسلام به این دو حوزه برمی‌گردند و از آنها مایه می‌گیرند و فروغ آن دو حوزه به شمار می‌آیند.

و این دو حوزه مبدأ هزاران حوزه‌ای است که در یمن، حجاز، عراق، شام، مصر و سایر کشورهای آفریقا، اندلس، اسپانیا، ایران، ماوراء النهر، ترکستان، ترکیه، قفقاز، هند، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، چین، مالزی، افغانستان و دیگر کشورها گشایش یافتند.

اما رابطه حوزه‌های تشیع با این دو حوزه، مانند تنه درخت با ریشه آن است و در واقع حوزه‌های شیعی، به ویژه در عصر ائمه طاهرین علیهم السلام امتداد واقعی آن دو حوزه می‌باشند. حوزه‌های شیعی توانستند اصالت آن دو حوزه را حفظ و اسلام را از تحریف، تغییر و از دستبرد زمامداران جبار نجات دهند.

بعد از رحلت پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله حوزه مدینه به مرکزیت خود باقی ماند و اگرچه تنی چند از صحابه نیز با روایت یک سلسله احادیث، خود را وارد این حوزه

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۰

کرده بودند [۲۳] و سیاست هم از آنها تا حد امکان، ترویج و تأیید می‌کرد لیکن از جهت اینکه شخصیتی مانند علیعلیه السلام در مدینه امامت داشتند علاوه بر

اینکه همگان از علوم ایشان استفاده می‌کردند، شاگردان خاصی نیز داشتند که در اسلام شناسی و بینش اسلامی و اطلاع از تفاسیر و معارف قرآن و تشخیص احادیث صحیح از احادیث مجعول، ممتاز و برجسته بودند و مایه روح و اعتبار این حوزه شیعی بودند تا آنجا که دانشمندانی مانند ابن ابی الحدید، همه علمای اسلام را با واسطه یا بلا-واسطه شاگرد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌شمارد. [۲۴]

[حوزه درسی امام حسن و امام حسین]

در عصر حضرت امام حسن مجتبی و امام حسین، سید الشهداء علیهما السلام نیز حوزه شیعه در این شهر ادامه داشت و هر یک از این دو امام در مسجد مدینه، حلقه علمی داشتند که مردم از دور و نزدیک در آن حلقه شرکت می‌کردند.

ابن صباغ مالکی نقل می‌کند که مردی وارد مسجد مدینه منوره شد، دید شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل حدیث می‌نماید و مردمی گرد او جمع شده‌اند. نزد او آمده و از او پرسید: «خبرنی عن شاهد و مشهود؟» [۲۵]؛ مراد از شاهد و مشهود چیست؛ مرا با خبر ساز؟

پاسخ داد: «شاهد، روز جمعه و مشهود، روز عرفة است.»

آن مرد [که ظاهراً آن جواب را کافی ندانسته بود] نزد شخص دیگری رفت که او هم در مسجد، حدیث می‌گفت. در مورد او نیز از شاهد و مشهود پرسید. او جواب داد: «شاهد، روز جمعه و مشهود روز نحر (عید قربان) است.»

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۱

آن شخص آن دو را رها نمود و نزد شخص ثالثی که نوجوان بود و چهره‌ای درخشان داشت و از پیغمبر صلی الله علیه و آله حدیث می‌فرمود آمد و همان سؤال سابق را تکرار نمود.

آن نوجوان فرمود:

أما الشاهد، فرسول الله صلی الله علیه و آله و اما المشهود، فيوم القيامة اما سمعته عز وجل يقول:

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً [۲۶]

فقال تعالى: وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ [۲۷]

مراد از شاهد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و مراد از مشهود، روز قیامت است؛ سپس - برای او به قرآن مجید استشهاد نمود و فرمود: آیا نشنیده‌ای که خداوند عزوجل می‌فرماید: «ای پیغمبر! ما تو را شاهد و مژده دهنده و ترساننده فرستادیم» و فرمود: «این روزی است که مردم از برای آن، گرد آورده می‌شوند و این روز «مشهود» است.»

مرد از شخص اول پرسید که کیست؟ گفتند: «ابن عباس است.» از دومی پرسید، گفتند: «ابن عمر است.» از سومی سؤال کرد،

گفتند: «حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است.» [۲۸]

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۲

عقاد، در مود حوزه و حلقه افاده و افاضه حضرت امام حسین علیه السلام ضمن توصیف و تعظیم از وقار و مهابت آن حضرت، از معاویه نقل می کند که: این مهابت را از آن امام بزرگوار شناخته بود و برای مردمانی از قریش که عازم مدینه بودند، امام را چنین توصیف می کرد:

إذا دخلت مسجد رسول الله فرأيت حلقه فيها قوم كأنّ علي رؤوسهم الطير فتلک حلقه ابی عبدالله [۲۹]

وقتی وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله شدی و حلقه (حوزه) ای را دیدی که در آن همگان در نهایت سکوت و توجه به صاحب حلقه هستند آن حلقه، حلقه ابی عبدالله علیه السلام است.

پس از این دو بزرگوار نیز حوزه شیعه در مدینه همچنان باقی بود و امام زین العابدین علیه السلام آن را رهبری می فرمود تا در عصر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و بعد هم در عصر امام جعفر صادق علیه السلام دارای رونق و اهمیت بسیار شد که می توان گفت تمام شهر مدینه به یک مدرسه تبدیل شده بود و در عصر حضرت صادق علیه السلام مسجد و حوزه علمی مدینه منوره یک دانشگاه کامل و تمام عیار بود که در آن علاوه بر تمام علوم اسلامی، رشته های مختلف علمی دیگر حتی شیمی، تشریح، علم وظایف الاعضاء، گیاه شناسی، هیئت و غیره تدریس می شد.

و حضرت صادق علیه السلام شاگردان برجسته و نامداری تربیت کرد که بعداً هر کدام، خود از اساتید مدرسه اسلام شدند که ابن عقده [۳۰] چهار هزار نفر از آنها را نام برده [۳۱] و از هر یک علم و حدیثی روایت کرده است؛ از جمله جابر بن حیان، پدر علم شیمی - که در

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۳

غرب شهرت تمام دارد - یکی از شاگردان مدرسه جعفری مدینه است. [۳۲]

[حوزه کوفه]

از شهرهایی که در صدر اسلام در آن حوزه علمی اسلامی شیعه تأسیس شد، یکی کوفه بود که مسجد آن مانند یک مدرسه بزرگ در عالم اسلام جلوه کرد. این مسجد یا جامع اعظم - که تاریخ آن بسیار با اهمیت و جالب است - در عصری که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن اقامت کردند [۳۳] مرکز علم و نشر معارف اسلامی گردید و در رشته الهیات، تعالیم سیاسی، آیین مملکت داری و دستورات اخلاقی، انسانی و تفسیر و تفهیم حقوق بشر، علوم و مسائلی به مردم آموخت که تا آن عصر بی سابقه بود و امروز هم زنده است و همیشه زنده خواهد بود.

در عصر حضرت صادق علیه السلام این مسجد، مدرسه ای شد که تنها از حسن بن علی و شاء [۳۴] روایت است که: در مسجد کوفه، نهصد شیخ (محدث) را درک کردم که همه از جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) نقل حدیث و علم می کردند و همه می گفتند: «حدثنی جعفر بن محمد».

البته در کنار مساجد، در منازل علما نیز مجالس درس و آموزش حدیث برپا بوده است و به تدریج مدارس و دارالعلم ها بنیاد گردید.

[حوزه بغداد]

و در برهه مهمی از عصر خلفای بنی عباس، بغداد نیز مقر یکی از بزرگ ترین

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۴

حوزه های علمی شیعه بود. دانشمندانی مانند شیخ مفید [۳۵] که مقام بلند علمی او در دنیای اسلام مشهور است و همچنین کلینی [۳۶]، که ایرانی و اهل ری بوده، از رهبران و اساتید این حوزه بوده اند.

کلینی صاحب جامع کافی [۳۷] است که این کتاب یکی از کتب چهارگانه حدیث شیعه، معروف به کتب اربعه است. و مهم تر این بود که این حوزه از سال ۲۶۰ تا ۳۲۷ هجری تحت نظارت چهار تن از مشاهیر علما که نیابت خاصه حضرت صاحب الزمان ارواح العالمین له الفداء را داشتند [۳۸] قرار گرفت و ایشان کارهای تحقیقات علمی را دنبال می کردند.

یکی از خاندان های مهم و مشهور علمی این دوره، خاندان نوبختی یا بنی نوبخت بودند.

سرانجام بعد از فتنه هایی که در بغداد به تحریک متعصبان اهل سنت و سیاستمداران وقت، مانند طغرل بیگ سلجوقی علیه شیعه و علیه مردم محله شیعه نشین بغداد به نام کرخ بر پا گردید کتابخانه کم نظیر شیعه و دارالکتب بنی شاپور که ابو نصر شاپور بن اردشیر [۳۹] وزیر بهاء الدوله، پسر عضد الدوله دیلمی آن را بنا کرده بود، به آتش کشیده شد. [۴۰]

این کتابخانه شیعه که یاقوت حموی در معجم البلدان می گوید: در دنیا نیکوتر از آن نبوده و کتاب هایش به خط پیشوایان و بزرگان بوده است در سال ۳۸۱ هجری تأسیس و دار العلم نامگذاری شده و موقوفاتی برای آن وقف شده بود، هفتاد سال

مورد استفاده بود تا با ورود طغرل بیگ به بغداد در سال ۴۵۱ هجری به آتش کشیده شد و ده هزار جلد کتاب از نفایس کتب- و از جمله گفته شده است حاوی صد جلد قرآن مجید به خط بنی مقله [۴۱] بوده است- در آتش ظلم طغرل بیگ و متعصبان نادان، از میان رفت. و دامنه فتنه

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۵

آن چنان توسعه یافت که بزرگ ترین عالم جهان اسلام در آن عصر، شیخ طوسی [۴۲] پس از اهانت های بسیار به جوار مرقد حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، نجف اشرف مهاجرت کرد.

[حوزه نجف]

از آن تاریخ تا به حال نجف اشرف، پایگاه و مرکز تحقیقات و بررسی های علمی و مقر حوزه بزرگ شیعه گردید و محققان و نوابغ نامداری را در مرور اعصار در خود پرورش داد [۴۳] که آثار و تألیفات بزرگی در رشته های مختلف از خود به یادگار گذاردند و در همین عصر حاضر نیز از مفاخر عالم اسلام به شمار می رفتند.

[حوزه حله]

در کنار این حوزه، حوزه بزرگ دیگری در عراق به نام حوزه حله [۴۴] چهره درخشانی داشت اگر چه در استمرار و دوام، هم پایه حوزه نجف اشرف نگردید، اما در اعصاری که جلوه کرد، نامدارترین علمای اسلام و شیعه را به دنیا تحویل داد؛ از جمله ابن ادریس، محقق، علامه فخر المحققین و سید ابن طاووس.

[حوزه حلب]

حوزه دیگری نیز در حلب- که یکی از شهرهای [۴۵] معروف سوریه است و برخی مشاهد شیعه در آن قرار دارد- وجود داشت که فقهای بزرگ آن هنور هم شهرت دارند و تألیفاتشان مورد استفاده است.

[حوزه جبل عامل]

علاوه بر اینها حوزه جبل عامل در لبنان را نیز که تا امروز باقی است باید از حوزه‌های

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۶

مهم شیعه برشمرد. از این حوزه نیز مردان بزرگی مانند شهید اول و شهید

دوم که هر دو صاحب آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند و آراء علمی آنها هم اکنون در محافل علمی مورد نظر است، برخاستند. در تاریخ حالات علمای این حوزه، کتابی تألیف شده به نام امل الآمل [۴۶] فی علماء جبل عامل که اخیراً طبع آن تجدید شده و مستدرکی هم بر آن نوشته شده است.

منطقه جبل عامل از زمانی که عثمان، ابوذر را به شام تبعید نمود تا به حال در ولایت و تشیع اهل بیت، پایدار مانده‌اند. [۴۷] حوزه‌های دیگری نیز در مناطق شیعه نشین مانند یمن، بحرین، بعلبک، سبزوار، آوه [۴۸] [۴۹]، کاشان، شیراز، هرات و مشهد مقدس، که اکنون نیز با عظمت بوده و با مدارس متعدد و شاید بالغ بر سه هزار طلبه [۵۰] برقرار است، به وجود آمد.

و از جمله «حوزه اصفهان» در عصر صفویه موقعیت بسیار درخشانی یافت که فلاسفه، حکما، فقها، محدثین، ریاضی‌دان‌ها و کیهان‌شناسان بزرگی از آن ظاهر شده‌اند.

اجمالاً در غالب، بلکه تمام شهرهای شیعه نشین کشورهای اسلامی، حوزه‌های علمی کوچک و بزرگ برقرار بوده است.

[حوزه سیار]

و جالب این است که شیعیان تا آنجا در بسط علوم و اشاعه معارف پیش رفتند که برای

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۷

اولین بار در جهان، «حوزه سیار» و «مدرسه سیار» تأسیس کردند. این مدارس سیار، تحت زعامت و رهبری علمی علامه حلی بود. [۵۱]

[حوزه ری]

چنان که از کتب تراجم استفاده می‌شود، در قرن سوم و چهارم، ری نیز مقر یکی از حوزه‌های علمی شیعه بوده است. قریه دوریست (طرشت) - که هم اکنون جزء شهر تهران شده - مقر اصلی این حوزه بوده است. و از جمله علمای بزرگ این حوزه شیخ ابو عبدالله جعفر بن محمد دوریستی بوده است که خواجه نظام الملک - بانی مدرسه نظامیه بغداد و نیشابور - هر هفته دو روز برای استفاده از علوم و حوزه درس او، از ری به قریه طرشت می‌رفت. [۵۲]

[الازهر و جامعه القرویین]

ناگفته نماند که دو جامعه مشهور عالم اسلام به نام الازهر [۵۳] در قاهره، پایتخت مصر و جامعه القرویین در فاس از شهرهای مغرب از تأسیسات شیعه است که الازهر در سال ۳۶۰ هجری قمری به امر المعزّ لدین الله [۵۴] از خلفای فاطمی مصر، بنا شد و دومی را ادریس [۵۵] بن ادریس حسنی علوی بنا کرد. [۵۶]

حوزه علمیه قم

یکی از حوزه های مهمی که به ملاحظه استمرار و تداوم و اینکه جمعی از اصحاب ائمه

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۸

علیه السلام در آن استاد بوده اند و در قرن دوم و سوم، تحت نظر امامان شیعه جریان داشته و بسیار مهم است، حوزه قم می باشد. حوزه قم در قرن دوم هجری و به احتمالی در نیمه دوم قرن اول تأسیس گردید و تا عصر حاضر به موجودیت خود ادامه داده است. این حوزه از آغاز تأسیس با ائمه علیهم السلام در ارتباط بوده و اساتید و مدرسان آن از شاگردان و اصحاب ائمه علیهم السلام بودند. مردان بزرگی که از این حوزه در قرن

دوم، سوم و چهارم برخاستند از مشاهیر علمای شیعه به شمار می روند. [۵۷]

قم همواره مرکز علم، موطن و محل آمد و شد علما بود تا اینکه در سال ۱۳۴۰ هجری قمری، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی [۵۸] در این شهر مقیم گردید و به سرعت این شهر مرکز حوزه های ایران شد.

بعد از آنکه زعیم بزرگ و پیشوای شیعه، مرحوم آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی [۵۹] در شهر قم اقامت گزید این حوزه شهرت جهانی یافت و جهان تشیع چشم به این حوزه دوخت.

این حوزه بعد از رحلت ایشان نیز به سرپرستی مراجع بزرگ [۶۰]، همان مرکزیت را حفظ کرده و امروز بزرگ ترین حوزه علمی جهان تشیع و مرکز مبارزه و جهاد علیه باطل، استبداد، استضعاف و استکبار به شمار می رود.

این حوزه در این اواخر به واسطه مجاهدات و مبارزاتی که علیه استعمار و صهیونیسم و به نفع مسلمانان دنیا، به خصوص آوارگان فلسطین و مسلمانان جنگ زده لبنان انجام داد و بالاخص در این چند سال که جنبش و انقلاب اسلامی ایران را پی ریزی و رهبری

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۳۹

کرد، بیش از پیش در جهان شهرت یافت و خبرهای غیبی امام صادق علیه السلام از آینده این شهر، صورت وقوع یافت که از آن جمله فرمود:

سَخِّلُوا كَوْفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرْ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَةُ فِي جَحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدِهِ يَقَالُ لَهَا قُمْ، وَتَصِيرُ مَعْدَنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمَخْدَرَاتِ فِي الْحِجَالِ، وَذَلِكَ عِنْدَ قَرَبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَاهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحِجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حِجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حِجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَالْعِلْمَ... [۶۱]

به زودی کوفه از مؤمنین خالی می شود و از آن علم، جمع خواهد شد چنان که مار در سوراخ و لانه خود جمع می گردد. پس علم در شهری که به آن قم گفته می شود ظاهر می گردد و آن چنان معدن علم و فضل می شود که در زمین مستضعفی در دین نخواهد ماند، حتی بانوان مستوره و مخدیره، و این در وقت نزدیک شدن ظهور قائم ما واقع می شود. خدا، قم و اهل آن را قائم مقام حجت قرار می دهد. پس از آن علم به سوی شهرهای مشرق و مغرب افاضه و انتشار می یابد و حجت خدا بر خلق تمام می گردد چنان که احدی باقی نمی ماند که دین و علم به او نرسیده باشد

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۱

۳: عالمان بزرگ حوزه ها و آثار آنها

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۳

پیش‌سوم

اطلاعاتی درباره علما، حجج اسلام و مدرسین بزرگ حوزه‌ها و آثار آنها مرقوم فرمایید.

پاسخ: تاریخ و شرح زندگی علمای بزرگ، دانشمندان و مدرسان عالیمقام شیعه و تألیفات و آثار آنان اگر چه در نهایت اختصار هم باشد نیازمند تألیف ده‌ها جلد کتاب است. برای اطلاع از کثرت آثار و تألیفات ایشان مراجعه به کتاب «الذریعة الی تصانیف الشیعه» [۶۲] که در ۲۸ جلد تألیف شده، مفید است. چنان که برای اطلاع اجمالی از احوال شخصی آنها باید به کتاب اعیان‌الشیعه در پنجاه جلد و اعلام‌الشیعه [۶۳] و الدرجات الرفیعة [۶۴] و سایر کتاب‌های تراجم و رجال [۶۵] مراجعه نمود.

در صدر آثار شیعه باید «نهج البلاغه» [۶۶] و «صحیفه سجاده» [۶۷] را نام برد که اولی مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام است و دومی مجموعه‌ای از ادعیه علی بن‌الحسین، زین‌العابدین علیه‌السلام می‌باشد. از ده‌ها هزار آثار شیعه از آنچه اکنون در نظر دارم تعدادی را یادآور می‌شوم:

در تفسیر [۶۸]: تبیان شیخ طوسی؛ مجمع البیان طبرسی؛ حقایق التأویل سیدرضی؛ تفسیر عیاشی؛ تفسیر قمی و ابوالفتح رازی. در ادب و نحو: شرح رضی و صمدیه.

در فقه [۶۹]: رساله ابن بابویه و مقنع و هدایه صدوق؛ مقنعه شیخ مفید؛ نهایه و مبسوط شیخ طوسی؛ جمل‌العلم؛ العمل؛ شرایع؛ مختصر النافع و معتبر محقق؛ لمعه شهید اول و

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۴

شرح آن از شهید ثانی و جواهر که اخیراً در چهل و چهار جلد تجدید طبع شده است.

در عقاید [۷۰]: تجرید و کشف‌المراد؛ انیس‌الاعلام؛ الرحلة المدرسیه بلاغی؛ کفایة الموحدين و ارشاد الطالبین.

در تاریخ [۷۱]: تاریخ یعقوبی؛ مروج الذهب؛ اخبار الزمان مسعودی؛ تاریخ ابن ابی‌الازهر؛ تاریخ ابن‌اعثم. [۷۲]

در مذهب: عباة الانوار؛ استقصاء الافحام سید میرحامد حسین لکهنوئی هندی؛ شافی سید مرتضی؛ المراجعات و النصّ و الاجتهاد؛ الفصول المهمة؛ اجوبة مسائل موسی جار الله؛ الغدیر امینی؛ اصل‌الشیعة و اصولها از کاشف‌الغطاء؛ دلائل‌الصدق مظفر؛ احقاق الحق قاضی نور الله؛ منهاج‌الکرامه؛ الفین و کشف‌الیقین علامه.

از اصول فقه [۷۳]: عده شیخ طوسی؛ معالم و شرح آن هدایة المسترشدين؛ قوانین؛ فصول؛ رسائل شیخ انصاری؛ کفایه محقق خراسانی.

در رجال [۷۴]: رجال نجاشی؛ رجال کشی؛ رجال شیخ طوسی؛ رجال علامه؛ و رجال ممقانی.

در طبقات: طبقات آیت الله بروجردی.

در تمییز مشترکات: جامع‌الرواة اردبیلی.

در ریاضیات: خلاصه الحساب شیخ بهایی.

در منطق و فلسفه: شفاء و النجاة ابوعلی سینا؛ قیسات میرداماد؛ اسفار ملا صدرا شیرازی و منظومه سبزواری.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۵

در شعر و ادب: قصائد دیوان سید رضی، فرزددق، دعبل، کمیت و صدها نواغ شعر [۷۵]. و کتاب صنعه الشعر خالغ نحوی و کتاب عیار الشعر شریف محمد بن احمد و نسمة السحر فی من تشیع و شعر.

در حدیث [۷۶]: کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و [کتاب من لایحضره الفقیه]؛ عوالم، وسائل، بحار، وافى، جامع الاحکام، جامع احادیث الشیعه (این کتاب طبق دستور و تحت نظر مرحوم آیت الله بروجردی تألیف شده است).

در شروح: کتاب روضه المتقین؛ شروح کافی و مجازات الآثار النبویه سیدرضی؛ شرح استبصار و ایضاح فخر المحققین و کتاب نفیس و بی بدیل شرح صحیفه سجادیه سید علیخان.

در علم اخلاق [۷۷]: اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی؛ طهارة الاعراق ابن مسکویه؛ جامع السعاده ملا محمد مهدی نراقی و معراج السعاده، فاضل نراقی.

در علم آراء و خلافات فقها: خلاف شیخ طوسی؛ تذکره الفقهاء علامه.

در علم اقوال فقهای شیعه: مفتاح الکرامه و مختلف الشیعه.

در دعا [۷۸] و توجه به خدا: مصباح شیخ طوسی؛ اقبال سید ابن طاووس؛ مصباح کفعمی؛ بلد الامین جمال الاسبوع و الجنه الواقیه و زاد المعاد.

در تاریخ و سیره پیغمبر اکرم و ائمه علیهم السلام [۷۹]: سیره ابن اسحاق؛ کشف الغمه اربلی؛ مناقب ابن شهر آشوب؛ اعلام الوری طبرسی؛ ارشاد شیخ مفید؛ کتاب الآل ابن خالویه و مجلداتی از بحار الانوار.

در علم لغت و غریب القرآن و الحدیث: العین خلیل بن احمد؛ ابان بن تغلب؛ مازنی و سمیاطی؛ اصلاح المنطق ابن السکیت؛ الجمهره ابن درید، وفائت الجمهره ابی عمر،-

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۶

الزاهد- غریب القرآن- مجمع البحرین طریحی.

در علم اعراب قرآن: اعراب ثلاثین سوره ابن خالویه.

در علم قراءت [۸۰] القرائه ابان بن تغلب؛ القراءه حمزه بن حبيب.

در علم مجاز القرآن و مجاز الحدیث: مجاز القرآن و المجازات النبویه، سید رضی.

در علم امثال قرآن: امثال القرآن ابن جنید.

در علم آیات الاحکام [۸۱] واحکام القرآن: آیات الاحکام [مقدس اردبیلی و فاضل مقداد.

در علم متشابهات قرآن: المتشابه فی القرآن سید رضی؛ متشابهات القرآن ابن شهر آشوب؛ متشابه القرآن حمزه کوفی.

خلاصه اینکه: در تمام علوم از حوزه تشیع در آسمان علم و دانش، ستارگان درخشانی ظاهر شدند که آثار و خدماتشان بسیار ارزنده و سودمند بوده و هست. علاوه بر کتاب‌هایی که نام برده شد می‌توانید به فهرست ابن ندیم و فهرست شیخ و کتاب تأسیس الشیعه [۸۲] مراجعه فرمایید.

مطلب شایان توجه این است که بسیاری از علمای شیعه در رشته‌های متعدد، متخصص، نامدار و استاد بوده‌اند و در علوم مختلف از آنها آثار گرانبهای باقی مانده است؛ مانند شیخ طوسی که در تفسیر، فقه، اصول، کلام، رجال و حدیث، آثارش مشهور و مورد استفاده تمام علمای شیعه است از جمله کتاب نهایی، مبسوط؛ خلاف؛ عده؛ تلخیص الشافی؛ تبیان؛ تهذیب؛ استبصار؛ فهرست و رجال. و مانند خواجه نصیر الدین طوسی، شیخ بهایی، علامه مجلسی و علامه حلی.

علامه حلی در علوم معقول و منقول، بلند پایه و کم نظیر است؛ از جمله تألیفات اوست کتاب: تذکره الفقهاء؛ تحریر؛ تبصره؛ منتهی؛ رجال؛ کشف المراد؛ الاشارات؛ ایضاح

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۷

المعضلات؛ نهج الحق؛ کشف الفوائد؛ الدر النضید؛ المحاکمات؛ منهاج الکرامه؛ الفین؛ ایضاح المقاصد. و کتاب‌های دیگری که از

طریحی نقل شده و پانصد جلد آن را به خط خود علامه دیده است. [۸۳]

یکی از فضلا در تعریف از علامه می گوید: «علامه را در فقه باید با سیدمرتضی و شیخ طوسی قیاس کرد، و در حکمت با خواجه نصیرالدین طوسی، و در ریاضی هم پایه ابوریحان بیرونی برشمرد و در تحقیق عقلی و تنبیه، قرین ارسطو و در هر فن، قرین بزرگ‌ترین مرد آن فن؛ پس بی شبهه او یکی از بزرگ‌ترین علمای اسلام از سنی و شیعه است.»

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۴۹

۴: کیفیت کار حوزه‌ها

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۱

پرسش چهارم

برنامه و کیفیت کار حوزه‌های علمی و شروع کار ضمن آگاهی از شرایط پذیرش و چگونگی ارتقا و درجات تحصیل، مراحل مختلف و در نهایت اجتهاد را بیان فرماید.

پاسخ برنامه و کیفیت کار حوزه‌های علمی این است که دانشجوی نخست- به اصطلاح امروز- در کلاس‌های آموزش زبان عربی، و فهم ظواهر الفاظ قرآن، حدیث و کتاب‌های علمی که به زبان عربی نوشته شده است وارد شود و پس از اینکه در این رشته فارغ التحصیل و به مقدار کافی مایه گرفت، در کلاس درس منطق، معانی، بیان، فقه، اصول فقه، کلام، تفسیر، حدیث و تاریخ اسلام در حدود حاشیه ملا عبدالله؛ شمسیه؛ معالم؛ شرایع؛ تبصره و شرح باب حادی عشر یا کتاب‌هایی که به تازگی با تجدید نظرهایی تألیف شده، وارد می‌شود.

پس از این کلاس، در کلاس بالاتر، کتاب‌هایی مانند: شرح لمعه، قوانین و شرح تجرید را می‌خواند و در ضمن به مطالعات تفسیری، تاریخی، رجال و بررسی مکتب‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و اخلاقی پرداخته و با مباحث فلسفی نیز کم و بیش آشنا می‌شود. در کلاس چهارم، رسائل و مکاسب شیخ انصاری و کفایه علامه خراسانی تدریس می‌شود.

لازم به تذکر است که این کلاس‌ها، سال درسی را تعیین نمی‌کند و شرط اینکه دانشجوی یک سال یا چند سال یا کمتر در آن بماند نیست. اساساً هر یک از این کلاس‌ها

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۲

به نحوی است که دانشجو می‌تواند سالها در آن بماند و در همان حد متخصص شود.

به این نکته هم باید توجه داشت که محصل و استاد در این کلاس‌ها و مراتب، خود را موظف می‌بینند که بینی و بین الله درس فرا بگیرند و درس بدهند، و اگر نتوانست یک رتبه را در مدت متعارف بگذرانند نمی‌کوشد که به هر نحو- اگر چه به تقلب باشد- خود را در کلاس و رتبه دیگر وارد کند. چنان نیست که اگر کسی بدون صلاحیت و گذراندن رتبه قبل در دروس و مجالس علمی در رتبه بعد و بالاتر حضور یابد او را واجد آن صلاحیت بشناسند.

در امتیازاتی که یک عالم و یک نویسنده و گوینده مذهبی یا مدرس و مجتهد دارد، میزان فهم، گذراندن معانی دروس و دانستن

است و هر کس خود را با نداشتن صلاحیت علمی، صاحب رتبه‌ای بداند و بخواهد با چنان عنوانی بر کرسی درس گفتن یا نقل حدیث یا بحث در اصول عقائد یا نوشتن پردازد و سخن به غیر علم بگوید، نزد خدا مسئول است و هر کس را گمراه کرده و هر دانشجویی را معطل نماید، مورد مؤاخذه واقع می‌شود.

همچنین کسی که به مرتبه اجتهاد نرسیده باشد اگر در مناصب و شئونی که شرعاً به مجتهد اختصاص دارد، مداخله نماید یکی از بزرگ‌ترین گناهان را مرتکب شده است. از این جهت در مدارس و حوزه‌های دینی و به طور کلی در اجتماعاتی که بر اساس ایمان به خدا و رعایت امانت و درستی بر پا باشد، یک کنترل وجدانی و پلیس مخفی و نظام، خود به خود قرار دارد که جریان امور تحصیلی و برنامه‌های مذهبی را که باید اجرا شود تحت نظم دقیق قرار می‌دهد به طوری که هر کس صلاحیت کار، مقام و تدریسی را نداشته باشد اگر هم به او پیشنهاد کنند، خودش نخواهد پذیرفت. اینجا مدرسه‌ای است که پاسخ پرسش‌ها را باید با کمال دقت، یقین و تحقیق بدهند و تسرع و شتابزدگی در

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۳

جواب و فتوا ننمایند.

توجه به مسئولیت وجدانی، ایمان و اخلاقی که عملاً به دانشجویان آموخته می‌شود، به خصوص دیانت و التزامات اسلامی اساتید و توجه آنها به تعهدات دینی - که به راستی برخی از آنها نمونه بسیار بارز زهد و پرهیز از کارهای لغو می‌باشند - همه، موجب توفیق دانشجویست. دانشجو مانند استاد علاوه بر برنامه‌های درسی، برنامه‌های عبادی و اخلاقی مانند شب‌زنده‌داری، نماز شب، قرائت قرآن و روزه‌داری را نیز مراعات و تمرین می‌نماید. و در ضمن درس، به سازندگی و تکمیل نفس خود، رشد معنوی و نیل به کمال واقعی انسانی که هدف رسالت انبیا علیهم‌السلام است - می‌پردازد.

به این ملاحظات در مدارس اسلامی همیشه یک مراقبت پنهانی، محصل را همراهی می‌کند تا واقعاً درس بخواند و بیکار ننشیند و در هر مسئله‌ای بحث، تحقیق و بررسی را دنبال نماید؛ سؤال کند و اشتباهش را مرتفع سازد. و علت اینکه بازار بحث و تحقیق در مدارس دینی رواج داشته همین است که محصل خود را موظف می‌داند که درس بخواند و از استاد بپرسد و مدرس هم برای خدا درس بگوید و شاگرد را تربیت نماید و ثواب این عمل را نه دانشجو و نه استاد، به تمام اموال و ثروت دنیا نمی‌فروشند. پس از کلاس و رتبه چهارم، کلاس و رتبه پنجم است. این کلاس، کلاس و رتبه نهایی شمرده می‌شود و غالباً نیل به مرتبه اجتهاد و جامعیت و صاحب نظر شدن در مسائل اسلامی در این کلاس حاصل می‌شود.

[شیوه تدریسی خارج]

طرز تدریس در این کلاس بر خلاف کلاس‌های سابق است؛ در آن کلاس‌ها بیشتر بوده، استاد باید درس‌ها را طبق همان کتاب‌ها و در حدود آنها تدریس نماید و به

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۴

شاگردان، استفاده مطالب کتاب را از خارج بیاموزد به این صورت که: غالباً ابتدا استاد مطالب را از خارج می‌گوید - که در اینجا هر چه تقریر استاد وافی‌تر و و بیان او خوش‌تر و شیواتر باشد، شاگرد زودتر درس را فرا می‌گیرد - سپس استاد مطالبی را که گفته با عبارات و جمله‌های کتاب، تطبیق می‌نماید. اما در این کلاس که آن را

درس و مباحثه خارج می‌نامند [برای اینکه از خارج کتاب گفته می‌شود و استاد آرا، نظرات و تحقیقات خود را عنوان می‌نماید]، استاد ضمن بررسی آرای علمای دیگر و بحث در آنها و بررسی ادله هر کس، نظر خود را اثبات می‌کند.

در این کلاس است که هر چه استاد متتبع‌تر و دامنه اطلاعاتش در علوم اسلامی وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد، شاگرد مستعد بهتر می‌تواند

استفاده کند و زودتر ترقی نماید.

این کلاس، کلاس بحث، تدقیق و تحقیق است و پایان ندارد و گروهی تا پایان عمر در این کلاس به نام استاد یا شاگرد فحص و کاوش های علمی خود را ادامه می دهند و به نتایج علمی بیشتر می رسند.

برنامه مدارس دینی مانند برنامه دانشگاه ها نیست که وقتی به طور مثال سال آخر دانشکده تمام شد دیگر به طور رسمی جایی برای بحث، درس، تحقیق و فراگرفتن معلومات بیشتر نباشد و حضور در کلاس برای شاگردی که آن درس را گذرانده بی فایده و ممنوع باشد. اصولاً کلاس آخر، کلاس بحث و بررسی است، از این رو اساتید می گویند «مباحثه» داریم و نمی گویند «درس» داریم؛ زیرا این کلاس بر معلومات شاگرد و استاد می افزاید. درضمن، تعبیر فوق، حاکی از تواضع مخصوص اساتید بزرگ نسبت به شاگردان است.

چنان که می دانیم در علوم اسلامی دامنه تحقیق آن قدر وسیع است که هر چه تحقیق شود باز هم مجال تحقیق بیشتر وجود دارد و از این رو حتی مجتهدین تا پایان عمر، در سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۵

عین حال که استاد، متخصص و مجتهد هستند، دانشجو می باشد.

دانشجویان علوم اسلامی هر کدام بحث خود را در ضمن اینکه به تحصیل ادامه می دهند، در حدود اطلاعات و معلوماتی که دارند به ارشاد و راهنمایی دیگران، تبلیغ، منبر، تألیف و نگارش می پردازند، و از وجود آنها برای گسترش هر چه بیشتر تبلیغات اسلامی و آشنایی مردم با حقوق و مبادی اسلام استفاده می شود. مساجد و مؤسسات اسلامی که در سطوح مختلف وجود دارد توسط آنها اداره می گردد و با اینکه به ظاهر، نظم خشک مؤسسات دولتی یا احزاب سیاسی را ندارند، از تمام آن مؤسسات مرتب تر، منظم تر و با اخلاص تر انجام وظیفه می نمایند.

اگر در عصر حاضر، توجه به مادیات، این برنامه ها را از مسیر اصلی خود خارج

نسازد آنها بهترین و همگانی ترین برنامه های درسی هستند که همه طبقات می توانند با استفاده از آنها به مدارج بلند علمی نایل شوند. به نظر می رسد که مؤسسات علمی دنیا در عصر ما نقیصه بزرگی دارند و آن این است که در تحقیق، تدریس و تفسیر، به معنویات و هدف های معنوی نظر ندارند، و آنان که بر اثر تفکر الحادی و مادی گری عالم را پوچ، بی مقصد و بی هدف می شمارند، در مطالعات علمی نیز هدف های اصیل ندارند؛ چنان که دانشمندی برای کشف میکروب یک بیماری یا اختراعی که موجب سهولت وضعیت زندگی بشر شود تلاش می کند، دانشمندی دیگر نیز برای ساختن اسلحه ای که یک کشور یا یک قاره را ویران و نابود سازد کوشش می نماید و هیچ یک خود را مسئول نمی دانند. اما در حوزه های علمی اسلامی، استاد و دانشجو هر دو خود را مسئول می دانند و در انتخاب علمی که به تحصیل آن می پردازند می خواهند به تعهدی که دارند وفادار بمانند.

برخی از مسائلی که امروزه مطرح است از جمله «حق التألیف» و «حق اکتشاف»،

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۶

همه بر اساس توجه به مادیات است و اینکه مؤلف می خواهد حق زحمت خود را دریافت دارد و در زحمتی که متحمل می شوند به خیر واقعی، خدمت به نوع و ذات، فضیلت و اجر و ثواب اخروی نظر ندارند و می خواهند مزد کار خود را مانند یک کارگر عادی از جامعه بگیرند و حال آنکه در تعالیم اسلام مسئله درس، تدریس، تألیف، ارشاد و هدایت، مقدس تر از این است که برای اجر و مزد مادی انجام شود.

بدیهی است این به معنای ممنوعیت مطلق گرفتن مزد و حقوق نیست؛ بلکه غرض این است که در اسلام، درس خواندن، درس دادن و کارهایی که موجب رشد فکری و علمی مردم باشد بسیار متعالی و مقدس است و مسلمان کامل در هر کار و نیز شغلی که

انجام می‌دهد تعالی نیت و قصد را کنار نمی‌گذارد و با قصد خیر و سبب تقرب به خدا و خدمت به بندگان خدا کارها را انجام می‌دهد، هر چند در ضمن، از فواید مادی که دیگران از کار می‌برند نیز بهره‌مند می‌شود.

با تمام این توضیحاتی که داده شد باید عرض شود که این تعالی نیت و تقدس قصد، مانع از این نیست که برای اینکه دانشجو زودتر به مقصد برسد او را راهنمایی‌هایی بنمایند یا مؤسسات و مدارس طبق شرایط خاص تشکیل شود که تلفیق بین هر دو نظام باشد؛ زیرا این جهت نیز طبق موازین اسلام، مجاز است و

می‌توان مدرسه‌ای تأسیس کرد و برای ورود دانشجویان در آن، شرایطی خاص در نظر گرفت و تحصیلات آنها را طبق برنامه‌ای متحد الشکل و تحت تربیتی که مصلحت باشد قرار داد و افراد شایسته‌ای را مراقب وضعیت تحصیلی دانش آموز و دانشجو ساخت که در واقع، این رسم، جلوه‌ای از آزادی تعلیم و تربیت اسلامی و استقلال مؤسسات علمی، آموزشگاه‌ها و دانشکده‌ها در امور داخلی است و در وقف مدارس و موقوفات سابقه دارد اما باید طوری اجرا شود که سیره، اساس و هدف اصلی تحت الشعاع این برنامه‌ها و- به اصطلاح-

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۷

نظم‌ها قرار نگیرد.

در حوزه قم علاوه بر مدارس بزرگ و عمومی که بر مبنای همان برنامه‌های وسیع حوزه‌های علمیه مشغول به کار می‌باشند، مدارس دیگری نیز از سال‌ها قبل تأسیس شده است. در این مدارس، اوقات کار و درس کنترل می‌شود و مدرس و استاد همه طبق شرایط، انجام وظیفه می‌نمایند. امتحانات هفتگی، ماهانه و سالیانه برقرار است و جنبه‌های معنوی و حفظ تقدس و تعالی تدریس و تدریس را نیز حفظ می‌نمایند تا هم نظام وجدانی و هم نظام ظاهری برقرار باشد که نمونه و با سابقه‌ترین آنها در این جهت برخی از مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی است. [۸۴]

اما چنان که گفتیم اساس کار تحصیل علم در اسلام بر این نیست که حتماً شخص باید طبق برنامه خاصی درس بخواند؛ بلکه اساس بر این بوده است که خود شخص، برنامه کار تحصیل خود را به هر نحو بهتر و مؤثرتری که در پیشرفت خود می‌بیند تعیین کند و هر کس را که می‌خواهد به عنوان استاد خود در حوزه انتخاب نماید و از آنجا که در هر درس، مدرسین و کلاس‌ها متعدد می‌باشند هر کدام از کلاس‌هایی را که در عرض هم می‌باشند خودش انتخاب می‌نماید و هر کس پیشرفت علمی پیدا کند مقبول و مورد احترام واقع می‌شود، حال در هر مدرسه و طبق هر برنامه‌ای که درس خوانده باشد. در واقع آزادی تحصیل برای دانشجو کاملاً محفوظ است و در دینی که دستورش این است که همه افراد هم‌اره باید یا دانشمند باشند یا دانشجو [۸۵]، این باید برنامه همه مسلمین باشد.

و آخرین سخنی که نمی‌توان از بیان آن گذشت این است که نظام جدید تعلیم و آموزش اگر تمام عیار و به صورت‌هایی که در خارج از حوزه‌های علمیه رایج است،

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۸

در حوزه‌ها حاکم شود و ارزش‌های مادی، گواهی‌نامه‌ها و دریافت دانشنامه به همان شکلی که در دنیا مرسوم شده است مطرح گردد، معنویات حوزه‌ها و تعهد اساتید و طلاب در مخاطره قرار می‌گیرد و بازده چنان مدارس هرگز با مدارس حوزه‌ای، قابل قیاس نخواهد بود.

ولا حول ولا قوة الا بالله

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۵۹

۵: امور مالی حوزه‌ها

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۱

پرسش پنجم

مطالبی درباره مکتب جعفری (امام جعفر صادق علیه السلام) و وضعیت مالی طلاب و همچنین اطلاعاتی در مورد امور مالی حوزه‌ها بیان فرمایید.

پاسخ آغاز این پرسش مجمل است. اگر مقصود کسب اطلاع از وجه تسمیه مکتب تشیع و حوزه‌های شیعه به حوزه و مکتب جعفری باشد، باید عرض کنم که این سؤالی است که گاه از وجه تسمیه و نامگذاری مذهب شیعه به مذهب جعفری نیز می‌شود.

پاسخ آن، این است که این نامگذاری نه از این جهت است که این مکتب و مذهب در عصر امام جعفر صادق علیه السلام تأسیس شده یا شکل گرفته باشد؛ چنین توهمی را احدی از محققین و اهل اطلاع ننموده است؛ همه می‌دانند که شیعه در عرف مسلمین، اصطلاحات اسلامی و تواریخ فرق و طوایف، اسم پیروان و اتباع علی بن ابی طالب علیه السلام است.

حتی مانند ابن خلدون در مقدمه، پس از اینکه معنای لغوی شیعه را گفته است، می‌گوید:

و یطلق فی عرف الفقهاء و المتکلمین من الخلف و السلف علی اتباع علی و بنیه رضی الله عنهم. [۸۶]

و جماعتی از کبار صحابه [۸۷] برای متابعت و پیروی از علی علیه السلام به این اسم نامیده شده‌اند.

این تسمیه و نامگذاری طبق اخبار معتبر و مشهور از طرق اهل سنت از جانب شخص

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شده است؛ [۸۸] بنابراین، مکتب تشیع و مذهب شیعه به عصر رسالت اتصال دارد و از آغاز بعثت مانند سال سوم هجرت و هنگام نزول آیه

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ [۸۹]

و در مواقف مهم دیگر و سرانجام در «غدير خم» به طور رسمی اعلام شد.

تشیع همان امتداد واقعی اسلام و رسالت اسلام معرفی گردید که فعلاً در این موضوع نمی‌خواهیم سخن را مبسوط سازیم. وجه این عنوان و شهرت مذهب شیعه به جعفری موقف خاص حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود که چون جوّ سیاسی مناسب شد و زمان حضرت باقر العلوم، امام محمد باقر علیه السلام و عصر امام صادق علیه السلام به واسطه آنکه مقارن با پایان دوران بنی‌امیه و ضعف حکومت جبار آنها و آغاز حکومت بنی عباس بود، این دو امام و به خصوص حضرت صادق علیه السلام توانستند رسماً تلامذه بسیار و علمای بزرگ را تحت تربیت قرار دهند. دانشمندان و مشتقان معارف اسلامی از اطراف و اکناف برای کسب علم به سوی آنها می‌شتافتند و از دریای علوم آنها مستفیض می‌گردیدند و سرّ حدیث ثقلین و فلسفه اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم را به اهل بیت ارجاع نمود و فرمود:

لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ

ظاهر گردید.

پس از این دو امام، اگر چه به واسطه قدرت سیاسی بنی عباس باز همان اختناق، خفقان، سلب آزادی و جنایت های بنی امیه تجدید و تکرار شد اما مردم، اهل بیت را شناختند و آنها را حلال مشکلات خود دانستند تا حدی که خود حکام بنی امیه و سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۳

بنی عباس نیز در بعضی مواقع ناچار به ائمه علیهم السلام مراجعه می کردند. [۹۰]

علت اشتهار مذهب به مذهب جعفری و مکتب به مکتب جعفری همین بود که امام جعفر صادق علیه السلام و حوزه ایشان علوم اسلام، معارف دین و تشیع را به طور بی سابقه در اختیار مردم گذارد.

و اگر غرض از پرسش و جمله مکتب جعفری (امام جعفر صادق علیه السلام) پرسش و مطلب دیگری است مرقوم فرماید تا پاسخ عرض شود.

[وضعیت مالی طلاب]

و امّا وضعیت مالی طلاب که در قسمت دوم سؤال مطرح شده است، به طور کلی همچنان که از مطالب قبل هم معلوم شد حوزه های علمیه بر اساس توقعات مالی و تأمین امور مالی در حال و آینده تشکیل نمی شود و تحصیل علم، تدریس، تعلم و تعلیم در اسلام بیشتر به عنوان یک عمل قربی مقدس انجام می شود.

تحصیل علم یکی از واجبات کفائیه [۹۱] است که به مقدار کفایت، مشروط به امتیازات مالی نیست. وضعیت تعلیم و تعلم در سابق بسیار ساده بوده است؛ شاگردان در یک مسجد با مدرّس و معلم روی حصیر می نشستند و کار خود را آغاز می کردند. با این وجود، اصل تأمین معاش و رفع احتیاجات حوزه ها به مقدار کفاف و قناعت مورد توجه بوده است و از سهم مبارک امام علیه السلام کمک هایی به حوزه ها و اساتید، طلاب و نویسندگان برای طبع کتب، مجلّات [۹۲]، نشریات اسلامی، ترسیم و تعمیر مساجد، مدارس، کتابخانه ها، بیمارستان ها، دارالایتام ها، کمک به ضعیفا، رفع نیازمندی نیازمندان و جهات و امور مهم سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۴

دیگر پرداخت می شود. در حال حاضر از این محل سهم مبارک امام علیه السلام علاوه بر اداره حوزه های کوچک و بزرگ، کارها و امور خیری انجام می شود که با اضعاف مضاعف آن، مؤسسات غیر دینی نمی توانند این خدمات را انجام دهند.

جالب این است که بسیاری از امور مهم مربوط به خدمات نوعی و اجتماعی که در دایره مجتمع تشیع توسط خود اشخاص انجام می گیرد نیز از سهم با برکت امام علیه السلام است که با استیذان از فقها و مراجع به این مصارف می رسد.

قابل توجه این است که: وجوهی که در این راه ها از سهم مبارک یا تبرّعات، مصرف می شود، مأمور وصول و تشخیص ندارد؛ هر کس بدهی خود را کم یا زیاد باشد خودش تعیین می کند و به مراجع و مجتهدین یا وکلای آنها می پردازد و یا اینکه با استیذان از ایشان شخصاً به مصارفی که موجب اعلاّی کلمه اسلام، عزت و قوت اسلام، استقلال مسلمین و خیر و رفاه مسلمانان باشد می رساند.

در صرف وجوه شرعیه یک کنترل خود به خود، که احساس مسئولیت خدایی آن را به وجود می آورد، برقرار است و کمتر حیف و میل می شود؛ هم دهنده وجوه شرعاً مکلف است بدهی خود را به اشخاص صلاحیت دار، پاک، باتقوا و مورد اعتماد بپردازد و هم گیرندگان مکلف هستند که آن را در مواردی که رضای خدا و مصلحت اسلام است صرف نمایند.

[استقلال حوزه ها]

حوزه های علمیه شیعه دارای استقلال مالی و اقتصادی می باشند و از حکومت ها و دولت ها کمکی دریافت نمی کنند و در هر کشوری که باشند تحت نفوذ مالی و اقتصادی دولت آن کشور قرار نمی گیرند و از دریافت کمک های دولتی ابا دارند و فقط خود

را به حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفدا و عنایات و الطاف ایشان وابسته می‌دانند و

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۵

وظایف شرعی خود را با کمال استقلال انجام می‌دهند و از این رو ناچار نیستند برای دریافت پول و حقوق، سیاست اسلامی و روش علمی، تبلیغی و ارشادی خود را با سیاست حکومت‌ها وفق دهند و وظایف خود را زیر پا بگذارند یا نصوص و برنامه‌های دین را به نفع استضعاف و استعمار، تفسیر نمایند. مذهب تشیع جلوه اسلام راستین را همواره داشته و خواهد داشت.

از آنجا که مذاهب و فرق دیگر تحت نفوذ حکومت‌های وقت بوده و هستند به مرور زمان از روح اسلام دور شده و کم و بیش به اقتضای سیاست‌های جبار حاکم آن، گام برداشته‌اند و به خصوص در دوران حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس و تسلط

سلاطین متعصب، سیاست‌های مختلف در بین این مذاهب، آثار سوء بسیار گذارد که امیدواریم با بیداری و توجهی که بسیاری از متفکران آنها در این عصر پیدا کرده‌اند این عیوب برطرف گردد و بتوانند خود را از آثار سوء آن سیاست‌های شوم تخلیص نموده و به اسلام راستین و خالص برسند.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۷

۶: وضعیت کمی حوزه‌ها

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۶۹

پرسش ششم

تعداد حوزه‌های علمی در حال حاضر و مقدار مدرسین و طلاب علوم دینی را بیان فرمایید.

پاسخ: احصائیه دقیق حوزه‌های علمی در اختیار اینجانب نیست، اما اجمالاً در بسیاری از شهرها و روستاهای شیعه، از جمله شهرهای ذیل حوزه‌های علمی بزرگ و کوچک برقرار است [۹۳]:

ایران: قم، مشهد مقدس، اصفهان، تهران، تبریز، شیراز، کرمان، یزد، ارومیه، همدان، کرمانشاه، قزوین، زنجان، اراک، جهرم، خوی، مراغه، میانه، نیشابور، آمل، بابل، ساری، چالوس، گرگان، لاهیجان، رشت، آستانه، ایلام، ملایر، گلپایگان، تویسرکان، بروجرد، خرم آباد، اهواز، دزفول، خوانسار، سبزوار، سمنان، شاهرود، دامغان، قوچان، بجنورد، تربت جام، نائین، اردکان، نجف آباد، خمینی شهر، شهرضا، کوهستان، رودسر، لنگرود، اسفراین، درود، نهاوند، زهان، شمیران، شهر ری، کاشان، فاروج، قائن، بهبهان، آبادان، خرمشهر، شیروان، قروه، درّه جزین، هیدج، مرند، گنبد قابوس، فریمان، خلخال، بیرجند، گلوگاه بندپی، اشتهارد، داراب کلا، سنقر، و نقاط دیگر که فعلاً در نظر نیست.

عراق: نجف اشرف، کربلا، کاظمین، سامره و بغداد.

سوریه و لبنان: بیروت، بعلبک و دمشق.

عربستان قطیف و احساء.

بحرین: منامه.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۰

کویت: کویت.

پاکستان: از جمله اسلام آباد، لاهور، سرگودها، فیصل آباد، کوئٹہ سمایه، کوئٹہ ادو، دیره غازیخان، ملتان، پروسپال، حافظ آباد، جسارا، شاهیرود، خوشاب، کهرود، جهنگ، کیرواله، کانومکی، اسکرود، شگره، حیدر آباد، خیر پور، کراچی، نارنک، گوهر والا، وزیر آباد، میان والی و تسرشرگر.

افغانستان: کابل، هرات، مزار شریف، قندهار، یکاولنگ، بهسود، دای زنگی، بلخ، سرپل، بوئین قره، بلخاب و سنگ چارک. هند: از جمله لکهنو، حیدر آباد، فیض آباد، بنارس، دهلی، جانپو، الله آباد، بمبئی و کلکته.

در ترکیه نیز گرچه جمعیت شیعه بسیار است اما به علت تسلط نظام ضد اسلامی کمالی [۹۴] از وجود حوزه علمی علنی و رسمی اطلاعی ندارم.

در کشورهای دیگر نیز خصوصاً کشورهای آفریقایی، جاوه، اندونزی، تایلند و رنگون، به خصوص چین که جمعیت شیعه، طبق یک احصائیه که مربوط به سی سال پیش است، یازده میلیون نفر بوده است و امروز به طور حتم این آمار بیشتر است شیعیان برنامه‌ها و مدارسی دارند که اینجانب به طور تفصیل و تحقیق از برنامه‌های آنها و اینکه در سطح یک حوزه علمی کامل می‌باشند یا نه، اطلاعات لازم را ندارم.

از شیعه در کشورهای مسلمان نشین - که تحت سیطره و نفوذ شوروی قرار دارند و شاید احصائیه آنها، که قبل از سقوط رژیم تزاری متجاوز از ده میلیون بوده، امروز حدود سی میلیون باشد - متأسفانه به واسطه وضعیتی که در آن کشورها برقرار است اطلاعی نداریم با مسلمان‌های خارج از شوروی ارتباطی که تحت کنترل و نظارت دقیق حکومت نباشد و ندارند، رفت و آمد آنها با کشورهای اسلامی تقریباً قطع است؛ با اینکه در

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۱

سابق، این کشورها حتی در نجف و کربلای فعلی مدارسی داشتند که هم اکنون نیز برقرار است، مانند مدرسه بخارائی و مدرسه بادکوبه.

با کمال تأسف، امروز در خود این کشورها از وجود حوزه اطلاعی نداریم و اگر هم افرادی باشند، چنان که می‌دانیم استقلالی ندارند و باید تحت نظر حکومت و طبق دستوری که به آنها داده می‌شود عمل کنند. به طور کلی وضعیت اسلامی آنها به واسطه نظامی که علی رغم افکار و عقاید آنها، بر آنها تسلط دارد بسیار اسف‌انگیز و فاقد آزادی است. [۹۵]

امروزه تقریباً از تمام دنیا، اروپا، آمریکا، کشورهای دور دست آفریقا، هند، پاکستان و اندونزی شیعیان و سایر مسلمانان با قم، که مرکز تشیع است، ارتباط دارند و مسائل مذهبی خود در هر رشته را از این حوزه سؤال می‌نمایند که کاشف از این است که کم و بیش آزادی‌هایی دارند، اما متأسفانه از کشورهای مسلمان نشین تحت سلطه شوروی، کمتر یا اصلاً نامه‌ای نمی‌رسد. امید است موج بیداری و تحرکی که عالم اسلام را فرا گرفته و مسلمانان را به سوی احیای نظام عدل اسلام رهبری می‌کند با توسعه روزافزونی که دارد همه کشورهای اسلامی را فرا بگیرد.

در مورد بلاد و شهرهایی که نام بردیم باید متذکر شوم که در برخی از آنها مدارس متعدد که بسا از بیست مدرسه تجاوز می‌کند، دایر و در جریان است و در بعضی از آنها

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۲

مدارس بزرگی وجود دارد که مشهور و معروف و از شاهکارهای فن معماری اسلام می‌باشد. این مدارس در اصفهان، نجف اشرف، قم، مشهد، تهران، تبریز، شیراز، کرمان، لکهنو، پاکستان، افغانستان و بلاد دیگر، قدمت حوزه‌های علمیه و کوشش شیعه در بسط و

توسعه معارف اسلامی را به دنیا نشان داده و از

تمدن‌های بزرگی که شیعه تأسیس کرده است، خبر می‌دهند.[۹۶]

این را هم در نظر داشته باشید که با توجهی که مراجع بزرگ شیعه به بسط و توسعه معارف اسلامی و تشیع دارند، تأسیس حوزه‌ها در شهرها و روستاهایی که در حال حاضر، حوزه ندارند، رو به افزایش است، و انتظار می‌رود بیش از پیش گسترش یابد. چنان که به این نکته هم باید توجه داشت که در بسیاری از نقاطی که حوزه علمی به صورت متعارف وجود ندارد، مجلس درس و تبلیغ احکام، آموزش معارف دین، بحث پیرامون مسائل اسلامی (که شامل تمام نواحی جنبه‌های حیاتی بشر است) و پرسش و پاسخ در تمام مساجد شیعه و در هزاران مجالسی که به نام روضه و برای زنده نگاه داشتن خاطره فداکاری بی‌نظیر و قیام عظیم و بی‌سابقه سیدالشهداء، حسین بن علی علیهما السلام

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۳

و زنده داشتن مکتب جهاد و حرکت تشیع برپا می‌شود، علی‌الدوام دایر است و این مساجد و مجالس روضه هر کدام در واقع یک حوزه علمی و مدرسه تعلیمی و تربیتی هستند که اهمیت آنها و نقشی که در بیداری مردم و رشد افکار دارند بسیار ارزنده و موفقیت‌آمیز بوده است.

در مورد تعداد طلاب، اگر چه هم اکنون احصائیه‌های نسبتاً دقیقی وجود دارد اما چون در زمان نوشتن این مطالب در اختیار اینجانب نیست نمی‌توانم به طور دقیق تعداد آنها را عرض کنم. اما به طور حدس، تعداد طلاب حوزه‌های بزرگ، مانند قم، نجف اشرف، مشهد مقدس، اصفهان، تهران و تبریز شاید متجاوز از بیست هزار نفر باشد که اکثریت آنها در قم اشتغال به تحصیل دارند و با طلاب شهرهای دیگر

ایران و عراق، افغانستان، هند، پاکستان، سوریه، لبنان، بحرین، عمان، مسقط، احساء، قطیف و نقاط دیگر، شاید بالغ بر سی هزار نفر یا بیشتر باشد.[۹۷]

از آنجا که در حوزه‌های علمی بیشتر رسم بر این است که دانشجو، خود مدّرس را انتخاب می‌نماید و علاوه بر گروهی که تدریس رسمی دارند، طلاب مراتب بالا، برای طلاب کلاس‌های پایین‌تر درس می‌گویند از این رو نمی‌توان تعداد مدرّسین را به دقت معین کرد. اجمالاً، هر کدام از طلاب که استعداد و ترقی و تَبَرُّز داشته باشند به زودی در صفوف مدرّسین نیز وارد می‌شوند و با تحصیل و تدریس، پیشرفت علمی خود را دنبال می‌نمایند.

علاوه بر اینها علمای بلاد نیز به تناسب محل و موقعیتی که دارند برای مردم،

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۴

مجالس درس تفسیر، عقاید، اخلاق، سیاست، برنامه‌های نظام اسلامی، تجوید قرآن و غیره دارند که با این حساب تعداد مدرّسین در محیط تشیع بسیار زیاد خواهد بود.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۵

۷: مقایسه دو حوزه

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۷

پرسش هفتم

ارتباط مدارس نظامیه بغداد با حوزه‌های علمی شیعه و توضیحی در رابطه با مقایسه این دو حوزه بیان فرمایید.

پاسخ: البته مدارس نظامیه [۹۸] و مدارس دیگر اهل سنت، با حوزه‌های شیعی در جهات علمی بی‌ارتباط نیستند، و از معارف شیعی تا حدودی که با برنامه‌های سیاست و حکومتی بودن آنها مخالفت نداشته، کم و بیش متأثر شده‌اند. وقتی افراد نامداری از اهل سنت و مؤسسان مذاهب بزرگ آنها چون مالک و ابوحنیفه شاگرد حوزه درس حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام باشند [۹۹] و بسیاری از آنها با تلامذه ایشان و سایر ائمه علیهم‌السلام در ارتباط، تماس و بحث باشند، بالطبع ارتباط علمی بین مدارس شیعی و اهل سنت برقرار می‌شود.

نباید فراموش کرد که شیعه و اهل سنت چون در اینکه قرآن مجید و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله مدرک و مصدر علوم اسلامی است، اتفاق نظر دارند و از این جهت این قدر مشترک اساسی همیشه مدارس آنها را به هم نزدیک می‌کند و وحدت و اتفاق را بین آنها حفظ می‌نماید.

اگر تعصب متعصبان و سیاست سیاستمداران مداخله نکند و فقط دانشمندان روشنفکر، عهده‌دار امور علمی باشند، بیش از اینها به هم نزدیک و با هم متحد می‌شوند. هم اکنون گروهی از مشاهیر بزرگ اهل سنت در مسائلی که تا این عصر بین شیعه و سنی مورد اختلاف بود، ترک مذهب اهل سنت را نموده، و به قول خودشان نظر به قوت

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۸

ادله شیعه نموده و در این مسائل، مذهب شیعه را اختیار کرده‌اند [۱۰۰] و در آینده، تقریب بیشتر را- ان شاء الله- استقبال خواهیم کرد. شاید اطلاع داشته باشید که چندی پیش در عصر زعامت رهبر بزرگ عالم تشیع، حضرت آیت الله بروجردی طاب ثراه، رئیس جامع الازهر، شیخ محمود شلتوت [۱۰۱] در فتوای تاریخی خود به تمام جهان اسلام، ابلاغ کرد که: «تمسک و عمل به مذهب شیعه جعفری جایز و بی‌اشکال است». [۱۰۲]

بنابراین ارتباط بین شیعه و اهل سنت همیشه موجود بوده و هست و این ارتباط هر چه بیشتر شود، شیعه را به برادران اهل سنت بیشتر معرفی خواهد کرد و پرده‌های تاریکی را که سیاست‌های استعماری به چهره زیبای تشیع انداخته و موانعی را که ایجاد کرده بودند- ان شاء الله- از میان خواهد برد. شیعه همواره کتاب‌های برادران اهل سنت را مطالعه کرده و به آنها مراجعه می‌نماید و در کتابخانه‌های آنها در قم، نجف اشرف و سایر مراکز، کتاب‌های اهل سنت در هر موضوع وجود دارد و بررسی و تحقیق در مسائل مذهبی آزاد است.

اما در برخی از کشورهایی که تحت نظر اهل سنت، به خصوص فرقه مستحذثه وهابیه اداره می‌شود، مانند عربستان سعودی، ورود و مطالعه کتب شیعه به شدت ممنوع شده و حکومت از بیداری و آگاهی مردم سخت هراس دارد در حالی که در پخش کتاب‌هایی که افکار را گمراه و مسلمان‌ها را به خصومت داخلی گرفتار می‌کند اصرار دارند و با اینکه دعوی اسلام و توحید دارند و از عدالت اسلام و نظام آن سخن می‌گویند عقاید خرافی مجسمه را ترویج نموده و در نظام حکومتی و مذهبی برنامه بی‌سابقه‌ای را دنبال می‌کنند که هر مسلمان آزادمنش و صاحب بینش اسلامی از آن بیزار است و با توافق و معاهده‌ای که محمد بن عبدالوهاب [۱۰۳] با سعود [۱۰۴] نموده، قرار بر این گذاشته‌اند که

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۷۹

مملکت از حیث نظام حکومتی در حکومت خاندان آل سعود و از حیث نظام مذهبی در خاندان محمد بن عبدالوهاب و به قول خودشان آل شیخ باشد؛ از این لحاظ کشور و سرزمین حجاز را که به اسلام تعلق دارد و مرکز ظهور شمس وجود محمدی و مطلع

نور جهانگیر اسلام است، به خود منتسب کرده و به عربستان سعودی نام گذارده‌اند و دیگران را از نیل به حکومت و حق مداخله در سیاست کلی مملکت، محروم و کشورهای اسلام را که به هیچ رنگ و شخصی منتسب نیست، به خصوص عربستان را به سعود نسبت داده و تجزیه ممالک اسلامی را با این عمل امضا کرده‌اند.

شرح زیان‌های این برنامه و مخالفت آن با نظام‌های اسلامی که شیعه و اهل سنت معتقدند طولانی است در اینجا به عنوان جمله معترضه این مطالب ذکر شد.

کوتاه سخن این است که مدارس بغداد و دیگر شهرها و نظامیه بغداد و نیشابور به طور حتم از حوزه‌های علمی شیعه متأثر شده و استفاده کرده‌اند اما از ارتباط مستقیم مدرسه‌های نظامیه بغداد و نیشابور در حال حاضر، چیزی به خاطر ندارم.

در مقایسه این مدارس با حوزه‌ها و مدارس شیعی باید گفت که این مدارس تحت برنامه خاص و محدودیت‌هایی که حکومت‌ها بر آنها وارد می‌کردند علوم را از مؤیدان حکومت‌های جبار و مصوبان سلطنت بنی‌امیه، بنی‌عباس و محدثان درباری اخذ نموده‌اند و از این جهت در کلام، فقه و حدیث، مکتب‌های خاصی به وجود آورده‌اند که تا ممکن است از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله فاصله داشته باشد.

اما حوزه‌های شیعی براساس بحث و بررسی، تحقیق آزاد و دور از نظارت حکومت‌های جبار را از آغاز کار حتی در موقعی که ابوبکر و عمر کتابت و نوشتن حدیث و علم را ممنوع کرده و بر آن به شدت مؤاخذه می‌نمودند، شروع کردند و هر چه جلو آمدند تحقیقات و پیگیری‌هایشان حقیقت اسلام، اتقان و استحکام نظامات اسلام را بیشتر جلوه داد.

سیر حوزه های علمی شیعه ؛ ص ۸۰

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۰

اینان علاوه بر کتاب و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله، برای فهم صحیح مبانی و مقاصد کتاب و سنت به ائمه علیهم السلام نیز رجوع کرده و قول، تفسیر و احادیث آنها را بر حسب «حدیث ثقلین» [۱۰۵] و احادیث معتبر دیگر، حجت می‌دانند در حالی که سیاست‌ها و قدرت‌های حاکم، اهل سنت را از این نقطه اتکاء در فهم درست مفاهیم اسلام محروم کرده است.

در پایان باید متذکر شد که در عصر حاضر گرایش زیادی از جانب بسیاری از روشنفکران اهل سنت به مذهب اهل بیت علیهم السلام (مذهب شیعه) شده است و در بعضی عواصم و مراکز آنها مکتب‌هایی به نام مکتب اهل البیت تأسیس شده است.

و آخرین نکته‌ای که بیان می‌کنم این است که در حال حاضر، قدیمی‌ترین حوزه علمیه اهل سنت، جامع ازهر، چنان که به آن اشاره شد، مدرسه‌ای از مدارس شیعه بوده و به نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، الازهر نامیده شده است. در این مدرسه و در قاهره، علمای بزرگی از شیعه مانند قاضی نعمان [۱۰۶] صاحب دعائم الاسلام تدریس می‌کردند و در دورانی که شیعه این مدرسه را اداره می‌کردند بسیار پر رونق بود که متأسفانه صلاح الدین ایوبی [۱۰۷] با هجوم متعصبانه به مصر و قلع و قمع شیعیان و ارتکاب ظلم‌ها و فجایع بسیار، تشیع و ولای اهل بیت علیهم السلام را از رسمیت انداخت و آن تمدن بزرگ اسلامی را که در مصر به وجود آمده بود، پایمال ستم‌های بسیار نمود و از میان برد و خسارت‌های علمی این یورش متعصبانه از ویرانی مدارس، آواره شدن علما و از میان رفتن بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها و نفایس کتب خطی و آثار اسلامی بیش از آن است که بتوان توصیف نمود.

با این توصیف علی رغم وجود صلاح الدین‌ها، امروز مصر بیشتر از همه یا بیشتر از کشورهای سنی نشین اسلامی به ولای اهل بیت علیهم السلام گرایش دارد و نویسندگان

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۱

آزاد فکر و تربیت شده همین جامع ازهر پیرامون شخصیت اهل بیت علیهم السلام کتاب‌ها می‌نویسند و رئیس اسبق جامع ازهر، شیخ

سلیم، صحت این مذهب را تأیید کرد و رئیس اسبق دیگر شیخ محمود شلتوت، تعبد و عمل به مذهب شیعه امامیه را برای همه مسلمانان جایز اعلام می‌نماید. و این مشاهد [۱۰۸] منتسب به اهل بیت علیهم السلام است که در مصر سالانه شاهد صدها هزار نفر زوّار از برادران اهل سنت و محل صدور کرامات و خوارق عادات است.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۳

۸: مکتب‌خانه‌های قدیم

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۵

پیش‌هشتم

درباره مکتب‌خانه‌های قدیم و تأثیر آنها در آماده کردن جوانان برای ورود به حوزه‌های علمی، مطالبی را بیان فرمایید.
پاسخ: وضعیت مکتب‌خانه‌های قدیم به شکلی که در این اواخر رسیده بود- که هم ظواهر آنها در برابر مدارس جدید جلوه خوبی نداشت و هم وضعیت درس و سلوک معلم با شاگرد، غیر منظم و خشونت‌آمیز بود- نبوده است. [۱۰۹]
علل و عوامل بسیاری موجب این تنزل شده بود و از اینکه این وضعیت مخصوص کشور ما بوده یا در سایر کشورهای مسلمان نشین نیز این تنزل رخ داده یا نه اطلاع کافی ندارم. اما در سفری که به اتفاق دانشمند روشنفکر، آیت الله زاده گلپایگانی، مرحوم حاج آقا مهدی به هند رفتم، در آنجا برای تعلیم و تربیت شیعیان، مؤسساتی دیدم که فوق العاده توجه مرا جلب کرد. این مؤسسات- که تحت نظر معلمان با صلاحیت علمی و ایمانی اداره می‌شوند و در عین حال از تشریفات زائد پیراسته بودند- با بودجه کم، محصول کارشان زیاد و قابل توجه بود.

غرض این است که مکتب‌خانه‌ها در ازمنه گذشته، وضع ابتدال این اواخر را که در شرف انقراض بودند نداشتند و نتیجه کارشان کاملاً رضایت بخش بوده است.

چنان که از اشعار شعرا، کتاب‌های فارسی و تاریخ زندگی رجال علم و بعضی داستان‌ها

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۶

استفاده می‌شود، این مکتب‌خانه‌ها در ساختن و پرورش دادن مردان بزرگ، سهم مهمی را ایفا می‌کرده‌اند و دارای برنامه‌های سازنده مرتب و منظمی بوده‌اند.

خوشنویسان، ادبا، شعرا و این همه فلاسفه و حکما و این همه علماء، فقها، دبیران و وزیران نامدار، همه، پایه تحصیلاتشان از این مکتب‌خانه‌ها بود که آنان را برای وارد شدن به مراحل عالی تحصیل آماده می‌کرد.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۷

۹: رسالت حوزه‌های شیعه

اشاره

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۸۹

رسالت حوزه‌های شیعه

در اینجا- که به پایان پاسخ به پرسش‌ها رسیده‌ایم- به چند نکته که در شناخت رسالت حوزه‌های علمیه شیعه سودمند است، اشاره می‌نمایم:

۱. نقش روحانیت شیعه و حوزه‌های علمی همگام با فعالیت‌های علمی و تحقیقات در رشته‌های مختلف، تبلیغ، هدایت و شناساندن اسلام به دنیا و جوامع بشری، تألیف کتاب‌های سودمند، انتشار مقالات، مجلات، سخنرانی‌ها، مواعظ و تربیت افراد لایق و علمای عامل و صالح در همه اعصار مؤثر و چشمگیر بوده است و به تمام معنا در بالا بردن سطح معارف اسلامی مسلمانان و تبلیغ آن به دیگران، در تحرک و بیداری شیعه و پایداری و مقاومت آنها در برابر هجوم‌ها و یورش‌ها در مقطع‌ها و فرصت‌های مختلف، عامل مهمی بوده و هست.

روحانیت و حوزه‌های علمی شیعه در طول تاریخ حیات خود، گرفتار سخت‌ترین فشارها، اختناق‌ها، زندان‌ها، شکنجه‌ها، کشتارها و حمله‌هایی شده است که می‌توان گفت اگر به هر قوم و ملت دیگری این ستم‌ها شده بود نابود و از صفحه روزگار محو می‌شد. با این وجود با مقاومت و پایداری که ملت از خود نشان داد، باقی ماند و تمام آن زورمندان و قدرت‌های بزرگ، از بین رفته و منقرض شدند و مانند رضاخان، [۱۱۰] حسرت انقراض تشیع، حوزه‌های علمی و مکتب اهل بیت را به گور بردند. این روحانیت شیعه بود که در قرن معاصر، استعمار را به زانو در آورد و انقلاب‌های بزرگ را رهبری کرد.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۰

[رهبری نهضت‌ها]

مرحوم سید شرف‌الدین، [۱۱۱] عالم بزرگ شیعه و مؤلف کتاب‌های نفیس، المراجعات، الفصول المهمه، الی المجمع العلمی العربی و تألیفات دیگر بود که در لبنان و سوریه، پرچم مخالفت با استعمار فرانسه را به اهتزاز در آورد.

مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی [۱۱۲] بود که از کربلا، انقلاب تاریخی عراق علیه استعمار انگلیس را رهبری کرد. [۱۱۳]
مرحوم آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی [۱۱۴] بود که در واقعه رژی و تنباکو استعمار را کوبید و با مبارزه منفی- که از تعالیم مهم اسلام است- و تحریم تنباکو، ملت ایران را به قوه و نیروی خویش آگاه کرده و تاریخ جدید بیداری ملت را پی ریزی فرمود. [۱۱۵]

و این سید محمد سعید جبوبی [۱۱۶] بود که شخصاً در جهاد علیه انگلیس با دیگر آیات و علمای نجف اشرف شرکت کرد.
و کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین [۱۱۷]، مؤلف اصل الشیعه و اصولها و کتاب‌های نفیس دیگر بود که در تمام عمر در عراق خویش علیه استعمار مبارزه کرد و علیه انگلیس فتوا داد.

تاریخ علمای مجاهد شیعه طولانی و مفصل است؛ چه حبس و تبعیدهایی که دیدند و چه زجرها و ناراحتی‌هایی که کشیدند! در موقعی که سیاست تزاری روس بر ایران سایه انداخته بود، یگانه قوه‌ای که تحت نفوذ آنها قرار نگرفت روحانیت بود. در واقعه گریبایدوف که در زمان فتحعلی شاه [۱۱۸] واقع شد، حاج میرزا مسیح تهرانی [۱۱۹] بود که دست شجاعت از آستین صلابت بیرون آورده و ملت ایران را از آن ننگ و عار نجات داد.

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۱

در مبارزه با غرب‌گرایی، استعمار انگلیس، تفکر «دولت منهای دیانت و روحانیت منهای سیاست»، مشروطه غربی و فریب خوردگان فرنگی مآب، این حاج شیخ فضل الله نوری [۱۲۰] شهید بود که همه مفاصده را که برای جدا کردن نهضت مشروطه از اسلام در دوره اختناق، ارباب و جنایت رضاخان پیش آمد، پیش بینی می‌کرد و با عنوان «مشروطه مشروعه» با برنامه استعماری نفی حاکمیت اسلام، مبارزه کرد و تا سر حد شهادت و رفتن به بالای دار، استقامت نمود تا در نتیجه فداکاری، پایداری و قوت ایمان او- اگر چه به ظاهر، مخالفان مشروعه بودن مشروطه، پیروز شدند- آن نظام در افکار مسلمانان محکوم و نامشروع تلقی شد و در دراز مدت در حقیقت، آن مجتهد مظلوم مصلوب، پیروز گردید.

در نیم قرن اخیر در طلیعه کسانی که در ایران با استعمار جنگیدند، حوزه‌های علمی و علمای شیعه قرار داشتند. نهضت مرحوم حاج آقا نور الله اصفهانی [۱۲۱] در اجتماع علمای قم و قیام حاج آقا جمال اصفهانی [۱۲۲] در تهران و مخالفت حاج میرزا صادق آقاتبریزی [۱۲۳] در آذربایجان با نقشه‌های استعمار گرانه انگلیس، مشهور و معروف است.

اولی را- چنان که معروف است- عمّال استعمار، محرمانه و به طور مرموز کشتند، دومی را به اصفهان و سومی را به قم تبعید نمودند.

ملت ایران هرگز مجاهدات عالم شیعه، سید حسن مدرس [۱۲۴] را که به دستور استعمار و رژیم منحوس پهلوی در ماه مبارک رمضان در حال روزه با وضعیت فجیعی به شهادت رسید فراموش نخواهد کرد.

در قیام مشهد نیز، که برای دفاع از اسلام و جلوگیری از نقشه‌های رژیم استعمارگر بر پا شد و به واقعه فجیع مسجد گوهر شاد [۱۲۵] منتهی گردید، علمای طراز اول مانند مرحوم آقا میرزا محمد کفائی [۱۲۶] (آقا زاده) گرفتار زندان و شکنجه شدند. و مرحوم حاج آقا

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۲

حسین قمی [۱۲۷] که برای امر به معروف و نهی از منکر به تهران عزیمت کرده بود محصور و به عتبات عالیات تبعید گردید. در واقعه ملی شدن نفت نیز علما در صف اول جهاد قرار داشتند و مرحوم استاد آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری بود که در این جهاد با مقام مرجعیتی که داشت، وارد شد و مرحوم آیت الله کاشانی [۱۲۸] را- که نهضت ملی شدن نفت بر اثر زجرها، تبعیدها و آزارهایی که او متحمل شد، به اوج خود رسید- تأیید کرد و علمای دیگر در تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و شهرهای دیگر نیز همه آن را همراهی کردند تا به ثمر رسید.

و مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که از ضررهای تسلط استعمار و امتیازاتی که کسب کرده بود، آگاهی کامل داشت و شخصاً هم صدماتی از آن دیده بود مبارزه علیه کمپانی نفت جنوب و انگلیس را تأیید می‌کرد.

بعد از واقعه ۲۸ مرداد ایشان یگانه سدی بود که استبداد را از پیشروی باز داشت و در چند مورد به شدت آن را عقب زد، اما به عللی- که در اینجا مجال شرح آن نیست- اوضاع و احوال، یک حرکت کلی علیه استبداد را اجازه نمی‌داد؛ زیرا استبداد با وجود ایشان تا حدی محافظه‌کاری می‌کرد و متوجه بود که اگر ملت را تحت فشار بیشتر قرار دهد و طرفیت خود با اسلام را ظاهر سازد، با وجود رهبری قوی و شجاع و موحدی مانند ایشان، انفجاری که موجب خطر برای دیکتاتوری می‌گردد، به وجود خواهد آمد؛ از این رو با محافظه‌کاری و ریا و حيله رفتار می‌کرد و آیت الله بروجردی هم که کاملاً متوجه اوضاع و واقف به مقتضیات بود، موقف خود را که طبعاً موقف ضد استبداد بود نگهداری می‌نمود تا اینکه ایشان به نحو طبیعی یا چنان که بعضی احتمال می‌دهند، غیر طبیعی چشم از جهان فرو بست. [۱۲۹]

پس از درگذشت ایشان رژیم که وجود آن مرحوم را یگانه مانع اجرای مقاصد خود و

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۳

گسترش دیکتاتوری می‌دانست به گمان خود نفس راحتی کشید و حجاب از چهره برداشت و به یک سلسله اعمال ضدّ اسلامی دست زد و خودسری خود را علنی کرد و جسارت را تا به آنجا رسانید که تاریخ اسلامی هجری را رسماً لغا کرد.

علما و مراجع بزرگ حوزه که خطر را احساس کردند علیه رژیم دست به کار شده و شدت مخالفت خود را اظهار نمودند و هر چه رژیم جلوتر آمد دیکتاتوری، سلب آزادی، بی‌اعتنایی به حقوق اسلامی و تحقیر ملت را بیشتر نمود، استعلا و استکبارش را شدیدتر کرد، با مردم مانند محجورین رفتار نمود و علما، طلاب، وعاظ و مردمان معترض را دستگیر، گرفتار زندان و شکنجه نمود و برخی از آنها را به شهادت رساند؛ در روز وفات امام صادق علیه السلام با آن یورش وحشیانه به مدرسه فیضیه حمله نمود و آن جنایت‌ها را- که همه مسلمانان را تکان داد- مرتکب شد؛

اموال و ثروت مملکت به تاراج رفت و جشن‌های ارتجاعی، سخنرانی‌های مبتذل و چاپلوسی مطبوعات و بعضی از مردم متملق، اوج گرفت. هر چه مملکت ورشکسته‌تر می‌شد و کشاورزی، دامداری و صنعت آن را کدتر می‌گردید تبلیغات حکومتی از ترقی و پیشرفت آن بیشتر سخن می‌گفت.

از دانشگاه‌ها سلب آزادی کرده و رؤسای انتصابی قرار دادند و هیئت و استاد معین کردند و در رأس هر کدام، یک زن یا مرد بی‌سواد از وابستگان خود را گذاردند.

زندان‌ها را از علما، طلاب، دانشجویان و روشنفکران پر نموده و با وضع فجیعی آنان را شکنجه می‌کردند که بسیاری در زیر آن شکنجه‌ها جان دادند؛ میلیارد‌ها اموال ملت را تصاحب کرده و به خارج بردند؛ اسرائیل را که غاصب سرزمین‌های اسلامی و دشمن جان بشر است یاری دادند، که شرح مظالم این حکومت و خیانت‌هایی که به اسلام، مسلمانان و ایران کردند محتاج به تألیف یک کتاب بزرگ است. [۱۳۰]

در این جریان‌ها، قوه‌ای که از دین، شرف، مصالح و حیثیات مردم دفاع می‌کرد و زبان و

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۴

قلمش را تا حد توان در مبارزه با دیکتاتوری به کار بست و ملت را به مقاومت دعوت کرد، مراجع بزرگ شیعه و روحانیت بود که در این راه هر ناملایمت و مصیبتی را متحمل شد و از هر گونه محرومیت، حبس، تبعید و شکنجه استقبال کرده تا سرانجام انقلاب اسلامی فعلی که دنیا را متوجه مکتب متحرک، متعهد، مبارز و آگاه شیعه نموده است بر پا شد. ملت آزاده و مسلمان ایران به پیروی از روحانیت به خصوص مجاهد بزرگ حضرت آیت الله خمینی [۱۳۱] مدّ ظله قیام کرد و کشته‌ها و قربانی‌ها داد و با برپایی اعتصابات و تعطیلات دراز مدت که اکنون هم ادامه دارد و تظاهرات با شکوه- تا یک میلیون نفر و بیشتر- رژیم را محکوم، علما را تأیید و خواستار نظام اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید گردیدند.

مؤسسات دولتی، ادارات و مطبوعات به صفوف ملت پیوستند و به خصوص جوانان، دانشجویان و دانشگاهیان با ینشی اسلامی، آگاهانه و دلیرانه مبارزه کردند.

روستاییان علی‌رغم فعالیت‌هایی که رژیم برای فریب دادن آنها انجام داد، موضع اسلامی خود را ترک نکردند و صادقانه از علما پشتیبانی نمودند.

از خداوند متعال می‌خواهیم که هر چه زودتر خواسته‌های مشروع این ملت

مجاهد، مبارز و استوار را، که در راه اعلای «کلمه الله» متحمل این همه خسارت‌های جانی و مالی گردیده است، تحقق کامل بخشد و حکومت حق و عدالت را در روشنائی الهام از تعالیم اسلام و عمل به احکام قرآن، مستقر و مستحکم فرماید و بیداری ملت مسلمان ایران را در جوامع مسلمانی که هنوز گرفتار یوغ استعمار و استبداد و مکتب‌های نارسا و بیدادگر شرق و غرب هستند، اثر بخش سازد تا آنان نیز به مسئولیتی که در برابر خدا و اسلام عزیز دارند، واقف شده؛ با اتحاد، اتفاق و فداکاری علیه استضعاف گران

به پا خیزند و موانع رشد و ترقی خود را از میان بردارند و پرچم توحید اسلام را بر فراز کاخ‌های

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۵

مستکبران و جباران به اهتزاز درآوردند.

روحانیت از سیاست جدا نیست

۲. چنان که می‌دانیم از روزی که استعمار وارد سرزمین‌های اسلامی شد برای اینکه نفوذ اسلام را از میان برداشته و سلطه خود را پابرجا نماید و توجه مردم را از نیروی معنوی اسلام، مکتب جهاد و مبارزه، منصرف سازد تا از یک سلسله برنامه‌های به اصطلاح غیر سیاسی پا بیرون نگذارند و وسیله‌ای برای تعقیب و جلوگیری از مداخلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها داشته باشد، «تز روحانیت از سیاست جداست» را عنوان کرده و چنان آن را تبلیغ نمود که بسیاری از ساده لوحان و غرب‌زدگان آن را پذیرفته و ندانستند که این نغمه شوم از کجا و برای چیست؟ نمی‌دانستند این نغمه، فلسفه‌های سیاسی و اقتصادی دارد و موجب تسلط اقتصادی و سیاسی استعمار می‌گردد.

فریاد «روحانیت از سیاست و دین از دنیا جداست»، با مبانی و احکام اسلام - که حتی امور عبادی‌اش نیز با سیاست پیوند دارد و از سیاست جدا نیست، و برنامه‌هایش همه با هم ارتباط دارد و نظام امر به معروف و نهی از منکر را با آن شدت و تأکید پیشنهاد کرده و افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جعفر [۱۳۲]

را گفته است - به هیچ وجه سازگار نیست. اسلام، دین دنیاست همان طور که دین آخرت است و اصلاً دنیا را از آخرت جدا نکرده است. بیشتر احکام اسلام مربوط به امور سیاسی، قضایی، مالی و روابط مردم با حکومت، با دولت و عمران زمین و شامل تمام نواحی روحی، جسمی، فردی و اجتماعی بشر است.

مداخله نکردن در سیاست و حسن اجرای امور جامعه مسلمان (البته در صورت توانستن) جرم است. هیچ مسلمانی نمی‌تواند به امور مسلمانان، خصوصاً امور سیاسی

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۶

آنها بی‌اعتنا باشد.

من اصبح ولا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم [۱۳۳]

پس این یک حرف کفرآمیز است که کسی بگوید:

اسلام و دین از دنیا جداست و مساوی با این است که دو ثلث یا بیشتر برنامه‌های اسلام - العیاذ باللّه - زاید و لغو است یا مساوی با انکار این مقدار از احکام مسلم اسلام است. این سخن کفر صریحی است که اگر کسی با توجه آن را بگوید نمی‌توان او را مسلمان شمرد.

اسلام، دین سیاست، عبادت، قانون زندگی، عمران و همه چیز است و این سخن که دین از سیاست یا روحانیت از سیاست جداست اگر با مزاج ادیانی مانند مسیحیتی که فعلاً مسیحی‌ها پذیرفته‌اند سازگار باشد، با اصول اسلام و نصوص قرآن مجید، مخالف است. بلی! اگر غرض از سیاست، حيله، تزویر و خیانت باشد، آن به طور قطع رذیله‌ای است که هر مسلمان باید از آن پرهیز کند.

۳. اگر چه در ضمن مطالب گذشته، مشخص شد که یکی از امتیازات مهم حوزه‌های علمی و رهبری شیعه این است که تحت نظر حکومت‌های جور نیست و آنها را واجب‌الاطاعه نمی‌داند، در اینجا نیز خصوصاً تصریح می‌شود که روحانیت و جامعه علمی شیعه، استقلال دارد و از دو جهت، بحث و بررسی و تألیف و تصنیف را در محیطی آزاد انجام می‌دهد:

اول اینکه: حکومت‌های جور، مانند حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس را - که روش‌های ضد اسلامی را در حکومت تجدید کرده و

از استبعاد اکاسره ایران و قیصره روم تبعیت کرده؛ بلکه از آنها هم پیش افتادند- واجب الاطاعه نمی‌داند، و آنها را به

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۷

عنوان «اولی الامر» نمی‌شناسد.

دوم اینکه: از دیوان و بودجه حکومت‌ها حقوق و مواجب نمی‌گیرد و استقلال اقتصادی دارد و چنان نیست که حکومت‌ها از او توقع کنند که به دلیل عضویت در

دستگاه آنها، احکام را تحریف و نصوص را طبق سیاست ظالمانه آنها تفسیر نمایند.

یکی از علل بزرگ سیر صحیح فقه شیعی همین است که از آغاز، تحت تأثیر عوامل خارجی قرار نگرفت و سیر خود را با سیر سیاست‌های ستمگران پیوند نداد و در نتیجه، آن سیاست‌ها، هر چه طغیانگرتر بودند، فاصله‌شان از مذهب شیعه و مکتب تشیع بیشتر بود و یکی از موجباتی که آن سیاست‌ها کوشش می‌کردند شیعه را از روی زمین محو نمایند و به وجودشان خاتمه دهند، همین بود که می‌دیدند سازشکار نیستند و روش آنها را تصویب نمی‌نمایند.

۴. امتیاز دیگری که مذهب تشیع و حوزه‌های علمی شیعه بر مذاهب دیگر دارد این است که شیعه باب اجتهاد را مفتوح می‌داند و هر کس می‌تواند بلکه باید پس از نیل به مرتبه اجتهاد، طبق اجتهاد خود از کتاب و سنت، احکام را استخراج نموده و به آن عمل کند؛ از این جهت باب بحث و تحقیق در مذهب شیعه همیشه مفتوح بوده و در همه اعصار و همیشه، فقه اسلام در سیر و حرکت و در دسترس تحقیق و بررسی بوده است و این مسئله‌ای بوده است که قبل از منحصر کردن مذاهب فقهی به مذاهب اربعه، اهل سنت نیز آن را پذیرفته بودند.

اما در اینجا باز هم سیاست وارد شد و با اعتمادی که به آرای این مذاهب، به خصوص در نظام اداره و حکومت داشت برای اینکه آراء ضد نظام استبدادی آنها جلو نیایند، مذاهب را در این چهار مذهب منحصر کردند: شافعی، حنفی، حنبلی و مالکی. خوشبختانه بعضی از روشنفکران برادران اهل سنت، امروز متوجه شده‌اند که این انحصار بی‌مدرک

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۸

و بی‌اصل است و غیر از جهت سیاسی منشأ دیگری ندارد، از این جهت این افراد نیز با شیعه هم‌صدا شده و فتح باب اجتهاد را در هر عصر اعلان کرده‌اند.

۵. مقام مرجعیت شیعه، انتصابی نیست. این نیز یکی از امتیازات حوزه‌های علمی و روحانیت شیعه است که مرجع هر عصر خواه واحد باشد یا متعدد به انتصاب حکومت نیست و این تکلیف فرد فرد ملت شیعه است که رهبر واجد صلاحیت را بشناسند و به او مراجعه نمایند. فرمان مرجعیت برای احدی از جانب دستگاه‌های دولتی، نظام‌های حاکم و تبلیغات رادیو و تلویزیون صادر نمی‌شود و اگر هم بر فرض صادر شود هیچ اعتبار شرعی ندارد و کسی به آن ترتیب اثر نمی‌دهد.

در حال حاضر شاید بزرگ‌ترین مقام مذهبی اهل سنت، ریاست «جامع‌الازهر» مصر باشد اما این ریاست و مقام در اختیار رئیس قوه نظامی آنجاست؛ آن زمان که پادشاهی بود، با پادشاه و امروز که به اصطلاح جمهوری است با رئیس جمهور است. از این رو با تغییر سیاست‌ها و گرایش‌هایی که حکومت به شرق یا غرب پیدا می‌کند و با تغییر رئیس جمهور، این مقام هم دستخوش تغییر می‌گردد و همان مقامی که دیروز علیه اسرائیل صهیونیسم و برای سوق دادن ملت به سوی جهاد با اسرائیل فتوای حادّ می‌داد امروز آن فتواها را ندارد، و یا بالعکس فتوا می‌دهد.

ناگفته نماند که انتصاب رئیس جامع‌الازهر هم تحمیل و بدعتی بود که انگلیسی‌ها هنگام تسلط خود بر مصر به وجود آوردند و برای اینکه در داخل کشور، یک نظام مخالف موضع رژیم دست‌نشانده آنها و متکی بر افکار ملت نباشد، به هر ترتیبی که بود این

مقام را انتصابی کردند که البته با طبع مذهب اهل تسنن نیز ناسازگار نبود.

در شیعه، تشخیص مرجع با خود افراد است و از این رو در یک زمان، مراجع متعدد وجود دارد؛ زیرا به واسطه وجود افراد متعدد هم‌طراز، نتیجه تحقیقات، همه را واجد این

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۹۹

صلاحیت معرفی می‌نماید که این هم فوایدی دارد و اگر کسی تاریخ مرجعیت شیعه را مطالعه کند می‌بیند که این انتخاب و تشخیص، همیشه درست از آب در آمده و هرگز مثل انتخاب رئیس جمهور فلان مملکت نبوده است که با وجود صدها افراد لایق‌تر، فردی با سازش‌های پنهانی انتخاب شده باشد.

به طور مثال در عصر میرزای شیرازی، به غیر از میرزای رشتی یا حاج سید حسین آقا کوه کمری رحمه الله علیهم کسی با او هم‌طراز نبوده است و اگر میرزا مرجع مشهور گردید یا بر هم‌طرازان خود مقدم بود یا اینکه برابر با آنها شمرده می‌شد در عصر شیخ انصاری و در عصر مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و در عصر مرحوم آیت الله بروجردی و در تمام اعصار شیعه، اتفاق نیفتاده است که یک نفر با عدم صلاحیت علمی و عملی به مقام مرجعیت نایل شده باشد.

و این نظام، نظامی است که مختص به شیعه و نظام انتخاب اصلح و اعلم است و در نظام تشیع، تغییر و تحول آن، ممکن نیست و از این رو حکومت‌ها هرچه خواستند در این نظام تصرف نمایند، نتوانستند؛ زیرا مسئله با عقیده و وجدان مردم و اینکه می‌خواهند در برابر خدا مسئول نباشند ارتباط دارد.

در این چند سال اخیر که رژیم منحوس پهلوی، سازمان کثیف اوقاف را در ایران ساخت غرض همین بود که امور دین، مذهب، مساجد، مدارس، حوزه‌های علمی، مجالس تبلیغی، موقوفات، برنامه‌های حج و زیارت و همه چیز، حتی تألیف کتاب‌های مذهبی را دولتی و تحت نظارت استعمار قرار داده و از محدوده نفوذ روحانیت خارج نمایند و در واقع سازمان امنیت را ناظر بر آن سازند و طلاب را هم مانند طبقات دیگر به تعظیم مقامات و ادار کنند و مدارس دینی را به وضعی که دانشگاه‌ها را گرفتار ساختند، گرفتار

سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۰۰

کنند که هر کس را بخواهند بر آنها رئیس گمارده و هر کس را خواستند عزل نمایند.

اما از آنجا که اصل این نظام با اساس تشیع مخالف بود، سازمان اوقاف با مخالفت تند مراجع و مردم مسلمان رو به رو شد و اعمال و کارهای او همه غیر مشروع اعلام گردید و به صورت یک سازمان ضد مذهب و اسلام و خدمتگزار استعمار معرفی شد؛ زیرا قبول این فکر که روحانیت و مظاهر اسلامی و دینی، حکومتی و دستگاهی باشند و علما و مجتهدین ناچار به تبعیت از برنامه‌هایی خارج از آنچه رسالت شرع به عهده آنها گذارده است باشند، برای هیچ شیعه متعهد و مؤمن، امکان‌پذیر نیست؛ از این رو سازمان اوقاف نیز از عواملی که با رفتارها و خیانت‌هایی که مرتکب گشت، و حیف و میل‌هایی که از اوقاف نمود چهره زشت و ضد اسلامی رژیم را آشکارتر کرد و علی‌رغم آن تلاش‌ها، روحانیت همچنان مستقل بر جای ماند و حزب کذایی رستاخیز را به طور صریح و اکید ممنوع کرد و چنان روی پای خود ایستاد که توانست چنین انقلاب عظیمی را، که در واقع علیه بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا و صهیونیسم بین‌المللی ایستاده و مخالف منافع شرق و غرب است، به وجود آورد و سیاستمداران استعمار پیشه و دشمنان مکتب حق و عدالت اسلام را در بیم و هراس بیندازد.

حاصل کلام این است که این نفوذ ناپذیری روحانیت از خارج و اینکه تشخیص و تعیین مرجع، طبق موازین معلوم، با خود افراد است، از امتیازات بزرگ روحانیت

شیعه بوده و از مواهبی است که همواره روحانیت را در مسیر صحیح نگاهداری کرده است.

در خاتمه، امید است این توضیحات اندکی که داده شد برای جنابعالی و کسانی که بخواهند از حوزه‌های شیعی و مذهب تشیع،

اطلاعاتی کسب نمایند، راهگشا باشد و چون با عدم فرصت و استعجال و عدم مراجعه، جز در چند مورد و اینکه فرصت پانویس سیر حوزه های علمی شیعه، ص: ۱۰۱

کردن آن را نداشتم محتاج به تکمیل و تهذیب است، خواهشمند است جنابعالی این زحمت را متقبل شده و اگر صلاح دانستید آن را در آنجا منتشر و در اختیار مطلعان و محققان قرار دهید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۱۷ صفر المظفر ۱۳۹۹

مطابق با: ۱۳۵۷ / ۱۰ / ۲۶

الاحقر لطف الله صافی گلپایگانی

[۱] (۱). سوره توبه، آیه ۱۲۲ ..

[۲] (۱) نک: شهداء الفضیله، علامه امینی ..

[۳] (۱) برای دریافت اطلاع از زندگانی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی صافی ر. ک: شرح حال دانشمندان گلپایگان، ج ۱، ص ۱۳۵؛ گلپایگان در آئینه تاریخ، ص ۶۰۸ و ۴۱۳؛ لمحات به قلم آیت الله جعفر سبحانی، مقدمه، شرح حال آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی به زبان عربی، چاپ دار القرآن الکریم قم؛ کتاب سال جمهوری اسلامی، گزارش دوره سوم؛ گلشن ابرار، ج ۶، ص ۲۹۲؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۱۸۹؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴)، ص ۳۳۱؛ الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۶۷؛ اثر آفرینان، ج ۴، ص ۱۶؛ احکام نوجوانان؛ ارمغان صافی، ص ۶۵ ..

[۴] (۱). کلیات سعدی، قصائد فارسی، ص ۱۹۶، چاپ بمبئی، ۱۳۳۵ هـ ..

[۵] (۱) حوزه: کلمه حوزه یا حوزه‌های علمیه اصطلاحی است رایج در جهان به ویژه نزد شیعیان و به معنای مراکزی است که در آن به تدریس علوم دینی می‌پردازند. و به اصطلاح، آموزشگاهی است برای علوم دینی و قدیمی که تحت اشراف مجتهدین اداره می‌شود.

[۶] (۲). سوره جمعه، آیه ۲ ..

[۷] (۱). مدینه شهری است در شمال مکه که تقریباً نود فرسنگ از هم فاصله دارند، قبل از اسلام آن را «یثرب» و پس از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله، «مدینه الرسول» نامیده شد. بعدها برای تخفیف «الرسول» آن را حذف کردند و «مدینه» گفتند.

[۸] (۲). گفتنی است که تدریس و بحث در زمینه مسائل دینی و علمی حتی در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله هم منحصر و محدود به مسجد النبی نبود و در خود مدینه مساجد دیگری ولو کوچک و محدودتر از مسجد بزرگ نبوی فعالیت آموزشی داشتند. نک: فاتحه العلوم، چاپ قاهره، ص ۱۹.

[۹] (۱). صحابه در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حال اسلام دیدار و مدتی درک

محضر حضرتش را نموده باشد. گفته شده که تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از ۱۱۴ هزار نفر بوده است که ۱۰۰ هزار نفر آنان، کلام حضرت را هم شنیده‌اند.

نیز نک: الاصابه، ۱، ص ۴.

[۱۰] (۲). تابعین جمع تابعی در اصلاح علم درایه و رجال به کسانی می‌گویند که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدار نکرده باشند و یا اگر دیدار کرد. در حال ملاقات مسلمانان نبوده ولی اصحاب آن بزرگوار را دیده و اسلام را درک و پذیرفته باشند. نیز نک: ریحانه، ۱، ص ۳۱۵.

[۱۱] (۳). تبع تابعین به کسانی گفته می‌شود که هیچ یک از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حال اسلام ندیده باشد، اما تابعین را در حال اسلام ملاقات کرده باشد.

نیز نک: موسوعه حیاة التابعین و تابعیهم من کتب التراث، مقدمه.

[۱۲] (۱). سوره توبه، آیه ۱۲۲. «و (هنگام جنگ) نباید مؤمنان همگی بیرون رفته، رسول را تنها بگذارند پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ بیرون رفته، گروهی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند تا آن دانشی که آموخته‌اند به قوم خود بیاموزند که قومشان هم شاید خدا ترس شده از نافرمانی خدا حذر کنند؟» مخفی نماند که آیه کریمه به صورت دیگر نیز ترجمه و تفسیر شده است. ۱. بعضی چون مجاهد، جبایی، زمخشری و طبرسی در جوامع الجامع، «نفر» در هر دو فقره از آیه شریفه را برای تحصیل علم گرفته‌اند. نک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۳؛ جوامع الجامع، ج ۲، ص ۹۲؛ الکشاف، ج ۲، ص ۳۲۲۰؛ روح المعانی، ج ۱۱، ص ۴۹.

[۱۳] (۲). نیز آیه شریفه نفر (آیه ۱۲۲ سوره توبه) دلیل روشنی است بر بایستگی بنیان نهادن مراکز دین پژوهی و کانون‌های پرورشی مبلغان دینی. و به تبع هم بر لزوم برنامه‌ریزی، مدیریت، پشتوانه مالی و ... دلالت دارد.

[۱۴] (۱). شیعه در این کتاب، بر پیروان متعهد و معتقدان ملتزم به امامت بلافضل حضرت علی علیه السلام و امامت یازده فرزندش صدق می‌کند که در زمان حیات رسول اعظم صلی الله علیه و آله و پس از آن با این عنوان شناخته می‌شدند.

[۱۵] (۲). نیز نک: حاضر العالم الاسلامی؛ ج ۱، ص ۱۸۸؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۳۴؛ خطط الشام، ج ۵، ص ۲۵۱؛ النظم الاسلامیه دکتر صبحی صالح، ص ۹۲؛ روح التشیع، ص ۲۰ سخن محمد عبدالله عنان.

[۱۶] (۱). سیمای فرزندگان، تاریخ حصر مذاهب فقهی در چهار مذهب و تاریخ حصر الاجتهاد و مفاهیم القرآن استاد سبحانی، ج ۳ در این بحث مفید است.

[۱۷] (۲). اصول اربع مأه (اصول چهارصد گانه) اصطلاحی است به چهار صد کتاب حدیثی که جامع تعدادی حدیث از معصومین علیهم السلام است که خود از کتاب دیگری برگرفته نباشد، و بدون واسطه از امام علیه السلام یا از قول راوی از معصوم نقل شده باشد به کار می‌رود.

این سری از مکتوبات حدیثی پایه‌های اساسی معارف شیعه و مایه تألیف مهم‌ترین جوامع حدیثی شیعه به شمار رفته‌اند و قدمای اصحاب آنها را مأخذ اصلی و مرجع حقیقی روایات اهل بیت علیهم السلام می‌دانستند که نسبت به سایر کتب حدیثی از جایگاه ارجمند و ارزشی و ارزش والایی برخوردارند.

توضیح بیشتر در «پژوهشی در اصول اربع مأه و مصنفین آنها» از راقم سطور، و مقباس الهدایه، ج ۳، ص ۲۶؛ مستدرکات مقباس الهدایه، ج ۶، ص ۲۱۳؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۹؛ کتاب اصول الحدیث از عبدالهادی فضلی، ص ۴۸؛ مجله علوم حدیث، ش ۱۷، ص ۶۹؛ اتان گلبرگ، ترجمه کاظم رحمتی؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲.

[۱۸] (۳). کتاب تأسیس الشیعه توسط آقای ع. مشتاق عسکری محلاتی با عنوان «شیعه بنیان گذران فرهنگ اسلام» به فارسی ترجمه و به وسیله دار الکتب الاسلامیه منتشر شده است.

مؤلف، کتاب دیگری به نام الشیعه و فنون الاسلام دارد که مختصر کتاب قبلی است. (و اخیراً با تحقیق آقای سید مرتضی میرسجادی در قم تجدید چاپ شده است) و تاکنون دو ترجمه جداگانه به فارسی از آن وجود دارد. نیزنک: مختصر الکلام فی مؤلفی الشیعه من صدر الاسلام از سید شرف الدین عاملی و کتاب الشیعه الامامیه و نشأه العلوم الاسلامیه از دکتر علاءالدین سید امیر محمد قزوینی.

یکی از مجلدات این کتاب به فارسی ترجمه شده و فرزند برومند مؤلف بر کتاب مستدرکی نوشته که در بیروت به چاپ رسیده است.

[۱۹] (۴). اعیان الشیعه، تألیف سید الاعیان امین حسینی عاملی (ح ۱۲۸۳-۱۳۷۱) جامع تراجم بزرگان شیعه از صدر اول تا امروز است و اصحاب، تابعین، تابعین تابعین و علما اعم از روات، محدثین، قراء، مفسرین، فقها، حکما، متکلمین، منطقین، ریاضیدانان و نحویین را شامل است. ۵۶ جلد است.

درباره زندگی مؤلف توانای کتاب- که از مفاخر علماء ما است- نگارنده مقاله‌ای در مجله مشکوه نوشته است علاقه‌مندان مراجعه فرمایند.

[۲۰] (۵). فهرست کتاب‌های شیعه از صدر اسلام تا زمان تألیف است. تعداد کتاب‌هایی که با نام و نشان و ذکر مؤلف، در این فهرست بزرگ آمده بالغ بر ۶۸ هزار جلد کتاب می‌باشد. مؤلف (۲۵ ذی القعدة سال ۱۳۲۹ ق به تألیف آن پرداخته است). این اثر نفیس به اهتمام آقای محمد آصف فکرت، ترجمه و تلخیص شده و با عنوان «مصنفات شیعه» در دست انتشار است. انگیزه نگارش تأسیس الشیعه و الذریعه، کلام جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۲، ص ۱۴۴ بوده است. نیزنک: مقدمه الذریعه، ج ۱.

الذریعه مستدرک هم دارد.

[۲۱] (۶). شرح حال آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹) را در مجله نور علم آورده‌ایم. نیزنک: معارف الرجال، ۲، ص ۱۸۶؛ شیخ الباحتین آغا بزرگ الطهرانی از شهید عبدالرحیم محمد علی، شیخ آقا بزرگ تهرانی استاد محمد رضا حکیمی.

[۲۲] (۱). یکی از آثار علامه شیخ عبدالحسین امینی است که با عنوان «شهیدان راه فضیلت» به فارسی ترجمه شده و زندگینامه ۱۳۰ شهید عالم شیعه از قرن ۴ تا ۱۴ هجری است و مستدرکی نیز دارد که در گنجینه شهاب، دفتر چهارم، ۱۵۹ به بعد آمده است. این اثر در مقام رد شبهه موسی جار الله وهابی که گفته بود شیعه شهیدی در راه اسلام نداده است، نگاشته شد.

[۲۳] (۱). اگر خواسته باشید این گروه را بشناسید می‌توانید به طور نمونه به کتاب شیخ المضیره محمود ابوریه و کتاب ابوهریره اثر سید اشرف الدین عاملی رجوع نمایید..

[۲۴] (۲). نک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، مقدمه.

[۲۵] (۳). البروج: ۳.

[۲۶] (۱). اشاره به سوره احزاب، آیه ۴۵.

[۲۷] (۲). سوره هود، آیه ۱۰۴.

[۲۸] (۳). الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۱۶۰. [تفسیر الوسیط از واحدی (مخطوط، ۶۹ ق ۲۷۶)، ذیل آیه ۴۵ سوره احزاب، کشف الغمه، ۱، ص ۵۴۳، چاپ ایران و ۲، ص ۱۶۹، چاپ بیروت].

[۲۹] (۱). ابوالشهداء الحسین بن علی (علیه السلام)، عقاد، ص ۵۸..

[۳۰] (۲). نامبرده حافظ ابوالعباس بن عقده زیدی همدانی کوفی (م ۳۳۳ هـ) است.

[۳۱] (۳). نک: تاریخ الکوفه براقی، ص ۴۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۲؛ تاریخ الفقه الشیعی، ص ۳۵؛

الامام الصادق علیه السلام، از اسد حیدر، ج ۱، ص ۶۷؛ الارشاد، ۲۷۱.

[۳۲] (۱). جابر بن حیان - بر حسب آنچه در ترجمه و شرح زندگی او نوشته‌اند - هزار کتاب تألیف دارد که برخی از آنها در کتابخانه پاریس موجود است. [مؤلف محترم در اثر جداگانه به معرفی جابر بن حیان پرداخته است و بنده نیز کتابی با عنوان «جابر بن حیان پدر شیمی» تألیف کرده که در قم به چاپ رسیده است].

[۳۳] (۲). در سال ۳۶ هـ - ق امیر المؤمنین علیه السلام به کوفه منتقل شد. نک: الاخبار الطوال، ۱۵۲؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۰؛ طبری، ج ۳، ص ۱۰۲.

[۳۴] (۳). نامبرده حسن بن علی بن زیاد و شاء - از اصحاب امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ است - و سخن خود را درباره مسجد کوفه و درس امام صادق علیه السلام در آنجا برای ابن عیسی قمی نقل کرده است. نک: رجال نجاشی (ترجمه الوشاء)، ص ۳۱؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۶۱.

[۳۵] (۱). شیخ مفید (۳۳۶ یا ۳۳۸ - ۴۱۳ هـ) محمد بن محمد معروف به ابن معلم، بنیانگذار شیوه اجتهادی در فقه امامیه و از سرآمدان و فرهیختگان عرصه دانش کلامی و پدید آورنده آثار ماندگار در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است.

شیخ طوسی (ره) درباره وی گفته است: «او نزدیک به دویست تألیف دارد».

از سوی دانشمندان شیعه و سنی توثیق شده است.

[۳۶] (۲). نامبرده محدث نامی و فقیه مشهور شیعه محمد بن یعقوب بن اسحاق، معروف به کلینی (م ح ۳۲۹) است که نجاشی درباره‌اش می‌نویسد: او در عصر خود، شیخ و پیشوای شیعه درری بود و حدیث را از همه بیشتر ضبط کرده و بیش از همه مورد اعتماد است.

کلینی از محضر پنجاه استاد بهره برد و خود شاگردانی تربیت کرد. کلینی مؤلف نخستین کتاب از کتب اربعه شیعه می‌باشد همگان بر وثاقت و امانتداری وی اذعان دارند.

شرح حال شیخ در منابع رجالی و تاریخی بسیاری آمده است.

[۳۷] (۳). کتاب شریف کافی مهم‌ترین مرجع استنباطات فقهی و عقیدتی است که در هشت جلد تألیف شده است و مشتمل بر ۱۶۱۹۹ حدیث می‌باشد که نویسنده برای تألیف آن بیست سال وقت گذاشته است.

کافی سه بخش دارد: اصول، فروع، روضه. دانشمندان شیعه بر کافی شروح و حواشی چندی نگاشته‌اند. نک: الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۶-۲۸؛ مقدمه کافی، ۳۰ الی ۳۴.

[۳۸] (۴). نواب خاصه عبارتند از: ابوعمر، عثمان بن سعید عمروی، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمروی؛ ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمری.

خاندان نوبختی یکی از خانواده‌های اصیل ایرانی است که داخل اسلام شدند و به مذهب تشیع گرائیده‌اند و هم از جهت ترویج علوم، معارف و هم از حیث حمایت از دین و دفاع از مذهب موجب تقویت بنیه اسلام شدند.

درباره خاندان نوبختی نک: خاندان نوبختی عباس اقبال آشتیانی، انتشارات طهوری، تهران ۱۳۵۷ ش، و تاریخ تشیع، ج ۲، ص ۱۸۱ به بعد. آل نوبخت عباس اقبال، ترجمه به عربی علی هاشم اسدی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس. تاریخ علوم اسلامی، ص ۴۹.

[۳۹] (۵). شاپور بن اردشیر (۳۳۶ - ۴۱۶ هـ) دانشمند بزرگ و مردی با کفایت و درایت و وزیر کاردان و شایسته و شیعه مذهب بود. شاعران بسیاری مدحش کرده‌اند از جمله ابوالعلائی معری. نک: و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

[۴۰] (۶). این کتابخانه در محله شیعه نشین کرخ بغداد به گونه «بیت الحکمه» - که به وسیله هارون الرشید ساخته شده بود - در

سال ۳۸۳ ق احوادث شد نک: المنتظم، ج ۱۵، ص ۱۷۲.

محمد کرد علی کتاب های آن را بالغ برده هزار جلد از نفیس ترین آثار بر شمرده. نک: خطط الشام، ج ۶، ۱۸۵؛ کتاب و کتابخانه در اسلام از کاظم مدیرشانه چی، ص ۸۴ به بعد.

[۴۱] (۷). ابن مقله نامش محمد و کنیه اش ابوعلی است و از مشاهیر وزرا و خطاطان بوده، خط بدیع «نسخ» را اختراع کرده و شهرت فوق العاده ای دارد نیاکانش اهل فارس بودند شاعر گوید:

فصاحه سبحان و خط ابن مقله و حکمه لقمان و زهد ابن ادهم

لو اجتمعت فی المرء و المرء مفلس فلیس له قدر بمقدار درهم نک: الاعلام ۶/ ۲۷۳، ریحانه، ج ۸، ص ۲۲۷؛ معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۳۱۹؛ دهخدا، ۱، ص ۳۱۲؛ مجله الاستاذ، ۵، ص ۱۹۹ و ۱۹۷-۲۲۲؛ مقاله ابتسام مرهون الصفار، عنوان: ابن مقله و زیاده الخط العربی.

[۴۲] (۱). زعیم شیعه جعفری بنیانگذار حوزه نجف، شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (۳۸۵-۴۶۰) از ستارگان درخشان و یکی از بزرگ ترین فقها و مجتهدان شیعه است که در حدیث، فقه، اصول، تفسیر، کلام و رجال سرآمد روزگار بود و در طوس خراسان (در سال ۳۸۵ ق) دیده به جهان گشود، و در سال ۴۰۸ به عراق کوچ کرد و در آن سامان از درس شیخ مفید و سید مرتضی استفاده کرد و درخشید. بعد از سید مرتضی مشعلدار شیعه شد. کتاب های فراوانی در علوم مختلف (۵۰۰ جلد) به رشته تحریر در آورد و کرسی درس داشت. در علم و عمل جامع کمالات انسانی بوده است. دو کتاب از چهار کتاب معتبر و مهم شیعه که در استنباط احکام دین مأخذ و مرجع است، تألیف اوست. شیخ در سال ۴۲۵ ق در سن ۷۵ سالگی به رحمت ایزدی پیوست و بنابر وصیتش، در خانه اش به خاک سپرده شد. بعدها با تبدیل آن خانه به مسجد، مرکز تدریس و عبادت قرار گرفت.

[۴۳] (۲). علامه سید محمد غروی از قرن پنجم هجری تاکنون بیش از هزار و صد عالم و دانشمند نامی را که در نجف به تحصیل و تدریس مشغول بوده اند نام برده است نک: مع علماء النجف الاشرف، ج ۱ و ۲.

[۴۴] (۳). حوزه حله در سده ششم پر رونق بوده است.

[۴۵] (۴). حلب دومین شهر پرجمعیت سوریه است که امروز در شمال جمهوری سوریه واقع است و بارها از طرف سلسله های مختلف، مرکز حکومت بوده است.

[۴۶] (۱). نام این کتاب امل الامل فی علماء جبل عامل یا تذکره المتبحرین فی علماء المتأخرین اثر محمد علی عاملی معروف به شیخ حر عاملی است که در دوبخش تنظیم شده است: بخش اول

کتاب در بردارنده شرح زندگانی علمای جبل عامل، و بخش دوم آن به زندگی علمای غیر عاملی پس از شیخ طوسی اختصاص یافته است. تنی چند از رجالیان و محققان بر آن، «استدراک»، «تکمله»، «تتمیم» نگاشته اند که ما نام همه آنها را در کتاب «درآمدی بر منبع شناسی تراجم علمای شیعه» آورده ایم.

[۴۷] (۲). نک: خطط الشام، ج ۶، ص ۱۲۶؛ مکتبه النوری دمشق؛ تاریخ الشیعه؛ دائره المعارف الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱؛ امل الامل، ج ۱، ص ۱۳؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۵؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۲، ص ۳۸۳؛ جبل عامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۴؛ ابوذر الغفاری از شیخ محمد جواد آل فقیه، ص ۷۸.

[۴۸] (۳). در معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۹ مذکور است که در آوه کتابخانه ای وجود داشته که در دنیا از آن بزرگ تر نبوده است.

[۴۹] (۴). به گزارش کتاب النقص چندین مدرسه مهم در آوه وجود داشته است.

درباره تاریخ این شهر نک: مروری بر جغرافیای تاریخ آوه، مهد تشیع در ایران از محسن الویری، ص ۱۹۹؛ آوه دومین کانون تشیع در ایران از حسن جلالی عزیزیان.

[۵۰] (۵). اکنون تعداد طلاب مدارس مشهد به مراتب بیش از این رقم است. آمارهایی که در این نامه آمده است تقریبی است و مربوط به قبل از پیروزی کامل انقلاب اسلامی است. اکنون بحمد الله پس از سیزده سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد در اکثر یا هم شهرهای ایران و حتی در بعضی قصبات و روستاها، حوز علمیه تشکیل شده است. [افزود مؤلف محترم، برای چاپ اول کتاب، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۰ ش .

[۵۱] (۱). حوزه سیار یا مدرسه سیار سلطانی حوزه‌ای بود متحرکه در قرن هشتم هجری به فرمان الجایتو تأسیس گردید با لشکر سلطان محمد خدابنده در حرکت بود؛ زیر چادرها حلقه‌های درسی تشکیل می‌گردید و در هر مکان که سپاهیان سلطان اقامت داشتند این حوزه علمیه نیز مستقر می‌گردید. در این مدرسه سیار، علمای بزرگ چون شیخ جمال‌الدین حسن بن مطهر و نظام‌الدین عبدالملک و نورالدین تستری و عضدالدین آوجی و سیدبرهان‌الدین عبدی تدریس می‌کردند و طلاب در تحصیل علم کوشش می‌نمودند. نک: تاریخ الجایتو، ص ۱۰۸ از القاشانی؛ شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه، ص ۱۹۴ به بعد؛ دایره المعارف تشیع، ج ۶، ص ۵۷۷؛ تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اسلام، ص ۱۳۷؛ مجمع التواریخ، حافظ ابرو، ج ۳، ص ۲۳۷، نسخه ملک. علامه در آخر بعض مجلات تذکره الفضاء نوشته است کتبه بمدرسه السیاره بمراغه.

[۵۲] (۲). علاوه بر قری طرشت در خود شهر ری - چنان که در مجالس المؤمنین مذکور است - چند مدرس شیعی وجود داشته که حائز اهمیت بوده‌اند. [عبدالجلیل رازی در النقض، ص ۴۷، تعداد پانزده مدرسه شیعی را در ری نام برده است.]

[۵۳] (۳). دائرة المعارف دهخدا؛ دائرة المعارف فرید وجدی؛ المنجد فی الاعلام، واژه «فطم» و «زهر»؛ دول الشیعه فی التاریخ از محمد جواد مغنیه؛ آثار الشیعه الامامیه؛ همبستگی مذاهب اسلامی، ۳۸۹؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی، ص ۲، ۱۶، ۲۳.

[۵۴] (۴). گرچه معز فاطمی مردی دانشمند، خردمند، هوشیار، دانا و سخور و شجاع و عدالت گستر بود و به تدبیر و محکم کاری در امور دولتی معروف و شخصیتی فرهنگی دوست و ادب پرور (الکامل، ج ۸، ص ۷۴. فاطمیان درهر از عبدالله ناصری طاهری) اما دانشگاه الازهر را جوهر الصیقلی فرمانده لشکر یا کاتب خلیفه فاطمی در سال ۳۵۹ بنا کرد.

نک: الازهر فی الف عام از محمد عبدالمنعم خفاجه، ج ۱، ص ۱۵؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۷۷؛ تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اسلام، ص ۱۲۱.

[۵۵] (۵). ادريس دوم زمامدار نابعة شیعه شهر زیبای فاس را در سال ۱۹۳ احداث و پس از تکمیل

پایتخت کشور خود نمود. این شخصیت عالیقدر در سال ۲۱۳ در سن سی و شش سالگی بدرود زندگی گفت.

نک: دولت‌های شیعه در طول تاریخ؛ الشیعه و التشیع

درباره جامع قرویین در فاس. نک: تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، تألیف عبدالرحیم غنیمه، ترجمه دکتر نورالله کسایی، ص ۷۳.

[۵۶] (۶). ادريس، در سال ۲۱۴ هـ - وفات کرد..

[۵۷] (۱). حوز قم در عصر علی بن بابویه (متوفای ۳۲۹ هـ) به قدری وسعت و عظمت داشته است که از مجلسی اول در کتاب

لوامع صاحبقرانی، جلد اول، ص ۴۷۷ نقل شده است که: در عصر ابن بابویه دویست هزار نفر محدث در قم بوده‌اند ..

[۵۸] (۲). مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ هـ - ق) از بزرگان فقها و استاد مراجع تشیع

عصر ما به حساب می‌آمد. از شاگردان برجسته آیات عظام: سید محمد فشارکی و میرزا محمد تقی شیرازی و میرزای بزرگ شیرازی و آخوند خراسانی بود. در سال ۱۳۲۲ به قصد زیارت به شهر مقدس قم آمد و در آنجا به اصرار علما و فقها اقامت گزید و حوزه را تأسیس کرد.

در حوزه درس این مرجع عالیقدر و زعیم بزرگوار فقه‌های برجسته و عالمان و ارسه‌ای پرورش یافته‌اند که در کتاب «دست

پروردگان آیت الله مؤسس» نام آنان آمده است. ایشان آثاری چون درر الفوائد و الصلاة را تألیف و مراکز عام المنفعه ای بنیاد نهاد. آن بزرگمرد طبق نقل آیت الله سید احمد زنجانی در الکلام یجر الکلام، ۱۰۶ در کثرت علم و حدت ذهن / تیز فهمی و دقت نظر و قوه فکر و حسن تقریر، کم نظیر بود [پس از رحلت، در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن شد. نک: مجله نور علم، ش مقاله این بنده؛ آینه دانشوران، ۲۱-۴۲؛ گنجینه، ۱، ص ۲۸۱؛ آیت الله مؤسس؛ مکارم الآثار، ج ۶/ ۲۱۱۸؛ علماء معاصرین ۱۷۶/ ۱۷۸؛ معجم رجال الفكر و الادب فی النجف؛ ریحانة الادب، ح ۱، ص ۶۶].

[۵۹] (۳). آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (۱-۱۲۹۲-۱۳۸۰ ه- ق) در بروجرد به دنیا آمد. از هفت سالگی شروع به تحصیل کرد و در بروجرد و اصفهان و سرانجام در عتبات مراتب عالی تحصیل را گذراند و صاحب اجازه اجتهاد شد و به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تألیف کتاب پرداخت و پس از ارتحال آیت الله مؤسس، مرجع تقلید اهالی غرب و جنوب ایران و قسمتی از عراق و خراسان شناخته شد تا این که در سال ۱۳۶۴ از سوی علمای قم به حوزه قم دعوت شد و اداره حوزه را عهده دار و استاد فقها و مجتهدین شد. او در فقاہت مبتکر شیوه‌ای جدید در رجال و حدیث، صاحب سبک بود و مرجع عام شیعه شد. آثار وی به ده‌ها مسجد، مدرسه، کتابخانه، حسینی و حمام سر می‌زند.

ایشان پس از عمری با برکت بدرود حیات گفت و در مسجد اعظم که خود بانی آن بود دفن شد. و السلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً و حشره الله مع اجداده الطاهرين.

نک: آئینه دانشوران، ص ۷۴؛ زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقي، ص ۱۶۰؛ چشم و چراغ مرجعیت؛ اختران تابناک ۱۹۲؛ اجازه کبیره، ۵۱؛ شکوه فقاہت؛ مجله نور علم، ش ۱۲، مقاله نگارنده؛ الگوی زعامت؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۹۶؛ حوزه ش ۴۴-۴۳.

[۶۰] (۴). آیت الله سید محمد حجت کوهکمری (۱۳۰۱ یا ۱۳۱۰-۱۳۷۲) از علمای برجسته و از

شاگردان حضرات آیات سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی، سید محمد فیروز آبادی، سید ابوتراب خوانساری و دیگران بود که در سال ۱۳۴۹ ق پس از بازگشت از نجف در قم رحل اقامت افکند و ضمن حضور در درس آیت الله مؤسس، خود به تدریس می‌پرداخت و شاگردانی مبرز تربیت کرد و همواره مورد توجه آیت الله مؤسس بود.

او مؤسس مسجد و مدرسه مبارکه حجتیه است. و پس از ارتحال طبق وصیت در مدرسه حجتیه به خاک سپرده شد.

نک: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۳، ص ۸۲-۸۱؛ مجله نور علم، ش ۱۰، ص ۸۵؛ آئینه دانشوران، ص ۱۶۹؛ دانشوران قم، ص ۱۴۶.

- آیت الله سید صدر الدین صدر (۱۲۹۹ ق- ۱۳۷۳ ق) از شاگردان آخوند خراسانی و از مراجع بزرگوار تقلید و استاتید حوزه و نویسنده و شاعر بود که به دعوت آیت الله مؤسس برای تقویت حوزه تازه تأسیس قم از مشهد مقدس به قم رفت و در شهر جهاد و اجتهاد به تدریس و تألیف پرداخت. از او کتاب‌های ارزشمندی بر جای مانده است. پس از رحلت در روضه منوره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن گردید. نک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۲۶؛ آئینه دانشوران، ص ۱۶۵؛ مجله نور علم، ش ۷؛ مفاخر اسلام، ج ۱۳، ص ۷۹.

- مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ ق) از علمای پارسا و اساتید حوزه قم بود که نزد آیات عظام آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی کسب فیض کرد و در جنگ یا استعمار بریتانیا شرکت داشت و به اسارت گرفته شد و پس از آزادی در سال ۱۳۳۷ بنا به پیشنهاد آیت الله مؤسس به قم رفت و در آن سامان به تدریس و تألیف پرداخت و یکی از مراجع تقلید شیعه بود. وی در ملی شدن صنعت نفت، نقش عمده‌ای داشت و در انتخابات مجلس در سنه ۱۳۷۱ و مبارزه علیه کشف حجاب نیز حضور داشته است. نماز باران ایشان معروف است. نک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۶؛ آئینه دانشوران، ص ۱۶۸؛

جغرافیای خوانسار، ص ۲۱۶؛ نماز باران و برپاکنندگان آن؛ سید محمد

تقی خوانساری، بر چشمه ساران. مجله نور علم، ش ۶، ص ۹۸ مقاله این بنده.

[۶۱] (۱). منتخب الاثر، ص ۴۴۳. [بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳].

[۶۲] (۱). کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة تألیف علامه متبوع محمد محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی (۲۹۲-۱۳۸۹) فهرست

آثار نوشته شده توسط طائفه حقه مذهب شیعه در طول چهارده قرن تاریخ اسلام است. سال شروع کتاب، ذی قعدة سال ۱۳۲۹ ق است. این اثر ارجمند به روش الفبایی تدوین یافته و ۲۵ جزء در ۲۸ مجلد (جزء ۹ در ۴ مجلد) را در بر می گیرد.

توضیح بیشتر در کتاب «در آمدی بر زندگینامه نویسی و تراجم نگاشته ها» آمده است.

[۶۳] (۲). طبقات اعلام الشیعه از قرن چهاردهم شروع و به طور قهقری به قرن چهارم که نوابغ الرواه نام دارد ختم و برای هر قرن

مجلدی جداگانه و نام مخصوصی گذاشته است.

درباره آن نک: زندگی و آثار آقا بزرگ تهرانی از سید محمد حسین حسینی جلالی و آئینه تلاش (در آمدی بر منبع شناسی تراجم علمای شیعه) از بنده نگارنده.

معجم اعلام الشیعه علامه سید عبدالعزیز طباطبایی استدراکی است بر کتاب طبقات اعلام الشیعه که به صورت الفبایی تنظیم شده است (نه طبقاتی)

[۶۴] (۳). الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعه، تألیف مرحوم سید علی خان صدر فرزند سید نظام الدین احمد (۱۰۵۲ م. ۱۱۲ هـ-)

نویسنده کتاب سلافه و طراز اللغة و شرح صحیفه و انوار الربیع و شرح صمدیه و کتاب های پر ارزش دیگر است.

[۶۵] (۴). در علم رجال بحث از احوال افرادی است که در سند احادیث واقع شدند یعنی باید دید ثقه هستند یا نه (و دیگر احوال

روایی) و در تراجم بحث از احوال شخصیات علماء و غیر علماء است چه اینکه اینان از روات باشند یا نه.

[۶۶] (۵). نهج البلاغه را مرحوم شریف رضی در قرن چهارم گردآورده و در سه بخش خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار امیر

المؤمنین علیه السلام تنظیم کرده است. برای نهج البلاغه مستدرکاتی فراهم آمده است.

درباره نهج البلاغه شرح ها و مؤلف و الامقام آن، کتاب شناسی های سودمندی سامان یافته است از جمله: کتابنامه نهج البلاغه، رضا

استادی، نهج البلاغه فی شروحه و ترجمانه، حسین جمعه که در کتاب اخیر از ۲۱۰ شرح بر نهج البلاغه یاد کرده است.

[۶۷] (۶). صحیفه مبارکه سجاده شامل ۵۴ دعای دلنشین از امام زین العابدین علیه السلام است. مرحوم علامه متبوع شیخ آقا بزرگ

تهرانی در «الذریعة» حدود پنجاه شرح- غیر از ترجمه ها- بر صحیفه سجاده را نام برده است. الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۴۵-۳۹۶؛ نیز

نک: الصحیفه السجادیة، تقدیم سید محمد حسین حسینی جلالی؛ کتابنامه صحیفه سجاده، حسین درگاهی.

صحیفه سجاده معروف مستدرکاتی دارد. نک: نسخه های خطی، شروح و ترجمه های صحیفه سجاده، ص ۱۶ به بعد. اخیراً تمام

ادعیه امام سجاد به وسیله آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحی در یک جلد گردآوری شده و با نام «الصحیفه السجادیة الجامعة»

منتشر شده و مجموعه ادعیه آن بر ۲۷۰ دعا بالغ می باشد.

[۶۸] (۷). برای اطلاع از تفاسیر نگاشته شده شیعیان، نک: الذریعة، ج ۴، ص ۲۳۱ به بعد؛ تفسیر و تفاسیر شیعه از عبدالحسین

شهیدی صالحی؛ سیر تطور تفاسیر شیعه از سید محمد علی ایازی؛ تفسیر شیعه نویسان آن مکتب، رجبعلی مظلومی، طبقات مفسران

شیعه، عقیقی بخشایشی.

[۶۹] (۸). نک: تاریخ الفقه الاسلامی وادواره، از استاد آیت الله سبحانی، چاپ دار الاضواء بیروت؛ تاریخ الفقه الجعفری از سید

هاشم معروف الحسنی؛ مقدمه فی تاریخ الفقه الاسلامی آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی (در مقدمه اللمعة الدمشقیة چاپ شده

است.

[۷۰] (۱). برای اطلاع نک: معجم التراث الکلامی زیر نظر استاد سبحانی.

[۷۱] (۲). برای اطلاع نک: تاریخ نگاران شیعه علی امامی فر؛ معجم مؤرخ شیعه، صائب عبدالحمید؛ مأخذ شناسی توصیفی تاریخ تشیع امامیه در ایران، حسن حضرتی.

[۷۲] (۳). در الذریعه تنها در کلمه تاریخ از ۳۳۰ کتاب تاریخ نام برده است..

[۷۳] (۴). برای اطلاع نک: کتاب شناسی اصول فقه شیعه از مهریزی، و کتاب شناسی کتب درسی حوزه و دانشنامه اصولیان شیعه از محمد رضا ضمیری.

[۷۴] (۵). برای اطلاع نک: مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال از بحاث بزرگ آیت الله آقا بزرگ تهرانی؛ و مأخذ شناسی رجال شیعه از رسول طلائیان، فرهنگ تراجم نگاران از بنده حقیر؛ باز شناسی منابع اصلی رجال شیعه، محمد کاظم رحمان ستایش، محمد رضا جدیدی نژاد؛ آشنایی با کتب رجال شیعه از محمد کاظم رحمان ستایش.

[۷۵] (۱). برای اطلاع نک: مشاهیر شعراء الشیعه از عبدالحسین شبستری (۵ جلد)؛ الطلیعه من شعراء الشیعه، شیخ محمد سماوی.

[۷۶] (۲). برای اطلاع نک: فرهنگ کتب حدیثی شیعه از سید محمود مدنی بجستانی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، پژوهشی درباره اصول اربعه.

[۷۷] (۳). برای اطلاع نک: کتاب شناخت اخلاق اسلامی از جمعی از نویسندگان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اخلاق، عرفان ... بهروز رفیعی.

[۷۸] (۴). نک: کتاب شناسی نیایش به کوشش سید رضا باقریان موحد.

[۷۹] (۵). نک: نقد و بررسی منابع سیره نبوی جمعی از مؤمنان، کتاب شناسی پیامبر صلی الله علیه و آله، پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا) با مشارکت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی.

[۸۰] (۱). برای اطلاع در مورد «علم قراءت قرآن» نیز نک: مجمع البیان- ذیل عنوان «القرأة الحجة»

پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، ج ۲؛ سیر تاریخی قرأت القراءات القرآنیة دکتر عبدالهادی فضل، این کتاب با عنوان مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم توسط سید محمد باقر حجتی ترجمه و تحریر و به وسیله انتشارات اسوه منتشر شده است. حقایق مهم پیرامون قرآن کریم، ۱۳۹؛ علوم قرآن استاد معرفت، ص ۱۸۱.

[۸۱] (۲). در آیات الاحکام تاکنون اثرات ارزشمندی به وسیله مفسران و فقهای شیعه عرضه شده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه سی اثر از مؤلفان شیعه را نام برده است. الذریعه، ج ۱، ص ۴۰. و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی در مقدمه خود در کتاب مسالک الافهام الی آیات الاحکام تألیف فاضل جواد بیست و نه اثر از فقها و مفسران شیعه که به اضافه خود مسالک به سی اثر، بالغ می شود ذکر کرده است. نک: مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۰.

[۸۲] (۳). نیز نک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری.

[۸۳] (۱). منتهی المقال، ص ۱۰۸ به نقل از مجمع البحرين، الفوائد الرضویه، با تحقیق باقری بیدهندی، ج ۱، ص ۲۲۴.

[۸۴] (۱). آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (۱۳۱۶ ق ۱۳۷۲ ش) از شاگردان برجسته آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و از مراجع تقلید و مدرسان حوزه و از استوانه های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بود.

در مورد آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) نک: نوری از ملکوت؛ دانشمندان گلپایگان؛ آثار الحجة،

ص ۷۱؛ آئینه دانشوران، ۱۹۷؛ خورشید آسمان فقاقت و مرجعیت؛ اختران فقاقت، ج ۲، ص ۱۰۹۹؛ و مسند نشین فقه و فقاقت.

و درباره مدارس پر برکت ایشان بنگرید: تاریخچه مدارس دینی در جمهوری اسلامی ایران.

[۸۵] (۲). اغد عالماً او متعلماً... (منیة المرید، ص ۲۶)..

[۸۶] (۱). نک: مقدمه ابن خلدون، ص ۱۲۸؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، ص ۳۷۱، چاپ تهران علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

[۸۷] (۲). مانند سلمان فارسی، اباذر غفاری، مقداد بن اسود، جابر بن عبدالله، ابی بن کعب، عمار. گفتنی است در کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأئمه، ط ۳، نجف، ص ۱۷۷-۱۹۲ اسامی ۲۵۰ نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله که همگی شیعه بودند آمده است. نیز نک: هویت التشیع از دکتر وائلی ۳۴؛ و شخصیت‌های اسلامی شیعه بحث‌های استاد جعفر سبحانی، نگارش و تحقیق مهدی پیشوایی. نک: تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۴؛ خطط الشام، ج ۵، ص ۲۵۱؛ النظم الاسلامیه ۹۶؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۶۵۸.

[۸۸] (۱) نصوص تاریخی و روایی که در توصیف گروهی به عنوان شیعه از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد گشته در منابع بسیاری آمده از باب نمونه نک:

الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹ در تفسیر آیه ۷ سوره بینه، ترجمه الامام علی علیه السلام از تاریخ ابن عساکر، ج ۲، ص ۴۴۲، ح ۹۱۸؛ چ بیروت، ینابیع الموده، چهار جلدی، ج ۳، ص ۱۹۷؛ شواهد التنزیل، ۲/ ۳۶۲، ح ۱۳۹؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۴۵۲؛ کفایه الطالب ۲۴۴ باب ۶۲؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۱۸؛ غایه المرام، ۳۲۷، باب ۲۷ ح ۱۰؛ تفسیر روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۰۷؛ تفسیر جامع البیان طبری، ج ۳۰، ص ۲۶۵؛ الصواعق المحرقة، چاپ قاهره، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹، ۱۵۹؛ تاریخ الشیعه مظفر، ص ۸-۹؛ شیعه در اسلام، ۲۹؛ اصل الشیعه و اصولها، ص ۷۷-۹، تذکره خواص الامه، چاپ نجف، ص ۵۹؛ کنوز الحقائق، ص ۱۸۸ و ۹۲؛ میزان الاعتدال؛ المناقب خوارزمی، ص ۲۲۸؛ بصائر الدرجات، ص ۸۴ الی ۸۶؛ امالی صدوق، ص ۶۶، چاپ مؤسسه بعثت؛ بشاره المصطفی، چاپ دوم نجف، ص ۱۸۲ و ۱۵۵ و ۱۴؛ بحار، ج ۶۵، ص ۴۱؛ الخصال، ص ۴۰۲، چاپ غفاری؛ تفسیر فرات کوفی، چاپ نجف، ص ۱۱۵ و ۸۷ و ۱۲۸؛ کتاب المحتضر (به نقل از بحار ۲۵، ص ۴)؛ کتاب الیقین ابن طاووس، ص ۱۷۱، چاپ نجف، ۱۳۶۹ ق؛ مناقب ابن شهر آشوب، چاپ چهار جلدی، قم، جلد ۲، ص ۱۶۲؛ مجالس مفید، چاپ جامعه مدرسین، ص ۷۷.

[۸۹] (۲). سوره شعراء، آیه ۲۱۴..

[۹۰] (۱). نمونه را نک: امام امیر المؤمنین علیه السلام از دیدگاه خلفا؛ اگر علی علیه السلام نبود؛ پرتوی از بیکران علم علی علیه السلام؛ مرجعیت دینی اهل بیت و پاسخ به شبهات؛ خاتمیت و ولایت، نشر سمپار، مقاله مرجعیت علمی امامان معصوم علیه السلام از آیت الله سبحانی.

[۹۱] (۲). تحصیل علم برای برخی از واجبات عینی به شمار می آید.

[۹۲] (۳). انتشار مجلات اسلامی در شیعه نیز با سابقه است و آنچه اطلاع دارم در عراق، لبنان، ایران، هند، پاکستان و کویت، مجلات و نشریات ارزنده‌ای منتشر شده است که تعدادی از آنها در حال حاضر هم مشغول خدمت هستند..

[۹۳] (۱). نک: تاریخچه حوزه‌ها و مرجعیت شیعه؛ آفاق اسلام؛ حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، سید علی رضا سید کباری، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام.

[۹۴] (۱). نامبرده مصطفی کمال پاشا، آتاتورک (۱۸۸۱ م- ۱۹۳۸ م) سیاستمدار و نخستین رئیس جمهوری ترک (۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ م) و بنیانگذار ترکیه جدید است.

[۹۵] (۱). سپاس خدای را که اکنون ما شاهد فروپاشی نظام کمونیستی می‌باشیم و برادران مسلمان ما از یوغ الحاد و استبداد حکومت کمونیست شوروی پس از هفتاد سال آزاد شده و چند کشور اسلامی جدید در عرصه کشورهای اسلامی مستقل پا برجا

شده‌اند و نام نجس، نحس و پلید اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی از صفحه جغرافیای جهان محو و نابود شد. در این میان گرچه کمونیست‌ها در این کشورها تلاش می‌کنند حکومت را در دست خود نگاه دارند و از حاکمیت احکام اسلام جلوگیری می‌نمایند، اما امیدواریم که آنها نیز به همان سرنوشت کشور ما در کمونیسم گرفتار و حکومت اسلام در تمامی این کشورها برقرار گردد..

[۹۶] (۱). متأسفانه رژیم، نیم قرن که در ایران مسلط بود و در تغییر شخصیت‌های اسلامی مملکت و استعماری کردن همه چیز آن تلاش می‌کرد، علاوه بر آن که سالها اکثر حوزه‌ها و مدارس را در ایران بست و از تبلیغ معارف اسلام جلوگیری نمود، تعدادی از مدارس مهم کشور را در مشهد و تهران و بعضی شهرهای دیگر یا بکلی خراب نمود یا تبدیل به مؤسسات حکومتی کرد، که از جمله مدرسه قدیمی و بسیار زیبای گلپایگان را که مشتمل بر آثار هنری مهمی بود بالمزّه خراب نمود و در این چند سال اخیر نیز به دست ولیان که به اسم نیابت آستان قدس و استاندار، او را مسلط بر استان خراسان نمود، چند مدرسه مهم را که در شهر مقدس مشهد بود خراب نمودند و مدرسه عظیم «میرزا جعفر» و کتابخانه آن را به وضعی در آوردند که هر با وجدانی را غرق تأسف می‌نماید. باید حمد و سپاس خدا را بجا آوریم و شکر گزار باشیم که از برکت انقلاب اسلامی مدرسه میرزا جعفر و مدارس اطراف آن به صورت بسیار با شکوه و کم نظیری باز سازی و آماده استفاده طلاب و مدرّسین و تشکیل یکی از بزرگترین مجامع علمی عالم اسلام شده است. و الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لو لا ان هدانا الله ..

[۹۷] (۱). اکنون در حال طبع اول این کتاب از برکت انقلاب اسلامی ایران تنها در حوز قم شاید تعداد طلاب، متجاوز از سی هزار نفر باشد و علاوه بر مدرّسی که بود مدارس باشکوه و پر وسعت دیگر و کتابخانه‌های مهم تأسیس شده است. همچنین در سایر شهرها به همین نسبت حوزه‌ها توسعه و گسترش یافته است..

[۹۸] (۱). نظامیه مدرسه‌هایی با شکوه بود که در اواسط قرن پنجم توسط نظام الملک (م: ۴۸۵ هـ-) وزیر آلب ارسلان (م ۴۴۵ هـ-) و ملک‌شاه سلجوقی در بغداد، نیشابور و موصل و بصره و اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر ساخته شد و پس از او به نام «نظامیه» خوانده شدند.

بعد از جامع الازهر بزرگ‌ترین مدرسه اسلامی که به تمام معنا آن را می‌توان دانشگاه اسلامی نامید، مدرسه نظامیه بغداد بود که خواجه نزدیک به شصت هزار دینار صرف بنای آن کرد و علمای بزرگ به تدریس در آنجا اشتغال داشتند.

تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۰۰ و ۲۸۱؛ مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن از دکتر نور الله کسائی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر؛ تاریخ علوم اسلامی از جلال الدین همایی، ص ۳۸ به بعد؛ تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اسلام، ص ۱۲۳ به بعد.

[۹۹] (۲). ابو حنیفه دو سال نزد امام صادق علیه‌السلام شاگردی کرد و به این شاگردی افتخار می‌کند. نک: مختصر التحفه الاثنی عشریه از آلوسی، مکتبه ایشیق استامبول، ۱۳۹۹ هـ. ق، ص ۸.

و در سخن کوتاهی در توصیف استادش می‌گوید: ما رأیت افقه من جعفر بن محمد؛ من فقیه‌تر از جعفر بن محمد علیه‌السلام ندیدم! نک: تذکره الحفاظ ذهبی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ سیر اعلام النبلاء، دارالنشر سال ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۵۷.

و مالک بن انس نیز سخن زیبایی درباره استاد خود امام جعفر صادق علیه‌السلام دارد که در این منابع آمده است: تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴ (مطابق نقل اسد حیدر در کتاب الامام الصادق علیه‌السلام، ج ۱، ص ۵۳؛ بحار، ص ۲۸. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۷۲).

و درباره پیشوایان علم و حدیث عامه که از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کنند. نک: الصواعق المحرقة، ص ۲۰۱.

[۱۰۰] (۱). نک: مستبصرون، سید مصلح الدین مهدوی، المتحولون، هشام آل قطیط، چاپ دار المحجّه البیضاء؛ لماذا اخترنا مذهب، ترجمه محمد محمد اشتهاردی؛ موسوعه من حیاة المستبصرین، چاپ مرکز الأبحاث العقائدیّه.

[۱۰۱] (۲). مرجع اعلای عالم تسنن، یکی از بنیانگذاران فقه تطبیقی در دانشگاه الازهر و شخصیت

اصلاحی قرن حاضر، شیخ محمود شلتوت (۱۳۱۰ ق - ۱۳۸۳ هـ) از علمای آزاد اندیش و شجاع است که درباره شخصیت و آثارش کتاب‌ها و مقالاتی در دست است از جمله: مشعل اتحاد، ص ۱۳۰ (پیشوایان تقریب، تنظیم معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب؛ مجله الاخاء العربیه، ش ۴، ص ۴۵)؛ سیمای فرزندگان آیت الله سبحانی، ج ۲، ص ۵۷۱.

متن این فتوای شجاعانه که اولین فتوای یک عالم بزرگ اسلامی پیرامون رسمیت همه مذهب اسلامی است در کتاب‌های زیر آمده است:

همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۴۵؛ شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۸۰؛ تعدد مذاهب از دیدگاه فقها و اندیشمندان مسلمان، گردآوری و ترجمه سید جلال میرآقایی، ص ۱۴۸؛ مشعل اتحاد، ص ۱۳۲؛ رساله الاسلام، سال ۱۱ ش م؛ اسلامنا، ص ۵۹؛ تتمه المراجعات، ص ۱۱۲؛ سیری در تعالیم اسلام از محمود شلتوت، ترجمه خلیلیان، مقدمه ص ۷۱۶.

[۱۰۲] (۳). عبارت او این است: ان مذهب الجعفریة المعروف بمذهب الشيعة الامامية يجوز التعبد به شرعاً كسائر مذاهب اهل السنة فينبغي ان يعرفوا ذلك و أن يتخلصوا من العصبية بغير الحق؛ مذهب جعفری، معروف به مذهب شیعه امامیه، مذهبی است که تعبد به آن شرعاً جایز است، همانند مذهب اهل سنت، لذا سزاوار است بر مسلمانان که آن را شناخته و از تعقیب به ناحق نسبت به مذهبی معین خلاصی یابند. این فتوا مورد توجه دیگر دانشوران عامه قرار گرفته و آن را تأیید کرده‌اند از جمله: دکتر محمد فحام نک: فی سبیل الوحدة الاسلامیة، ص ۶۴؛ شیخ محمد غزالی. نک: دفاع عن العقيدة والشریعة، ص ۲۵۷. عبدالرحمن بخار. نک: فی سبیل الله الوحدة الاسلامیة، ص ۶۶؛ تقریب مذاهب، از نظر تا عمل، ص ۵۳.

[۱۰۳] (۴). محمد بن عبدالوهاب احیاگر اندیشه‌های ابن تیمیه و پیشوای مذهب وهابی در سال ۱۱۱۱ هـ - تولد یافت در ۱۲۰۷ وفات کرد. برای تحصیل علم به بصره، شام، حجاز و ایران مسافرت کرد و پس از آن به «نجد» بازگشت و به اظهار عقاید سخیف و خرافی خود پرداخت و مسلک خود را که به عنوان «وهابیت» نام گرفت، رواج داد. محمد بن سعود جد اعلای پادشاهان سعودی احساس کرد می‌تواند از وجود او برای توسعه قلمرو خود کمک گیرد و از این روی: خدنگ مارکش با مار شد جفت. برای آگاهی بیشتر از تاریخ پر ماجرا و عقاید وهابیت می‌توانید به کتاب‌هایی که در چهار شماره مجله مکتب اسلام سال ۲۹، شماره ۱۴ تا ۴ معرفی کرده‌ایم مراجعه فرمایید.

[۱۰۴] (۵). محمد بن سعود (م ۱۱۷۹ هـ - ق) در سال ۱۱۵۷ با هیأت اعزامی محمد بن عبد الوهاب در «درعیه» مذاکره کرد و با وی پیمان بست که در راه اصلاحات دینی بر شیوه وی صمیمانه بکوشد. این پیوستگی و احترام و عقیده بعدها در فرزندان و جانشینان محمد بن سعود، یعنی عبدالعزیز و سعود ادامه یافت.

[۱۰۵] (۱). حدیث معروف ثقلین حدیثی است مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی - اعم از شیعه و سنی - که طرق زیادی دارد و آن را بیش از بیست تن از صحابه نقل کرده‌اند. از روایات استفاده می‌شود

که رسول خدا صلی الله علیه و آله نه یک بار بلکه چندین بار در مواقع مختلف حدیث شریف ثقلین را تکرار فرموده‌اند.

[۱۰۶] (۲). صلاح الدین یوسف بن ایوب. وی شافعی و اشعری بود و متعصب. در سال ۵۶۴ هـ - وارد مصر گردید و پس از درگذشت عاضد، به سال ۵۶۷ هـ - حکومت آنجا را به دست گرفت و سراغ گروه‌های شیعی رفت تا شیعه را از کشور محو گرداند. وی کتابخانه‌های نفیس دار الحکمه و دار العلم را به آتش کشید و جامع الازهر را بست.

الخطط، ج ۲، ص ۳۹؛ نجوم الزاهره، ج ۵، ص ۳۳۴؛ و ج ۳، ص ۱۵۰؛ دولت ایوبیان از محمد سهیل طقویش، ص ۳۴؛ الشيعة و الحاکمون؛ دولت‌های شیعه در طول تاریخ، ۸۷-۸۶؛ الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۱۵.

[۱۰۷] (۳). ایشان نعمان بن ابی عبدالله، محمد بن منصور بن احمد، فقیه و دانشمندی بزرگ بود و از طبع شعر نیز برخوردار بود. کتاب قصیده ذات المحن او منظومه‌ای بود که راجع به بیدادگری‌های ابویزید مخلد بن کی داد گفته شده است. کتاب‌های چندی

تألیف کرد و در زمان عزیز، دومین خلیفه فاطمی مصر، منصب قضاوت داشت.

نک: و فیات الاعیان ۵، ص ۴۸، ش ۷۳۷؛ اخبار قضاء مصر، شیعه در مصر؛ الفوائد الرضویه، با تحقیق نگارنده، ج ۲، ص ۱۰۵۷. [۱۰۸] (۱). مانند مشهد رأس الحسین علیه السلام به نام مسجد امام حسین علیه السلام و حرم حضرت زینب دختر امام علی علیه السلام، بانو نفیسه و بارگاه‌های مالک اشتر، محمد بن ابی بکر، سرزید بن علی، رأس الحسین علیه السلام و نک: آل البيت فی مصر؛ مراقد اهل البيت فی القاهرة؛ مساجد مصر و أولیائوها الصالحون دکتر سعاد ماهر، اهل البيت فی مصر، سید هادی خسروشاهی، تحقیق شوقی محمد، چاپ مجمع جهانی تقریب. [۱۰۹] (۱). برای اطلاع از سبک آموزش و پرورش شیعی و آداب و حقوقی را که معلمان متعلمان مراعات می‌کردند به کتاب: «آداب المتعلمین» منسوب به خواجه نصیر الدین طوسی و کتاب «منیة المرید» مراجعه فرماید ..

[۱۱۰] (۱). رضا خان (۱۲۵۶ خ / ۱۲۹۵ هـ - تا ۱۳۲۳) سرسلسه رژیم غیر مردمی و دست نشانده پنجاه و سه ساله پهلوی در ایران بود که با یاری و پشتیبانی بریتانیا بر سر کار آمد و مدت شانزده سال کشور ایران را در ظلمت استبدادی شگرف و هراس انگیز فرو برد. برای آگاهی از شرح احوال و کرده‌هایش نگرسته شود به:

کلمه الحق یا تاریخچه منظوم دوره منحوس رضاخان پهلوی اثر طبع آیت الله آقای آخوند ملا محمد جواد صافی؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ حکم می‌کنم؛ تدوین علیرضا کمره‌ای همدانی، چالش‌های روحانیت با رضا شاه اثر داود امینی. با سرنگونی محمد رضا پهلوی و آخرین پادشاه سلطه پهلوی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ هجری شمسی، به وسیله قیام معجزه آسا و انقلاب اسلامی بساط حکومت شاهی برچیده شد.

[۱۱۱] (۱). زندگی آیت الله العظمی حاج سید عبدالحسین شرف الدین عاملی را در مجله نور علم، دوره سوم شماره ۸، ص ۱۲۰ به بعد آورده‌ایم. نیز نک: علمای مجاهد، ۲۵۶؛ شرف‌الدین؛ دایرة المعارف تشیع، ۹، ص ۶۵۶-۵۶۳ و مقدمه آثار ارزنده ایشان.

[۱۱۲] (۲). آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی (۱۲۷۰-۱۳۳۸ هـ) از فقها و مراجع بزرگ شیعه و ادیب و شاعر و زاهد و دارای آثار ارزشمند که بعد از وفات آیت الله سید محمد کاظم یزدی مرجعیت مطلق به او رسید و در انقلاب ۱۹۲۰ م عراق، علیه سلطه انگلستان نقش اساسی داشت و این کشور را از حلقوم آنان بیرون کشید. برای آگاهی بیشتر به مراجع زیر مراجعه شود: ریحانة الادب، ۴، ص ۱۲۳؛ نباء البشر، ۲۶۱/ ش ۵۶۱؛ احسن الودیعة، ص ۱۷۳.

[۱۱۳] (۳). نک: کتاب انقلاب ۱۹۲۰ عراق، دکتر صادقی، نهضت روحانیون ایران، چاپ جدید، ج ۱، ص ۱۷۲؛ علمای مجاهد، ۴۹۱؛ تاریخ حرکت اسلامی در عراق، به بعد، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ۶۵ به بعد؛ میرزا محمد تقی شیرازی سرورش استقلال؛ رسائل و فتاوی جهادی، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶؛ ریحانة الادب، ۶، ۶۵-۶۶؛ معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۱۷؛ اعیان الشیعه، ۹، ص ۱۹۲؛ علمای معاصرین، ۱۲۱؛ معجم رجال الفكر و الادب فی النجف، ۲، ص ۷۷۸. المرجعية و مواقفها السیاسی فی مدرسة اهل البيت علیهم السلام از سید محمد غروی.

[۱۱۴] (۴). آیت الله العظمی حاج میرزا محمد حسن شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ هـ) معروف به میرزای بزرگ و میرزای اول. از فقهای برجسته و مراجع تقلید مجاهد و با نفوذ ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری و از مشهورترین شاگردان شیخ انصاری بود که پس از وفات شیخ در سال ۱۲۸۱ ق زعامت حوزه علمیه و مرجعیت به او واگذار شد. کسی که با حکم تحریم تنباکو انگلیس را شکست داد و انحصاری که از طرف ناصرالدین شاه به یک شرکت خارجی (رژی) داده شده بود، لغو شد و دست اجانب از ایران کوتاه گردید. قیام تنباکو نخستین حرکت سیاسی و اجتماعی مهم در عصر قاجار بود.

درباره او نک: معارف الرجال، ص ۲۳۳-۲۳۸؛ ریحانة الادب، ج ۲، ص ۶۶-۶۸؛ علمای معاصرین، ص ۴۶-۴۸؛ احسن الودیعة،

۱۲۹-۱۳۱؛ المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ الفوائد الرضویة؛ نقباء البشر، ص ۴۳۱/ س ۸۶۵ و هدیة الرازی الی المجدد الشیرازی تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی در شرح حال او و بیش از ۳۵۰ تن از شاگردان و اصحاب و نزدیکان او است. اعیان الشیعه، ۵، ص ۳۰۴؛ الکنی و الالقاب، ۳، ص ۲۲۲.

[۱۱۵] (۵). نک: نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۸۹ و چاپ جدید، ص ۱۵؛ تحریم تنباکو از ابراهیم تیموری، و تحریم تنباکو ترجمه زنجانی؛ تحریم تنباکو و مشروطیت از غلامعلی عباسی؛ تحریم تنباکو در ایران، نوشته نیکی نکدی؛ علمای مجاهد، ۴۹۶؛ تاریخ جنبش اسلامی در عراق، (۱۹۰۰-۱۹۲۴ م) ۱۰۲ و ۱۰۳. ترجمه شاهرخ قائم مقامی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر از مرتضی مطهری.

[۱۱۶] (۶). نامبرده «از رهبران جنبش جهاد علما پس از یورش متجاوزان انگلیسی به عراق به شمار می‌آید و فرماندهی یکی از محورهای عملیاتی را بر عهده داشت و با صدور حکم جهاد بر ضد نیروهای اشغالگر بر وجوب همراهی با حاکمیت اسلامی در بیرون راندن کافران از سرزمین‌های اسلامی تأکید ورزید و در این راه به بسیج مردم و عشایر پرداخت و در منطقه شعبیه با ارتش متجاوز انگلیس به جنگ پرداخت» احیاگر حوزه نجف، ص ۶۴.

زندگی‌نامه آیت الله مجاهد سید محمد سعید حبوبی (ره) (۱۲۶۶ ق-۱۳۳۳ ق) را در مجله مشکاة آورده‌ایم علاقه‌مندان رجوع فرمایند. نیز نک: علمای مجاهد، ص ۱۶۹؛ نهضت روحانیون ایران (چاپ ۲)، ۱ و ۱۷۳؛ معارف الرجال، ص ۲۹۱ و ۲۹۳؛ مکارم الآثار، ص ۱۸۲۱-۱۸۲۲؛ رسائل و فتاوی جهادی، ۲۳۹، ج ۲، ص ۲۸۵.

[۱۱۷] (۷). درباره آیت الله مجاهد مصلح و استعمار ستیز کاشف الغطاء نک: علمای مجاهد، ص ۳۸۴، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۵۱، ۲۵۳؛ شخصیت و اندیشه‌های کاشف الغطاء، به کوشش دکتر احمد بهشتی؛ دانشنامه جهان اسلام، ص ۶۴۷؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲، ص ۱۰۵؛ نورعلم، مقاله بنده نگارنده؛ ریحانة الادب، ص ۴۲۴؛ احسن الودیعة، ۲، ص ۲۶۰؛ این است آیین ما، مقدمه راه اسلام- بلای استعمار، ترجمه سید هادی خسروشاهی، مقدمه جنۃ المأوی او.

در خصوص نبردش با استعمار بریتانیا باید گفت رشید عالی گیلانی در سال ۱۳۶۰ ه- ق بر ضد انگلیس کودتا گردد و کاشف الغطاء در این قیام مسلحانه، شرکت کرد و با انگلیس جنگید چنانکه طی دوران جنگ جهانی اول نیز در سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ م در نبرد با انگلستان شرکت کرد و مردانه حضور داشت.

[۱۱۸] (۸). فتحعلی شاه قاجار، بابا خان حسینی علی خان (م. ۱۲۵).

دومین شاه دودمان قاجاریه است. وی در سال ۱۲۱۲ پس از کشته شدن عمویش آغامحمدخان قاجار، از فارس، که مقرر حکومت او در دوره ولیعهدی بود به تهران آمد و بر تخت سلطنت نشست و ۳۸ سال سلطنت کرد.

او شعر نیز می‌سرود و به خاقان تخلص می‌کرد. دیوان اشعار او به چاپ رسیده است.

مصاحب ۲/ ۱۸۴۲؛ معین ۲/ ۱۳۰۴؛ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ۲، ۱۶۰۳، فرهنگ شاعران زبان پارسی، ۲، ۱۸۰.

[۱۱۹] (۹). میرزا مسیح مجتهد تهرانی از جمله مراجع تهران در عصر سلطنت فتحعلی شاه قاجار بود که با

فتوای ایشان حادثه قتل گریبایدوف وزیر مختار روسیه در ایران اتفاق افتاد. گریبایدوف زن‌های قفقازی مسلمان شده را که با برخی از مسلمانان ازدواج کرده بودند به زور به سفارت روسیه برد و موج اعتراض مردمی به رهبری میرزا مسیح بلند شد. نک: میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف از غلامرضا گلی زواره؛ روضه الصفا، ج ۹، ص ۷۱۲؛ لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، ص ۱۱۳-۱۱۵؛ خاندان کلباسی، ص ۲۷۳؛ مشروطه از نظر صاحب نظران، ص ۱۰۶.

[۱۲۰] (۱). درباره عالم دین باور عدالتخواه و زمان آگاه آیت الله نوری نک: شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (روایوی دو اندیشه) از مهدی انصاری، مؤسسه انتشارات امیر کبیر؛ تشیع و

مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر؛ علمای مجاهد، ۵۲۷؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۴۶؛ مشروطه از زبان صاحب نظران، مصاحبه با نویسنده متن، ص ۲۳؛ المآثر والآثار، ج ۱، ص ۲۰۴، معارف الرجال، ج ۲، ص ۱۵۸؛ مکارم الآثار، ج ۵، ص ۱۶۰۵؛ مجموعه رسائل، اعلامیه، مکتوبات، ... و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری؛ علمای معاصرین، ۹۴، ۱۳۸؛ لوائح آقا شیخ فضل الله نوری؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۶؛ دیده بان بیدار از علی ابو الحسنی (منذر)؛ اندیشه سبز، زندگی سرخ از همو، خانه بر دامنه آتشفشان! از همو؛ پایداری تا پای دار از همو. و سیری در حیات پر بار علمی، معنوی، اجتماعی و سیاسی شهید حاج شیخ فضل الله نوری؛ شیخ فضل الله نوری و مکتب تاریخ نگاری مشروطه از علی ابوالحسنی؛ اختران فقاقت، ج ۱، ص ۴۲۱.

[۱۲۱] (۲). آیت الله مجاهد حاج آقا نور الله از رهبران مشروطه خواه اصفهان بود. در پی اعلام نظام اجباری سربازگیری در آبان ۱۲۰۶ هـ - ش مردم اصفهان با جلب پشتیبانی آیت الله حاج آقا نور الله، بر ضد این قانون، شورش عمومی به راه انداختند. نامبرده با چند تن از علما و طلاب راهی قم شد

درباره زندگانی سیاسی و قیام عالم اصلاح طلب و سیاستمدار برجسته آیت الله حاج آقا نور الله نجفی اصفهانی علیه دولت مرکزی در زمان رضاشاه به منابع زیر مراجعه فرمایید:

قیام آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی نوشته سید اسدالله رسا، چاپ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛ اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدار گرانه حاج آقا نور الله اصفهانی از دکتر موسی نجفی؛ فرازی از زندگانی سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی به روایت اسناد به کوشش علیرضا اسماعیلی؛ علما و رژیم رضا شاه از حمید بصیرت منش، ص ۲۹۱ به بعد، چالش های روحانیت با رضا شاه؛ ۱۷۷ علمای مجاهد ۶۲؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۲؛ حاج آقا نور الله اصفهانی ستاره اصفهان؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۱۱-۱۴۵.

[۱۲۲] (۳). درباره قیام حاج آقا جمال اصفهانی نگریسته شود به: علمای مجاهد، ص ۶۰، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۶۸ و ۸۴؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۱۹۰ و ۱۹۱؛ اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، صفحات ۳۲۳، ۳۲۶ و ۳۳۰.

[۱۲۳] (۴). شرح حال آیت الله العظمی آقا میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی (ره) را در مجله نور علم، دوره سوم شماره پنجم آورده ایم. نیز نک: احسن الودیع، ج ۲، ص ۱۱۰؛ علمای معاصرین، ۱۵۳-۱۵۸ و ۱۱۳؛ رجال آذربایجان، ۲۴، ۶۵، ۱۰۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۳، ص ۴۸۱، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف، ج ۵، کیهان اندیشه، ش. اوش ۱۶، بیان صادق از احمد دینا نور و هادی هاشمیان؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۴۰۶، علمای مجاهد، ۱۴۴؛ مفاخر آذربایجان، ج ۱، ص ۲۷۶؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۴۲۳۰.

[۱۲۴] (۵). درباره آیت الله مجاهد سید حسن طباطبائی قمشه ای ملقب به مدرس، نماینده دوره های سوم تا ششم (تهران، مجلس شورای ملی که در سال ۱۳۱۶ توسط عوامل رضاخان به شهادت

رسید. نک: کتاب مدرس قهرمان آزادی، سید حسن مدرس از عباس رضائی؛ آراء، اندیشه ها و فلسفه سیاسی مدرس، تهران هنرواران؛ زندگی سیاسی شهید مدرس از سید صدر الدین طاهری؛ شهید مدرس ماه مجلس از غلامرضا گلی زواره؛ اندیشه سیاسی شهید مدرس از رضا عیسی نیا؛ مدرس و مجلس؛ نامه ها و اسناد، مدرس شهید نابغه ملی؛ مدرس، سی سال شهادت از نادعلی همدانی، علما و رژیم رضا شاه، ۳۲۱؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۳۷۱.

[۱۲۵] (۶). نک: قیام گوهرشاد از سینا واحد؛ قیام مسجد گوهرشاد به روایت اسناد، تدوین داود قاسم پور.

[۱۲۶] (۷). آیت الله مجاهد حاج میرزا محمد کفایی معروف به آقا زاده، فرزند آخوند خراسانی ۱۳۵۶-۱۲۹۴ هـ - ق) است. وی از سال ۱۳۱۰ ش به بعد یکی از مخالفان به رضا شاه مجزات می شد. و به دلیل مخالفت با رژیم بازداشت و به یزد تبعید شد درباره

ایشان و خدمات و فعالیت‌هایش نک: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۴۴-۴۷؛ ضمیمه تاریخ علمای خراسان، ۲۴۸؛ قیام گوهرشاد، ثبت افول فرزندان؛ گنجینه دانشمندان، ۱، ص ۲۴۴، ۷، ص ۹۳؛ اثر آفرینان، ۱، ص ۵۰.

[۱۲۷] (۱). حاج آقا حسین قمی (۱۳۶۶) از بزرگان علما و مشاهیر مراجع تقلید است که بعد از آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی به مرجعیت رسید و در جریان کشف حجاب علیه رضا شاه پهلوی قیام کرد و پس از واقعه مسجد گوهرشاد از تهران به عراق تبعید شد. در سال ۱۳۶۲ ق جهت زیارت امام رضا علیه السلام به مشهد می‌آید و پیشنهاداتی را به دولت جهت اصلاح امور ارائه می‌کند. نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۴۰۸؛ و چالش‌های روحانیت و رضا شاه ص ۱۵۴؛ مجله نور علم، ش ۱ دوره دوم مقاله نگارنده.

[۱۲۸] (۲). آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی فرزند سید مصطفی (۱۲۶۴-۱۳۴۰) از علمای مبارزی بود که در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد. مبارزات سیاسی خود را از دوران جوانی در نهضت مشروطیت آغاز کرد و در عراق ادامه داد و در جریان انقلاب ۱۹۲۰ عراق محکوم به اعدام شد. انگلیسی‌ها پس از ۲۸ ماه که او را زندانی کرده بودند، به ایران تبعید کردند و در ایران نیز با استبداد داخلی و استعمار خارجی مبارزه کرد. یکی از فرازهای مهم مبارزاتی ایشان جهاد و پیگرد مستمرش در نهضت ملی شدن صنعت نفت (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) بود. معظم له در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ رهبر روحانی و سیاسی شیعه محسوب می‌شد و نماینده تهران و رئیس دوره هفدهم شورای ملی بود.

برخی از منابع شرح حال این عالم سیاستمدار ضد استعمار و مجاهد که عمری را به مبارزه و جهاد گذراند، عبارتند از: انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۱۹۲؛ اثر آفرینان، ۵، ص ۹؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۴۵۶؛ علمای مجاهد، ص ۳۷۰؛ آیت الله کاشانی رایت استقلال؛ تاریخ و فرهنگ معاصر، س ۲ ش ۷۶۶؛ نقش علمای شیعه در رویاروی با استعمار، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷؛ روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت؛ نقباء البشر، ۱، ص ۲۹۲-۲۹۳؛ آیت الله کاشانی و نفت از حسین گل بیدی؛ فصلی از زندگی پیشوای روحانی حضرت آیت الله کاشانی؛ روحانی مبارز آیت

الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد (۲ جلد)؛ اختران فروزان ری و طهران، ۹۸ و ۱۰۱؛ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۷۱، و ج ۶، ص ۲۴۷؛ گلزار معانی، ص ۵۵۰-۵۵۸؛ آیت الله کاشانی و سیاست، مهرش السادات علوی؛ فرهنگ معین، ج ۶، ۱۵۲۲.

[۱۲۹] (۳). از جمله نک: سینای فقاہت، ص ۲۵۳؛ مجموعه متون و اسناد روحانیت، ش ۶۶، ص ۱۱۸.

[۱۳۰] (۱). درباره جنایات و خیانت خاندان منفور پهلوی به منابع زیر مراجعه فرمایید:

تاریخ نیم قرن جنایت از سرهنگ احمد ودی، قسمتی از خیانت و جنایت او به وطنش، و مجموعه با بیست ساله (۱). دین ستیزی رژیم پهلوی ۲. خیانت رژیم پهلوی ۳. غارتگری شرکت‌ها و مؤسسات خارجی ۴. محدود سازی مذهب و روحانیت و حوزه‌های علمیه ۵. تلاش برای عدم شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ۶. طرح‌های ضد ملی و ضد ایرانی تعقیب شده از سوی سازمان‌های اطلاعاتی بیگانه، علما و رژیم رضا شاه؛ مفاسد خاندان پهلوی از دکتر شهلا بختیاری، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ۱۳۵۶-۱۳۴۳، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران؛ شکنجه در رژیم شاه، سعید صدمی‌پور، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

[۱۳۱] (۱). حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی در پیامی که به مناسبت رحلت امام خمینی صادر کرد ایشان را چنین معرفی کرد: «شخصیتی دعوت حق را لیبیک اجابت گفت که با مجاهدت بزرگ و فداکاری‌ها و رهبری‌های قاطع و محکم خود، اسلام را در عالم معاصر زنده کرد و ندای تکبیر و توحید را به گوش جهانیان رسانید و مجد و عظمت مسلمانان را به آنان بازگردانید و فریاد کوبنده‌اش دل‌های مستکبران ابرقدرت را به لرزه در آورد ... و با اتکا به نصرت الهی و شجاعت ایمانی، انقلاب اسلامی ایران را به وجود آورد ... فقیهی بزرگ و مرجع مسلم به جهان باقی شتافت که در زهد و عبادت و شب زنده‌داری و خوف از خدا و حق‌گویی

و حقیقت‌طلبی، و صفات ممتازه دیگر از آیات الهی بود ...»

شرح حال فقیه مبارز، رهبر انقلاب و زعیم دولت و حکومت پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی علیه رضوان الباری- (۱۳۲۰ هـ- ق- ۱۳۶۸ هـ- ش) را در مجله نور علم، دوره سوم، ش ۷ آورده‌ایم علاقه‌مندان رجوع فرمایند. نیز نک: آینه دانشوران ۱۸۵؛ سخنوران نامی معاصر، ۱، ص ۳۴۰؛ اثر آفرینان، ۱، ص ۲۹۵؛ گنجینه دانشمندان، ص ۱۲؛ حوزه ش ۹۴-۹۵ ویژه صدمین سال تولد امام خمینی.

[۱۳۲] (۱). از کلمات قصار رسول خدا صلی الله علیه و آله است. یعنی برترین جهادها، سخن حق و عدالتی است که در نزد پیشوای ستمکاری گفته شود. [الکافی، ج ۵، ص ۶۰]

[۱۳۳] (۱). الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

Seire huzehaye elmie shiitevby: Ayatuollah saafi gulpaygani introduction and additions:
Naser Baqheri Bidhendi

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹